

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

هزینه استفاده از این جزوه، برای دانش‌آموزان، دبیران و دیگر علاقه‌مندان به ادبیات شیرین فارسی، قرائت یک فاتحه به نیت پدر و مادر مرحوم است.

چندی پیش دریافتم در مناطقی از کشور عزیزمان، دانش‌آموزان با استعدادی هستند که از داشتن دبیری مجرب و حرفه‌ای محروم‌اند. این عزیزان، نه تنها شرایط شرکت در کلاس‌های کنکور موسسات خصوصی را ندارند، بلکه از خرید و تهیه کتاب‌های کمک‌آموزشی نیز عاجزند. با توجه به شرایط موجود و مشاهده ناعدالتی‌های آموزشی بر آن شدم به نوبه‌ی خود، خدمتی - هر چند کوچک - در حق این عزیزان کرده باشم. در اسرع وقت دست به کار شدم و کانال تلگرام و پیج اینستاگرامی راه‌اندازی کردم تا خدمات آموزشی گسترده‌ای را به صورت کاملاً رایگان در اختیار این عزیزان قرار دهم. و از همان هفته به تألیف جزواتی به صورت موضوعی اقدام نمودم تا در سریعترین زمان ممکن به دست این عزیزان برسد. اکنون به لطف الهی و تلاش شبانه‌روزی اینجانب، این جزوه و جزوات آرایه و دستور و دیگر جزوات آماده شد و به صورت کاملاً رایگان در اختیارتان قرار گرفت.

۱ - با مطالعه بخش‌بخش و جزء‌جزء این جزوات خواهید فهمید که این جزوات کامل‌ترین درس‌نامه‌ها را دارند. برای بنده خیلی راحت و اقتصادی‌تر بود که این جزوات را در اختیار موسسه و انتشاراتی قرار دهم و از مزایای مادی و معنوی آن برخوردار شوم. ولی در این صورت اجازه نداشتیم که این جزوات را در کانال قرار دهم تا همه افراد به صورت رایگان از پی‌دی‌اف آن استفاده کنند.

۲ - قطعاً برای تألیف هر جزوه و کتابی، زحمات بسیاری کشیده می‌شود. با نگاهی سطحی بر این جزوه و دیگر جزوات بنده خواهید دید که برای تألیف آن زحمت بسیاری کشیده شده است. اینجانب علاوه بر ساعت‌ها تمرکز و نوشتن، برای تایپ و صفحه‌آرایی این جزوه و جزوات دیگر، مبلغ قابل توجهی هزینه کرده‌ام.

۳ - سال گذشته دبیری پیام داد که با اجازه شما این جزوات را داده‌ام تایپ کرده‌اند و در انتهای جزوه از شما یاد خواهم کرد!!!

به چند دلیل این کار دور از انصاف و ناصحیح بوده‌است؛ اول اینکه با این تایپ و صفحه‌بندی زیبا چه لزومی داشت مجدد تایپ شود جز اینکه قضیه‌ای در کار بوده باشد؟ دوم اینکه با حذف نام بنده از هر صفحه و انتقال آن به آخر جزوه، عملاً با یک غلط‌گیر - توسط هر فردی - این اثر بی‌شناسنامه خواهد شد. سومین دلیل که از دلایل دیگر بسیار مهمتر است این است که صادقانه و حقیقتاً خدمتتان عرض می‌کنم که پس از تایپ این جزوات توسط تایپست‌های گران‌قیمت موسسات مطرح، برای ویرایش و صفحه‌بندی هر کدام، حداقل بیش از ۳ ماه وقت گذاشته‌ام (اگر ملاحظه کنید می‌بینید در تمام این جزوه حتی «تشدید» و «نیم‌فاصه» و دیگر علائم و موارد ویرایشی رعایت شده است تا زیبایی جزوه، مطالعه را برای دانش‌آموز دلنشین‌تر کند) تألیف این جزوات، اینطور نبوده که پس از تایپ با یک ویرایش خدمتتان ارائه شده باشد. اگر آن دبیر محترم، نهایت انصاف را به خرج دهد و نام بنده را هم در هر صفحه جزوه بیاورد، باز هم در حق من جفا کرده است، چرا که قطعاً قطعاً جزوه‌ای خواهد بود با هزار غلط تایپی و ...

با توجه به ۳ مورد فوق، از دبیران ارجمند، صمیمانه خواهشمندم، برای ارج‌نهادن به تألیف و کار بنده، از کپی‌کردن جزوات اینجانب، بدون نام بنده خودداری کنند. و از همین پی‌دی‌اف استفاده کنند.

## معرفی و سوابق علمی و آموزشی بنده:

ابوذر احمدی پَرگو؛ دانشجوی سال دکتراى زبان و ادبیات فارسی

کارشناسی: دانشگاه علامه طباطبایی (سراسری)، کارشناسی ارشد: دانشگاه خوارزمی (سراسری)، دکتری: اراک (سراسری)  
۱۶ سال سابقه تدریس دروس عمومی و تخصصی زبان و ادبیات فارسی، تالیف (۵ جلد) و همکاری (در بیش از ۱۵ جلد) کتاب کمک آموزشی، طراح سوال نرم‌افزار آموزشی «مُنتا»، طراح سوال سابق آزمون‌های مدرّسان شریف در مقطع کارشناسی ارشد و ...

مدرّس دبیرستان‌های برتر تهران از جمله: دبیرستان ماندگار البرز، دبیرستان رشد، دبیرستان فرهنگ، دبیرستان خوارزمی، دبیرستان سلام، دبیرستان شاهد، دبیرستان سرای دانش (قلم‌چی) و دیگر مدارس برتر تهران و مدرّس کلاس‌های کنکور موسسات و مدارس تهران و شهرستان‌ها.

شاعر، نویسنده، منتقد ادبی و استاد کلاس‌ها و کارگاه‌های شعر و ترانه

**توجه:** این جزوات برای پاسخ‌گویی به سوالات سخت کنکوری تألیف شده‌اند اما دانش‌آموزان و علاقه‌مندان به ادبیات فارسی نیز می‌توانند از آن بهره ببرند. با توجه به حجم کم جزوه، امکان جستجوی مبحث مورد نظر آسان است. لذا از افزودن فهرست خودداری کردم تا یک صفحه هم که شده از افزایش حجم جزوه و اسراف بی‌مورد جلوگیری کرده باشم.

باتوجه به برنامه‌های تألیفی و خدماتی که در ماه‌های آتی قرار است اجرا کنم، پیشنهاد می‌شود که کانال تلگرامی و پیج اینستاگرام بنده را دنبال کنید تا از جدیدترین فایل‌های تصویری و صوتی، جزوه‌های دیگر، تست‌ها، درس‌نامه‌ها، آزمون‌های آنلاین، اطلاعات مشاوره‌ای، اخبار و اطلاعات کنکور و ... به صورت کاملاً رایگان استفاده کنید. موفقیت و قبولی شما، آرزوی بنده است. این آرزو برای همه شماست.

موفق و سربلند باشید

دکتر ابوذر احمدی

## آرایه‌های ادبی

آرایه‌های ادبی در یک نگاه کلی به دو بخش بیان (یا صَوْر خیال) و بدیع تقسیم می‌شود.

### بیان (صَوْر خیال)

آرایه‌هایی را می‌گویند که کار تصویرسازی و مخیل کردن شعر را بر عهده دارند و در سطح کنکور موارد زیر را شامل می‌شود.

#### بیان

**تشبیه:** تشبیه کامل، تشبیه بلیغ (تشبیه بلیغ اسنادی و تشبیه بلیغ اضافی یا اضافه تشبیهی)

**استعاره:** استعاره مصرّحه، استعاره مکنّیه (اضافه‌ی استعاره‌ی، تشخیص)

**مجاز:** با علاقه‌های شباهت، محلّیه، کلیّه، جزئیّه و لازمیه، آلت و ...

کنایه

نماد

### بدیع

آرایه‌هایی را می‌گویند که موسیقی لفظی و معنوی را افزایش می‌دهند. بدیع به دو دسته **بدیع لفظی** و **بدیع معنوی** تقسیم می‌شود.

**بدیع لفظی:** آرایه‌هایی هستند که موسیقی لفظی کلام را افزایش می‌دهند و یکسانی یا مشابهت لفظی به وجود می‌آورند. مثلاً دو کلمه «دست و مست» از نظر معنایی با هم ارتباطی ندارند ولی **تلفظ** آن‌ها شبیه به هم است و این **تلفظ** مشابه، صدای یک‌نواختی دارد و موسیقی کلام را افزایش می‌دهد. بدیع لفظی در سطح کنکور، موارد زیر را شامل می‌شود.

#### بدیع لفظی

تکرار، واج‌آرایی، سجع، جناس و اشتقاق.

موازنه و ترصیع نیز دو آرایه بدیع لفظی هستند که مخصوص رشته انسانی‌اند.

**بدیع معنوی:** آرایه‌هایی هستند که با توجه به روابط معنایی کلمات و عبارات حاصل می‌شوند و یک نوع موسیقی معنوی ایجاد می‌کنند. مثلاً وقتی «گل و باغ و شبنم» را در شعری به کار می‌بریم، این کلمات از نظر لفظی مشابهتی با هم ندارند، ولی از **نظر معنایی** در ارتباط هستند و یک هماهنگی در ذهن شنونده ایجاد می‌کنند که سبب لذت ادبی می‌شود، این کارکرد را بدیع معنوی می‌گویند. بدیع معنوی در سطح کنکور، موارد زیر را شامل می‌شود.

#### بدیع معنوی

حسن آمیزی، حُسن تعلیل، پارادوکس، تضاد، ایهام و ایهام تناسب، اسلوب معادله، تلمیح، تضمین،

مراعات نظیر، لف و نشر، اغراق، مَثَل و تَخَلّص.

**توجه:** برای پاسخگویی به تست‌های ترکیبی، سعی کنید ابتدا با گروه اول پاسخ بدهید و اگر نشد با گروه سوم و تا جای ممکن سمت گروه دوم نروید! گروه چهارم هم معمولاً یا در تست‌ها نمی‌آیند و یا بی‌تاثیر هستند.

گروه اول	حسن آمیزی، پارادوکس، حُسن تعلیل، اسلوب معادله
گروه دوم:	انواع تشبیه، انواع استعاره، انواع مجاز، کنایه، ایهام و ایهام تناسب
گروه سوم:	جناس، تلمیح، اغراق، تضاد
گروه چهارم	مراعات نظیر(تناسب)، تکرار، واج‌آرایی، سجع، تضمین، نماد و ...

## بیان

### تشبیه

تشبیه مهم‌ترین بخش بیان یا صور خیال است. تشبیه هنگامی است که شاعر دو چیزی را که در اصل به هم شبیه نیستند، به هم تشبیه کند. مثلاً «تو ماه هستی» تشبیه است، اما «تو یار غمگسار هستی» تشبیه نیست، زیرا واقعیت است. ابتدایی‌ترین و کامل‌ترین تشبیه که به آن تشبیه کامل یا گسترده می‌گویند، تشبیهی است که ۴ رکن دارد: «مشبّه، ادات تشبیه، مشبّه‌به، وجه‌شبهه». ولی شاعران برای خیال‌انگیز کردن کلام، گاهی ادات تشبیه یا وجه شبه را حذف می‌کنند که این حالت را نیز تشبیه کامل می‌گویند و یا هر دوی آن‌ها را حذف می‌کنند و از تشبیه فقط مشبّه و مشبّه‌به باقی می‌ماند، که به آن تشبیه بلیغ یا فشرده می‌گویند.

بلم آرام چون قویی سبک‌بار به نرمی بر سر کارون همی‌رفت

مشبّه: بلم (قایق)      ادات تشبیه: چون      مشبّه‌به: قو      وجه شبه: به نرمی رفتن  
گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم      ورت به دست نیاید، چو سرو باش آزاد

مشبّه: (تو)      ادات تشبیه: چو      مشبّه‌به: نخل      وجه شبه: کریم و بخشندن بودن

قهوه‌خانه      گرم و روشن بود      همچون      شرم  
مشبّه      وجه‌شبهه      ادات تشبیه      مشبّه‌به

**توجه:** به «مشبّه» و «مشبّه‌به» طرفین تشبیه یا اجزا و ارکان اصلی تشبیه می‌گویند.

**تشبیه بلیغ:** هرگاه از ارکان تشبیه، فقط مشبّه و مشبّه‌به آمده باشد آن تشبیه را، تشبیه بلیغ می‌گویند. تشبیه بلیغ به دو شکل می‌آید.

تشبیه بلیغ اسنادی: مشبّه + مشبّه‌به + فعل اسنادی: تو دریا هستی، تو کوهی، سروی  
تشبیه بلیغ اضافی «اضافه تشبیهی»: مشبّه‌به + - یا ی + مشبّه: آتش هجران، کمند زلف

\* **توجه:** اضافه تشبیهی، در محدود مواردی به صورت «مشبّه + - یا ی + مشبّه‌به» می‌آید. یعنی مشبّه، جلوتر از مشبّه‌به می‌آید. مانند: لب لعل و قد سرو، روی ماه...

\* **توجه:** درک تشبیه بلیغ، نسبت به تشبیه کامل، سخت‌تر است. در کنکور نیز بیشتر از تشبیه بلیغ استفاده می‌کنند.  
این عشق آتشی است که جان مرا گرفت      داغی به دل نهاد و دلم زان نشان گرفت  
تو بهاری، تو بستی، آتش جانی، سروی      من همان خاک رهم، آتش عشقت کفتم

هر چند زمین‌گیر بود دانه‌ی امید      دست گرم ابر گهر بار بلند است  
تا خار غم عشقت، آویخته در دامن      کوه نظری باشد، رفتن به گلستان‌ها

\* **توجه:** بعضی از تشبیه‌های اسنادی، کمی دریا تر می‌باشند و به دقت بیشتری نیاز دارند.

وصل، هجران است اگر دل‌ها ز یکدیگر جداست      هجر، باشد وصل اگر دل‌ها به هم پیوسته است

**ادات تشبیه:** چو، همچو، مثل، مانند، نظیر، به‌سان، به کردار، شبیه، به گونه‌ای که، آن‌سان که، به شیوه‌ی، به طرز، و ... و فعل‌های «مانستن، ماند، گویی و گفتی» و موارد مشابه نیز می‌توانند ادات تشبیه باشند. همچنین کلماتی مانند «به رنگ، به جای، در حکم، در حق و ...» نیز می‌توانند ادات تشبیه باشند و تشبیه بسازند. «آب در جای نور است»

**\*نکته بسیار مهم:** تشبیه ممکن است به صورت **یک واژه‌ی مشتق (وندی) و با پسوندهای شباهت** مانند: «وش، گون، وار، سا، آسا و ...» آمده باشد.

از سوی خانه پیامد خواجه‌اش      بر دکان بنشست، فارغ، خواجه‌وش

**\*نکته:** تشبیه ممکن است به صورت **یک واژه‌ی مرکب** آمده باشد که قسمت دوم، مشبّه و قسمت اول مشبّه‌به می‌باشد. مانند: سیمین‌تن، سروقد، شاه‌خصلت، درویش‌مسلک، گدامنش، مهرآیین و ...

به زیورها بیارایند وقتی خوبرویان را      تو سیمین‌تن چنان خوبی، که زیورها بیارایی

وقتی که چاره‌ی دل عشاق می‌کنی      درد مرا به نیم **شکرخنده** چاره کن

**\*توجه:** «چو» یا «چون» اگر معنای «**وقتی یا وقتی که یا زیرا که**» بدهند، ادات تشبیه نیستند و تشبیه نمی‌سازند.  
چون نَداری ناخن درتده تیز      با ددان آن به، که کم گیری ستیز  
چو آگاه شد دختر گُژدهم      که سالار آن انجمن گشت کم

**\*نکته:** تشبیه و مخصوصاً اضافه تشبیه‌ی در نثر نیز بسیار به کار می‌رود.  
باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و **خوان نعمت** بی‌دریغش همه جا کشیده.  
**فرّاش باد صبا** را گفته تا فرش زمردین بگسترد و **دایه‌ی ابر بهاری** را فرموده تا **بنات نبات** در مهد زمین پیرورد. درختان را به خلعت نوروزی **قبای سبز ورق** در برگرفته و **اطفال شاخ** را به قدوم موسم ربیع **کلاه شکوفه** بر سر نهاده.

**باران رحمت:** رحمت خداوند مانند باران گسترده است.

**خوان نعمت:** نعمت خداوند مانند سفره پهن شده است.

**فرّاش باد صبا:** باد صبا مانند فرّاش (فرش گستراننده) در خدمت بود ...

**دایه‌ی ابر بهاری:** ابر بهاری مانند یک دایه در پرورش بود ...

**بنات نبات:** نباتات (گیاهان) مانند دختران، زیبا بودند و ...

**مهد زمین:** زمین مانند یک گهواره آرام است و ...

**قبای سبز ورق:** ورق (برگ) مانند قبا و پیراهن بر تن شاخه‌ها بود ...

**\*توجه:** مشبّه، گاه ضمیر محذوف است که از فعل دریافت می‌شود.

خروشان و جوشان به کردار موج      فرّاز آمدند از کران فوج فوج

(آن‌ها) به کردار موج خروشان و جوشان جمع شدند.

مشبّه ادات تشبیه مشبّه‌به وجه شبه

چون سیل ز پیچ و تاب صحرا می‌رفت      همراه سحر، به فتح فردا می‌رفت

(او) چون سیل از پیچ و تاب صحرا می‌رفت.

مشبّه ادات مشبّه‌به وجه شبه

**\*نکته:** در اضافه تشبیهی ممکن است واژه‌ای بین مشبّه به و مشبّه بیاید. در ترکیب «قبای سبز ورق»، «ورق» به «قبا» تشبیه شده است. و «سبز» صفت مشبّه به است. در واقع «قبای ورق» اضافی تشبیهی است. توجه: اخیراً کنکور «تشبیه مُضمَر؛ یعنی تشبیه پنهانی و نامحسوس» را، تشبیه می‌گیرد.

۱- رکن نخست تشبیه در عبارت زیر، رکن دوم تشبیه در بیت گزینه‌ی ..... است.  
«چون به بصره رسیدیم، از برهنگی و عاجزی به دیوانگان مانده بودیم و سه ماه بود که موی سر، باز نکرده بودیم و می خواستیم که در گرمابه روم؛ باشد که گرم شوم، که هوا سرد بود.»

(۱) چنگ در زنجیر زلفش چون زدم دیوانه‌وار  
(۲) با محتسبم عیب مگوید که او نیز  
(۳) این چنین تنهات نپسندیم ما  
(۴) هر کس به ما کند ستمی، همچو عاجزان

۲- در همه ابیات، تعداد تشبیه‌ها، یکسان است؛ به جز .....  
(۱) گرد شمع رخت ای شوخ من سوخته‌جان  
(۲) مرغ دل در قفس سینه من می‌نالد  
(۳) سری که داغ جنون برگرفت از خاکش  
(۴) کرد شوق چمن وصل تو ای مایه‌ی ناز

۳- «وجه شبه» در همه ابیات محذوف است به جز .....  
(۱) طره‌های تو کمنداکن طراران‌اند  
(۲) بنفشه‌زلف من آن سروقد سیم‌اندام  
(۳) دیشب درآمد آن بُت مه‌روی شب‌نقاب  
(۴) که نی‌آم، کوهم، ز صبر و حلم و داد

۴- بخش مشخص‌شده گزینه ..... ، رکن متفاوتی از ارکان تشبیهی است.  
(۱) خورش به تیغ حسرت، یا رب حلال بادا  
(۲) مورم و گر لطف او باشد رفیق  
(۳) آه از دمی که تنها، با داغ او چو لاله  
(۴) روز و شب در صحن میدان ثنناش

غمزه‌های تو طیب دل بیماران‌اند  
بر من آمد وقت سپیده‌دم به سلام  
بر مه کشید چنبر و در شب فکند تاب  
کوه را کی در رُباید تند باد

صیدی که از کمندت، آزاد رفته باشد (تیغ)  
تاخت بر ملک سلیمان می‌زنم (من)  
در خون نشسته باشم، چون باد رفته باشد (او)  
بر کُمیت خامه جولان می‌زنم (ثنا)

\*\*\*

## استعاره

استعاره در لغت یعنی «به عاریت گرفتن و قرض گرفتن» اما در اصطلاح ادبی، آرایه‌ای است که یک واژه در معنای واژه‌ی دیگر به کار می‌رود. مثلاً بگوئیم «سرو» و منظورمان «معشوق» باشد.

**\*توجه:** این تعریف مشابهتی به مجاز دارد و درست هم هست. زیرا استعاره در واقع، مجازی است که رابطه بین واژه‌ی آمده و واژه‌ی مد نظر «شابهت» است. به هر حال استعاره، هم از راه مجاز قابل فهم است، هم از راه تشبیه. که در این بخش از راه تشبیه به آن پرداخته‌ایم.

**\*توجه:** قبل از این که وارد بحث شویم ذکر این نکته ضروری است که دو نوع استعاره وجود دارد. استعاره مصرّحه (آشکار) و استعاره مکنّیه (پنهان). منظور از استعاره، معمولاً استعاره مصرّحه است. اما اگر در کنکور به نوع آن اشاره نشده باشد، استعاره مصرّحه و یا مکنّیه را استعاره می‌گیریم.

### ۱- استعاره مصرّحه

گفتیم که استعاره از تشبیه حاصل می‌شود و هرگاه شاعر از ارکان تشبیه، فقط **مشبّه‌به** را بیورد **استعاره مصرّحه** می‌شود. **سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند** همدم گل نمی‌شود، یاد سمن نمی‌کند

شاعر برای خلق مصراع اول، ابتدا در ذهن خود این تشبیه را ساخته است:

معشوق من که مانند **سرو** راست قامت و بلندقامت است چرا...  
مشبّه ادات تشبیه **مشبّه‌به** وجه شبه

سپس از این تشبیه فقط **مشبّه‌به** را خارج کرده و در شعر به کار برده است. این کار را **استعاره مصرّحه** یا **با تخفیف «استعاره»** می‌گویند.

سؤالی که پیش می‌آید این است که از کجا بدانیم «سرو»، مشبّه‌به یک تشبیه است و در معنای اصلی خود به کار نرفته است؟ پاسخ راحت است. زیرا وجود کلمه «چمان» به معنی «رونده» اعلام می‌دارد که «سرو» در معنای واقعی خود به کار نرفته است. مثلاً در عبارت «من سروی دیدم» ما نمی‌توانیم ادعا کنیم که «سرو» استعاره از «معشوق» است. چون هیچ **قرینه‌ای** وجود ندارد که ما را از معنای وضع‌شده و قاموسی برای «سرو» منصرف کند. اما در ترکیب «سرو چمان» واژه‌ی «چمان» نشانه‌ای (قرینه‌ی **صارفه**) است که ما را از معنای اصلی «سرو» منصرف می‌کند. در واقع برای به کارگیری استعاره مصرّحه یا باید قرینه‌ای در کلام باشد یا این که محتوای کلام نشان بدهد که آن کلمه در معنای اصلی خود به کار نرفته است. مثلاً در بیت زیر واژه‌ای وجود ندارد که نشان دهد «اژدها» معنای استعاری دارد، اما با توجه به داستان جنگ خندق، می‌دانیم که حضرت علی (ع) با اژدها مبارزه نکرده است و «اژدها» **استعاره** از عمرو بن عبدود است.

به جز بازوی دین و شیر خدا  
کس شد طالب رزم آن **اژدها**

شاعر «اژدها» را از همچنین ترکیبی خارج کرده است.

عمرو بن عبدود مانند **اژدها** خطرناک بود.  
مشبّه ادات تشبیه **مشبّه‌به** وجه شبه

نمونه‌های دیگر استعاره مصرّحه:

ای **شمع** که ما را به سخن شیفته کردی  
**معشوق**  
**پروانه** خود را مکشش از چرب‌زبانی  
**عاشق**

**خمارین نرگسان** را کرد پُـرآب  
**چشم**  
**به گل**، بر ریخت **مروارید** خوشاب  
**گونه، صورت** **اشک چشم**  
یکی **درخت گل** اندر میان خانه ماست  
**معشوق**  
که سروهای چمن پیش قامتش پستند

### ۲- استعاره مکنّیه

در استعاره مصرّحه گفتیم که شاعر ابتدا یک تشبیه در ذهن خود می‌سازد و از آن تشبیه، مشبّه‌به را استخراج می‌کند. در استعاره مکنّیه نیز شاعر ابتدا یک تشبیه در ذهن خود می‌سازد و از آن تشبیه، **مشبّه** و **وجه‌شبه** را استخراج می‌کند و در جمله‌ای به کار می‌گیرد.

به جمله مقابل **توجه کنید**. «**دستِ قضا ما را از هم جدا کرد.**»

**قضا (و قدر)** مانند انسان  
**مشبّه** ادات تشبیه **مشبّه‌به**  
ما را از هم جدا کرد. **با دستش** **وجه شبه یا ویژگی مشبّه‌به**

**\*توجه:** هر استعاره‌ای، چه مصرّحه و چه مکنّیه، برای اینکه نشان دهند در معنای حقیقی به کار نرفته‌اند، به قرینه‌ی صارفه نیاز دارند. در عبارت فوق، وجود «دست» برای قضا و قدر، قرینه است. از این قرینه در می‌یابیم که در ذهن شاعر تشبیهی رخ داده است و آن تشبیه را بازسازی می‌کنیم.

همان‌طور که می‌بینیم از تشبیه فوق «مشبه و ویژگی مشبه‌به» آمده است. این ترکیب را استعاره مکنّیه می‌گویند. در واقع استعاره مکنّیه آرایه‌ای است که به موجب آن شاعر «مشبه و ویژگی مشبه‌به» را در تشبیهی که در ذهن ساخته است» در عبارتی دیگر به کار می‌گیرد.

### «و مرگ به روی آن‌ها لبخند می‌زد»

قرینه صارفه در عبارت فوق این است که «مرگ نمی‌تواند لبخند بزند». پس در ذهنمان با همچین زیرساختی روبه‌رو می‌شویم. همان‌طور که می‌بینیم در متن مدّ نظر «مشبه و ویژگی مشبه‌به» آمده است.

مرگ مانند انسانی به روی آن‌ها لبخند می‌زد.  
مشبه ادات تشبیه مشبه‌به ویژگی مشبه‌به

### به استعاره‌های مکنّیه زیر دقت کنید.

۱- بشنو این نی چون شکایت می‌کند از جدایی‌ها حکایت می‌کند

نی نمی‌تواند شکایت کند. ← نی مانند یک انسان شکایت می‌کند ← استعاره مکنّیه  
۲- به صحرا شدم عشق باریده بود.

عشق نمی‌تواند ببارد. ← عشق مانند باران باریده بود. ← استعاره مکنّیه

۳- پرید از رخ کفر در هند رنگ تپیدند بت‌خانه‌ها در فرنگ

کفر رخ ندارد. ← کفر مانند یک انسان، رخ دارد که رنگ از آن می‌پرد ← استعاره مکنّیه

۴- در آفاق گشاده است، ولیکن بسته است از سر زلف تو در پای دل ما زنجیر

آفاق در ندارد. ← آفاق مانند یک خانه، دری دارد که باز شده است. ← استعاره مکنّیه

چه تفاوتی در مثال‌های ۱ و ۲ با مثال‌های ۳ و ۴ وجود دارد؟

استعاره مکنّیه در مثال‌های ۳ و ۴ به صورت **اضافه‌ی استعاری** و در مثال‌های ۱ و ۲ غیراضافی آمده است.

چه تفاوتی در مثال‌های ۱ و ۳ با مثال‌های ۲ و ۴ وجود دارد؟

مشبه‌به محذوف در مثال‌های ۱ و ۳ انسان می‌باشد و در مثال‌های ۲ و ۴ غیر انسان. هرگاه در استعاره مکنّیه، مشبه‌به محذوف «انسان» باشد، آن استعاره مکنّیه، **تشخیص** هم دارد.

با توجه به مثال‌های فوق، چهار حالت برای استعاره مکنّیه وجود دارد:

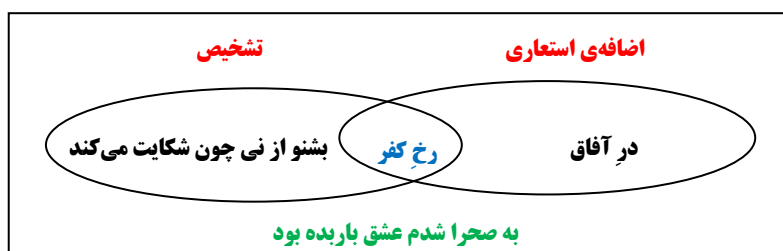
الف - استعاره مکنّیه: **اضافه استعاری** باشد، **تشخیص** هم باشد. (مثال ۳)

ب - استعاره مکنّیه: **اضافه استعاری** باشد، **تشخیص** نباشد. (مثال ۴)

ج - استعاره مکنّیه: **اضافه استعاری** نباشد، **تشخیص** باشد. (مثال ۱)

د - استعاره مکنّیه: **اضافه استعاری** نباشد، **تشخیص** هم نباشد. (مثال ۲)

### استعاره مکنّیه





\***توجه:** هرگاه غیر جاندار منادا قرار بگیرد، تشخیص و استعاره مکنیه می‌باشد.

ای نسیم سحر، آرامگه یار کجاست  
منزل آن مه عاشق گش عیار کجاست

صبا بر آن سر زلف ار دل مرا بینی  
ز روی لطف بگویش که جا نگه دارد

\***یادآوری:** هر تشخیصی استعاره مکنیه است ولی هر استعاره مکنیه‌ای، تشخیص نیست.

\***نکته:** در اضافه‌ی استعاری، ممکن است واژه‌ای بین «ویژگی مشبّه‌به» و «مشبّه» آمده باشد. در ترکیب «دست سبز روزگار»، «دست» ویژگی مشبّه‌به، «روزگار» مشبّه و «سبز» صفت است. در واقع «دست روزگار» اضافه‌ی استعاری است.

۵- در ابیات زیر مجموعاً چند استعاره وجود دارد؟

الف) فغان کردن ز شیر حق بیاموز  
ب) چو تنها ماند ماه سروبالا

نکردی آه پرخون جز که در چاه  
فشانند از نرگسان لؤلؤی لالا

(۴) سه

(۳) چهار

(۲) یک

(۱) دو

۶- آرایه استعاره در کدام بیت بیشتر است؟

(۱) به خنده از لب خود پُرشکر کنی دامن  
(۲) هر کجا نقاش، نقش قامت و لعلش کشید  
(۳) دل در اندیشه آن زلف گره‌گیر افتاد  
(۴) به چون تو محتشمی بی‌بها سخن ندهم

مرا چو چشم دراندازد از گریبان دُر  
جلوه طوبی نگر، سرچشمه کوثر بین  
عاقلان مژده که دیوانه به زنجیر افتاد  
بده ز لعل شکر بار قند و بستان دُر

۷- کاربرد واژه مشخص شده کدام بیت استعاری نیست؟

(۱) دیشب در آمد آن بیت مه‌روی شب‌نقاب  
(۲) رخسارش آتش و دل بیچارگان سپند  
(۳) من آنم که در پای خوکیان نریزم  
(۴) می‌زد گل‌اله بر گل و هر لحظه می‌شکست

بر مه کشید چنبر و در شب فکند تاب  
لعل لبش می و جگر خستگان کباب  
مر این قیمتی لفظ در دری را  
بر من به عشوه گوشه بادام نیم‌خواب

۸- در کدام بیت آرایه «استعاره» بیش‌تر از سایر گزینه‌هاست؟

(۱) در جواب از تنگ شکر قند ریخت  
(۲) ای گل خوش‌نسیم من، بلبل خویش را مسوز  
(۳) آن مرغ که بر کنگره عرش نشیند  
(۴) گل‌ها همه سر ز خاک بیرون کردند

شکر از لب‌های شگر خند ریخت  
کز سر صدق می‌کند، شب همه شب دعای تو  
ماییم که طاووس گلستان جنانیم  
الا گل من که سر فروبرد به خاک

۹- تعداد استعاره‌ها در کدام گزینه کمتر است؟

(۱) آینه‌ها ت دانی چرا غم‌ماز نیست  
(۲) گلببرگ را ز سنبل مشکین نقاب کن  
(۳) زاله از نرگس فروبارید و گل را آب داد  
(۴) دست تقدیر او ز دامن شب

چون که زنگار از رخش ممتاز نیست  
یعنی که رخ بپوش و جهانی خراب کن  
وز تگرگ روح‌پرور مالش عتاب داد  
بر رخ روز می‌فشانند گورد

## مجاز

مجاز (نانهاده) در مقابل حقیقت (نهاده) قرار می‌گیرد و در اصطلاح ادبی، معنای غیرحقیقی از یک واژه است. مثلاً معنای حقیقی «نگین» خود نگین است اما در بیت زیر در معنای مجازی آن یعنی «انگشتر» به کار رفته است.  
 برو ای گدای مسکین، در خانه‌ی علی زن  
 که نگین پادشاهی، دهد از کرم گدا را

می‌دانیم که حضرت علی (ع) در رکوع «انگشتر» خود را به گدا داد نه «نگین» آن را.

**\*توجه:** ما نمی‌توانیم بدون هیچ رابطه‌ای یک کلمه بگوئیم و معنای دیگر و مجازی از آن برداشت کنیم، مگر آن که بین معنای حقیقی و مجازی رابطه‌ای وجود داشته باشد. مهم‌ترین رابطه‌هایی که در سطح کنکور عمومی اهمیت دارد، موارد زیر است:  
**\*توجه:** دانستن این رابطه‌ها (یا علاقه‌ها) در سطح کنکور عمومی الزامی نیست.

۱- **شباهت:** این رابطه همان **استعاره مصرّحه** است که رابطه‌ی بین واژه‌ی به کار رفته و معنای مجازی، «**شباهت**» است.  
 ما ز آغاز و ز انجام جهان بی‌خبریم  
 اول و آخر این **کهنه‌کتاب** افتاده است

کهنه‌کتاب مجاز یا استعاره مصرّحه از **جهان** است. رابطه‌ی شباهت بین آن‌ها «**قدیمی‌بودن**» است.  
 ۲- **محلّیه:** یکی از پُرکاربردترین مجازها، مجاز با علاقه محلّیه است که شاعر «محلّ» را می‌آورد و به طور مجازی قصدش **آن چیزی است که در آن محل قرار دارد (حال)**.

**دل عالمی** بسوزی، چو عذار بفرروزی  
 تو از این چه سود داری، که نمی‌کنی مدارا  
 منظور از «عالم»، «**مردم عالم**» است که در عالم جای دارند.  
 یکی **دشت** با دیدگان پُر ز خون  
 که تا او کی آید ز آتش برون  
 منظور از «دشت»، «**مردم دشت**» است که در دشت جای دارند.  
**سر** آن ندارد امشب که برآید آفتابی  
 چه خیال‌ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی

منظور از «سر»، «**اندیشه**» است که در سر جای دارد.  
 ۳- **جزئیّته:** در این مجاز، جزئی از چیزی را می‌آورند ولی منظور **کلّ** آن چیز است. (معمولاً جزئی را می‌آورند که بیشترین اهمیت را دارد.)

لیک چنان خیره و خاموش ماند  
 کز همه شیرین سخنی، **گوش** ماند  
 منظور از «گوش»، «**فرد شنونده**» است که گوش، مهمترین جزء برای فرد شنونده است.  
 به یاد روی شیرین **بیت** می‌گفت  
 چو آتش تیشه می‌زد کوه می‌سفت

منظور از «بیت»، «**شعر**» است که بیت، جزء مهمی از شعر است.  
 به خون گر کِشی **خاک** من، دشمن من  
 بجوشد گل اندر گل از گلشن من

منظور از «خاک»، «**کشور**» است که خاک، جزء اعظمی از کشور است.  
 ۴- **کلّیه:** کلّ یک چیز را بگویند و **جزئی** از آن منظور باشد.  
**دست** در حلقه‌ی آن زلف دو تا نتوان کرد  
 تکیه بر عهد تو و باد صبا نتوان کرد

منظور «**انگشتان دست**» است که «دست» برای آن حکم «کلّ» دارد.

سپید شد چو درخت شکوفه دار سرم  
وز این درخت همین میوه غم است برم

منظور «موی سر» است که «سر» برای آن حکم «کلّ» دارد.  
۵- **لازمیه (همراهی):** شاعر لازمه انجام یک کاری را می‌آورد و منظور خود آن کار است. مثلاً لازمه کشتن یک شخص، ریختن خون او است.

محتاج قصه نیست، گرت قصد خون ماست  
چون رخت از آن توست، به یغما چه حاجت است؟

۶- **آلیه (ابزار):** شاعر یا نویسنده آلت انجام کاری را ذکر می‌کند و منظور کاری است که با آن ابزار انجام می‌شود. مانند آن که می‌گوییم فلانی **قلم** خوبی دارد و منظورمان **سبک نوشتن** است.  
در پیشگاه اهل خرد نیست، محترم  
هر ملّتی که مردم **صاحب قلم** نداشت

صاحب قلم یعنی صاحب اندیشه و تحلیل، و قلم یکی از ابزارهای اندیشه و تفکر است.  
\***توجه:** مجازها با رابطه‌های بسیاری شکل می‌گیرند. مثلاً **جنس** یک چیز را به جای خود آن می‌آورند. چنان چه شاعر در بیت زیر «پولاد» را گفته و منظورش «شمشیر» است.

در آن باران تیر و برق **پولاد**  
میان شام رستاخیز می‌گشت

یا **رنگ** یک چیز را بگوید و منظور، خود آن چیز باشد. مثلاً در بیت زیر شاعر **رنگ اسب** را گفته و **خود اسب** را در نظر دارد.

سیاوش **سپه** را به تندی بتاخت  
نشد تنگ‌دل، جنگ آتش بساخت

\***توجه:** آمدن **دو واژه متضاد به صورت معطوف**، مجاز می‌سازد. مثلاً وقتی می‌گوییم؛ پیر و جوان آمده بود، یعنی همه آمده بودند. کودک، نوجوان، جوان، میان‌سال و پیر و ...

۱۰- کدام بیت «مجاز» ندارد؟

۱) گو شمع میارید در این جمع که امشب  
۲) ز مستی بر سر هر قطعه زین خاک  
۳) دل نبیند آن که باشد جسم و جان را زو حجاب  
۴) هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای؟

۱۱- در همه ابیات آرایه مجاز به کار رفته است، به جز گزینه .....  
۱) هر لحظه چشم ترک تو چون کافران مست  
۲) به زندان قفس مرغ دلم چون شاد می‌گردد  
۳) خنک آن دم که بگویی که بیا عاشق مسکین  
۴) از تو به که نالم که دگر داور نیست

۱۲- در کدام گزینه، هیچ واژه‌ای در معنای غیر حقیقی به کار نرفته است؟  
۱) گر به خون تشنه‌ای اینک من و سر باکی نیست  
۲) بر شکست از من و از رنج دلم باک نداشت  
۳) ای رقیب این همه سودا مکن و جنگ مجوی  
۴) لب سعدی و دهانت ز کجا تا به کجا؟

که به فتراک تو به، زان که بُود بر بدنم  
من، نه آنم که توانم که از او برشکنم  
برکنم دیده که من دیده از او برنکنم  
این قدر بس که رود نام لبست بر دهنم

## ۱۳- واژه «شمشیر» در کدام گزینه مفهوم مجازی دارد؟

- (۱) در آن دیوار که شمشیر تو برهنه شود  
 (۲) در شرع به شمشیر تو شد سوخته بدعت  
 (۳) هر که با یزدان و پیغمبر محارب شد، تنش  
 (۴) پروانه غمش را هر دم به خون خلقی

- ۱۴- در ابیات زیر، مجموعاً چند واژه در معنی مجازی به کار رفته‌اند؟  
 الف) خروشی برآمد ز دشت و ز شهر  
 ب) دست در حلقه آن زلف دو تا نتوان کرد  
 ج) شبی آمد که می‌باید فدا کرد  
 د) هزاران نرگس از چرخ جهانگرد

(۱) پنج (۲) شش (۳) هفت (۴) هشت

## ۱۵- در کدام بیت «مجاز» وجود ندارد؟

- (۱) دستان دو دست تو به عیوق رسیده  
 (۲) جان آرامش همی‌بخشد جهانی را به لطف  
 (۳) نکوگویان نصیحت می‌کنند  
 (۴) چون زنان مصر جان را دست و دل مجروح باد

\*\*\*

## کنایه

به معنی پوشیده سخن گفتن است. و آن عبارتی است که یک معنای آشکار و یک معنای پنهان دارد و مراد گوینده معنای پنهان آن است. در بیت زیر مصراع اول یک معنی آشکار (هنوز از دهان او بوی شیر می‌آید) و یک معنی پنهان (او هنوز کودک است) دارد. معنای پنهان را باید با دقت و کشف هنری به دست آورد.

هنوز از دهان بوی شیر آیدش همی رای شمشیر و تیر آیدش

## مثال‌های دیگر:

دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای فرشته‌ات به دو دست دعا نگه دارد

«بلغزد پای» کنایه از خطا و اشتباه کردن.

نماند ایچ با روی خورشید رنگ به جوش آمده خاک بر کوه و سنگ

«نماند رنگ» معادل «رنگ‌پریدن» و کنایه از ترسیدن.

سر هم‌نبرد اندر آرد به گرد پیامد که جوید ز ایران نبرد

«سر به‌گرد آوردن» کنایه از نابود کردن.

آن را که چنین دردی، از پای دراندازد  
باید که فرو شوید دست از همه درمان‌ها

«دست فرو شستن از چیزی» کنایه از ترک کردن آن چیز.  
چون بسی ابلیس آدم‌روی هست

«دست دادن» کنایه از اعتماد کردن.

\* توجه: بعضی کنایات، «فرمولی» هستند و با عوض شدن یک واژه، کنایه دیگری به دست می‌آید.

از شراب عشق مست بودن ← عاشق بودن

از شراب بخشندگی مست بودن ← بخشنده بودن

از شراب علم مست بودن ← عالم بودن

\* توجه: بعضی صفات معنای کنایی دارند و کنایه محسوب می‌شوند. مانند: سبک‌مغز، سیه‌رو، سرخ‌رو، حلقه‌به‌گوش، تنگ‌دست و ...

تو به هنگام سخن گر نشوی موی شکاف  
کس نیابد ز دهان تو نشان، یک سر موی

دریادان راه سفر در پیش دارند  
پا در رکاب راه‌وار خویش دارند

\* توجه: کنایه و ایهام از این منظر که هر دو یک معنای آشکار و یک معنای پنهان دارند، با هم مشترکند ولی تفاوت‌هایی هم با هم دارند. اول اینکه؛ کنایه در قالب جمله (دست از جان شستن) یا عبارت مصدری (دست از جان شستن) بیان می‌شود، اما ایهام معمولاً در قالب یک واژه یا گروه اسمی است. دوم اینکه؛ درک کنایه و ایهام بسیار متفاوت است. معمولاً کشف کنایه و درک معنای کنایی آن بسیار آسان است اما کشف ایهام و درک معنای دوم کمی سخت است و به توجه ویژه‌ای نیاز دارد. سوم اینکه؛ عبارت کنایی معمولاً در هر متنی کنایه است، یعنی در هر متنی به هر صورتی به کار برود کنایه است، ولی واژه ایهام‌دار لزوماً همه جا ایهام ندارد. تفاوت‌های دیگری نیز می‌توان مطرح نمود که از اطلاع کلام پرهیز می‌شود.

۱۶- در کدام بیت، آرایه کنایه به کار رفته است؟

- ۱) کسی کاو هوای فریادون کند
  - ۲) نهان گشت آیین فرزنانگان
  - ۳) همان کاوه، آن بر سر نیزه کرد
  - ۴) همی رفت پیش اندرون مرد گُرد
- سر از بند ضحاک بیرون کند  
پراکنده شد نام دیوانگان  
همان گه ز بازار برخاست گُرد  
سپاهی بر او انجمن شد نه خُرد

۱۷- در همه ابیات آرایه «کنایه» وجود دارد به جز گزینه ی.....

- ۱) زردرویی می‌کشم زان طبع نازک بی‌گناه
  - ۲) حالیا مصلحت وقت در آن می‌بینم
  - ۳) اگر چه دوست به چیزی نمی‌خرد ما را
  - ۴) راز درون پرده چه داند فلک، خموش
- ساقیا جامی بده تا چهره را گلگون کنم  
که کشم رخت به میخانه و خوش بنشینم  
به عالمی نفروشیم مویی از سر دوست  
ای مدعی نزاع تو با پرده‌دار چیست؟

۱۸- در کدام بیت «کنایه» کمتر یافت می‌شود؟

- ۱) سبک‌سری که زند پیش بحر لاف وجود
  - ۲) هر که سجاده خود بر سر آب اندازد
  - ۳) دهر سپیددست، سیه‌کاسه‌ای است، صعب
  - ۴) فلک با تنگ‌چشمان گوشه‌ی چشم دگر دارد
- اگر به باد دهد سر بجاست همچو حباب  
همچو کف در نظر همت مردان پوچ است  
منگر به خوش‌زبانی این ترش‌میزبان  
که چون فرزند کور آید، شود چشم گدا روشن

## نماد

آرایه‌ای است که در **مبحث بیان** و در کنار آرایه‌های **تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه** بررسی می‌شود. ولی کتاب‌های درسی - حتی علوم و فنون که تخصصی است - به این موضوع اشاره نکرده‌اند. درحالی‌که خودِ نماد را در قلمروهای ادبی کتاب‌های فارسی آورده‌اند.

نماد، شباهتی به **استعاره** دارد، زیرا یک کلمه آورده می‌شود و معنای دیگری از آن برداشت می‌شود. مانند «کوه» که معنای مقاومت و پایداری از آن برداشت می‌شود.

نشسته‌ام در انتظار این غبار بی‌سوار دریغ کز **شب**ی چنین، سپیده سر نمی‌زند

در بیت فوق «**شب**» نماد دوران ظلم و ستم و تباهی است.

**تفاوت نماد با استعاره:** استعاره به **یک** معنای غایب دلالت دارد ولی نماد می‌تواند به **چند** معنای غایب اشاره داشته باشد. به طور مثال «سرو» می‌تواند استعاره از **معشوق** و نمادی از **بلندی، آزادگی، پایداری، عظمت** و ... باشد. باید دید در متن مورد نظر معنای استعاره مد نظر است یا معنای نمادین. همچنین استعاره معمولاً به **یک چیز** و **هویت** اشاره دارد و نماد به **یک مفهوم**. مثلاً در مثال فوق، معشوق یک هویت است ولی پایداری و مقاومت یک مفهوم هستند.

**به نمادهای مهم ادب فارسی دقت کنید و آن‌ها را به خاطر بسپارید.**

واژه	نماد	واژه	نماد
گل	نماد زیبایی و لطافت	آب	نماد رفاه و آسایش دنیوی
نی	نماد انسان غریب و دور از وطن، نماد عارف دور افتاده از معشوق	بنفشه	نماد انسان‌های عابد و مؤمن، ماتم و سوگواری (به دلیل سر به زیری و کبودی)
چشمه	نماد پاکی و طراوت	رود	نماد حرکت و تلاش
زِرون	نماد افراد ستمگر و خون خوار	شمع	نماد معشوق
گون	نماد انسان‌های گرفتار	پروانه	نماد عاشق
نسیم	نماد انسان‌های آزاد	دریا	نماد بزرگی، عظمت و وسعت
شب	نماد تیرگی، ظلمت، ظلم، حکومت پهلوی	سیل	نماد نابودی و ویرانی
باد	نماد سرگردانی و بی‌حاصلی	دیوار	نماد مانع و حجاب و محدودیت
سحر	نماد روشنی، امید و پیروزی	صدف	نماد خاموشی و سکوت
رضاخان	نماد تکبر و استبداد	زیتون	نماد صلح و آرامش
گل سرخ	نماد عشق و طراوت	درخت بید	نماد ترس و لرزیدن
گل لاله	نماد شهید	کوه	نماد عظمت و استواری
خِضر	نماد راهنما و مرشد	گل نیلوفر	نماد عارف و انسان وارسته از دنیا

حیوانات نیز بنا به خصوصیات ویژه‌ای که دارند، نماد مفاهیمی شده‌اند که در جدول زیر تماما آمده‌اند، البته نیاز نیست برای کنکور همه این‌ها را حفظ کنید.

حیوان	نماد	حیوان	نماد
آهو	نماد آزادگی و بی‌گناهی	زرافه	نماد بلندی
اسب	نماد نجابت و هوشیاری	کلاغ	نماد شومی، نحسی، و خبرچینی
پلنگ	نماد تکبر و بلندپروازی	ماهی	نماد زیبایی و امید
پشه	نماد ضعف و ناتوانی	گره	نماد بی‌وفایی و دزدی
جغد	نماد شومی و نحسی، انسان‌های پول‌دوست و گوشه‌گیر	باز	نماد نیک‌فالی، انسان‌هایی که به پُست و مقام زودگذر دنیا دل خوشند
گوسفند	نماد خون‌سردی و نادانی	فیل	نماد یک‌دلی و قدرت و عظمت
بره	نماد معصومیت	گرگ	نماد درندگی و قدرت
خرس	نماد پُر خوری و بزرگی	نهنگ	نماد درندگی و عظمت و بزرگی
بلبل	نماد شیدایی، عاشقی و دل‌باختگی، انسان‌های مدعی و عاشق زیبایی‌های عین	شیر	نماد شجاعت و قدرت، سلطان یا حاکم زورگو و ساده لوح
خرگوش	نماد غفلت	کفتار	نماد زشتی، نحسی و بدخوبی
بوقلمون	نماد چند رنگی و بی‌ثباتی	میمون	نماد تقلید و هوشیاری
روباه	نماد مکر و حیله	مار	نماد خوش‌ظاهری و بدباطنی
بزغاله	نماد شیطنت	عقرب	نماد زیرکی و خودنمایی
بز	نماد دانایی و چابکی	هُما	نماد سعادت و خوش‌بختی
سگ	نماد وفاداری	قناری	نماد خوشی و شادی
ببر	نماد ضعیف‌گشی	قورباغه	نماد زشتی
موش	نماد حقارت، تیزهوشی	هُدُهد	نماد مژده‌دهی و خبر خوب، رهبر و مرشد
شترمرغ	نماد بهانه‌جویی	کرگدن	نماد تنومندی و پُر زوری
پرستو	نماد نیکی و بهار	طاووس	نماد زیبایی و غرور
شتر	نماد کینه‌توزی و همچنین مقاومت	الاغ	نماد نفهمی، کودنی و سخت‌کاری
طوطی	نماد تقلید	ملخ	نماد بی‌خیالی و راحت‌طلبی
عقاب	نماد خودپسندی، تکبر، عظمت، وارستگی	خفاش	نماد جهل، نادانی، و نسیان
کرکس	کرکس: نماد مفت‌خوری	مگس	نماد مزاحمت
لک‌لک	نماد شادی و نشاط	خر	نماد نادانی
سیمرغ	نماد بلندپروازی و همت، علم و دانش	بط	نماد انسان‌های دل‌بسته و فریفته‌ی دنیا

**\*نکته بسیار مهم:** توجه داشته باشید که واژگان فوق همیشه و در هر عبارتی نماد نیستند. بلکه باید به معنای عبارت دقت کرد و دید که آیا آن واژه در معنای نمادین به کار رفته است یا خیر. در عبارت زیر واژه «شب» در مثال اول، در معنای نمادین (زمان پیش از انقلاب) و در مثال دوم، در هر دو مصراع در معنای حقیقی آمده است.

پیش از تو آب معنی دریا شدن نداشت      شب مانده بود و جرأت فردا شدن نداشت  
شب عاشقان بیدل، چه شبی دراز باشد      تو بیا کز اول شب، در صبح باز باشد

۱۹- در کدام گزینه واژه مشخص شده «نماد» است؟

- (۱) تا خار غم عشقت آویخته در دامن  
 (۲) این نغمه محبت، بعد از من و تو ماند  
 (۳) در عالم پییر، هرکجا بُرنایی است  
 (۴) چو از شمع رسد پروانه را نور
- کوتاه نظری باشد، رفتن به گلستان‌ها  
 تا در زمانه باقی ست، آواز باد و باران  
 عاشق بادا که عشق، خوش سودایی است  
 درآید پرزنان پروانه از دور

۲۰- در کدام گزینه «نماد» به کار نرفته است؟

- (۱) برو شیر درنده باش ای دغل  
 (۲) کز این پس به کنجی نشینم چو مور  
 (۳) شغال نگون بخت را شیر خورد  
 (۴) در این سرای بی کسی، کسی به در نمی‌زند
- مینداز خود را چو روباه شل  
 که روزی نخوردند پیلان به زور  
 بماند آنچه روبه از آن سیر خورد  
 به دشت پُر ملال ما، پرنده پر نمی‌زند

۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۹



## بدیع لفظی

### واج آرای

واج آرای یا نغمه‌ی حروف، آرایه‌ای است که در آن شاعر یا نویسنده تعمداً از یک واج بیش از حد معمول استفاده می‌کند. به طوری که تلفظ آن واج، نسبت به سایر صداها، محسوس‌تر می‌باشد.

رشته‌ی تسبیح اگر بگسست معذورم بدار  
بر او راست خم کرد و چپ کرد راست  
شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی  
من خاک کف پای سگ کوی تو هستم

دستم اندر ساعد ساقی سیمین ساق بود  
خروش از خم چرخ چاچی بخواست  
غنیمت است چنین شب که دوستان بینی  
کو آن که کف پای سگ کوی تو باشد

همان‌طور که ملاحظه می‌شود واج آرای ممکن است تکرار یک حرف نباشد و تکرار یک حرکت (مصوت کوتاه) باشد. زیرا صداها نیز واج محسوب می‌شوند.

**\*توجه:** تکرار یک واج، دلخواهی، شانسی، اتفاقی یا بدون گزینش نیست. در واقع شاعر تعمداً صدایی را تکرار می‌کند که در معنا به آن نیاز دارد. در ابیات زیر شاعر به صدای خرد شدن برگ‌های پاییزی در زیر پا نیاز دارد، بنابراین واج‌های «خ - ز» تکرار می‌شوند.

خیزید و خرز آرید که هنگام خزان است  
آن برگ رزان بین که بر آن شاخ رزان است

باد خنک از جانم خوارزم وزان است  
گویی به مثل پیرهن رنگرزان است

یا در بیت زیر شاعر قصد ارائه صدای لبخند را دارد. لذا از واج «خ» بیشتر استفاده کرده است. آن‌گونه که ما نیز هنگام چت-کردن برای خنده می‌نویسیم: **خخخخخ**.

لبخند تو خلاصه‌ی خوبی‌هاست  
لحنتی بخند، خنده‌ی گل زیباست

### ۲۱- شاعر در کدام بیت از آرایه «واج آرای» بهره بیشتری برده است؟

۱) صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را  
۲) آن ابر دربار ز دریا که برآید  
۳) رسم عاشق‌کشی و شیوه شهرآشویی  
۴) شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی

که سر به کوه و بیابان تو داده‌ای ما را  
پُر کرده ز در و درم و دانه، دهان را  
جامه‌ای بود که بر قامت او دوخته بود  
غنیمت است چنین شب که دوستان بینی

### ۲۲- در کدام بیت «واج آرای» در صامت و در کسره اضافه، بیشتر به چشم می‌خورد؟

۱) بلبلکان با نشاط، قمریکان با خروش  
۲) ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد  
۳) دانه‌ی خال تو خون از چشم صیاد آورد  
۴) زان نمکدان لب شیرین شورانگیز تو

در دهن لاله مشک، در دهن نحل، نوش  
دل رمیده ما را انیس و مونس شد  
این سپند شوخ آتش را به فریاد آورد  
دانه خال سیه بر قرص سیمین بسته‌اند

\*\*\*

### تکرار (واژه آرای)

هر گاه یک کلمه، دو یا چند بار تکرار شود. تکرار یک کلمه را زمانی آرایه تکرار در نظر می‌گیریم که معنای آن در هر دو مورد یکسان باشد. (اگر واژه‌ای در دو معنای متفاوت تکرار شود «جناس همسان یا تام» می‌شود و تکرار نیست.

گر برود جان ما در طلب وصل دوست  
حیف نباشد که دوست، دوست‌تر از جان ماست

**\*توجه:** ممکن است در تکرار یک واژه، به آن، ضمیر یا نشانه جمع و... بچسبد، این دو واژه، باز هم آرایه تکرار دارند.  
چون بسی ابلیس آدم‌روی هست  
از چه‌ای گل، با گلان آمیختی؟  
از دوست به یادگار دردی دارم  
پس به هر دستی نشاید داد دست  
تو مگر از شیشه روغن ریختی؟  
آن درد به صد هزار درمان ندهم

**\*توجه:** تکراری که در اوّل و آخر بیت باشد را تصدیق می‌گویند. (گاه با کمی اختلاف)  
آدمی در عالم خاکی نمی‌آید به دست  
عالمی دیگر بباید ساخت از نو، آدمی  
خاقانی از این درگه، در یوزه‌ی عبرت کن  
تا از در تو زان پس، در یوزه کند خاقان

**\*توجه:** ردیف واژه‌ای است که در پایان مصراع، بعد از قافیه‌ها در معنای ثابت تکرار می‌شود. از نظر زیبایی‌شناسی نباید ردیف را، آرایه تکرار در نظر گرفت. در کنکوره‌های قبل هم مثالی ندیدم که ردیف را آرایه تکرار محسوب کنند. ولی اگر سوال و گزینه‌ها به گونه‌ای بود که ردیف را تکرار در نظر گرفته بودند، نادرست نیست و می‌توان آن ردیف را آرایه تکرار حساب کرد. حروف اضافه نیز هم‌طورند. بهتر است تکرار آن‌ها را آرایه تکرار حساب نکنیم. ولی با توجه به سوال و گزینه‌ها می‌توانند تکرار محسوب شوند. یعنی اگر با تکرار در نظر گرفتن آن‌ها به جواب نرسیدید یا تست جواب نداشت، آن‌ها را تکرار بگیرید.  
در بیت زیر «نیست که نیست» ردیف است و واژه «نیست» آرایه تکرار دارد زیرا در خود ردیف، تکرار شده است.  
روشن از پرتو رویت نظری نیست که نیست  
منت خاک درت بر بصری نیست که نیست

این حالت در بسیاری از شعرها که ردیف‌های بلند دارند، دیده می‌شود. مانند «رفت رفت» در بیت زیر:  
گر ز دست زلف مشکینت خطایی رفت، رفت  
ور ز هندوی شما بر ما جفایی رفت، رفت

**\*نکته:** تکرار، گاه بدون فاصله و در کنار هم می‌آید.  
برای من مگری و مگو دریغ! دریغ!  
جنازه‌ام چو ببینی مگو فراق! فراق!  
به دام دیو درافتی، دریغ آن باشد  
مرا وصال و ملاقات آن زمان باشد

**\*توجه:** دقت شود واژگانی که از تکرار یک تکواژ ساخته می‌شوند، مانند «پرس‌پرسان، گاه‌گاه، تندتند و...»، و واژگانی که در ساختمان آن‌ها یک تکواژ تکرار شده است، مانند «مالامال، لبالب، دمامم و...»، اگر در بیتی بیابند، آرایه تکرار نداریم. زیرا هنوز یک واژه، دو بار تکرار نشده است.

دریغ می‌کنی از من نگاه را حتی  
خروش‌ان و جوشان به کردار موج  
سینه، مالامال درد است ای دریغا مرهمی  
بزد بر کمربند گُرد آفرید  
و نیز زمزمه گاه‌گاه را حتی  
فراز آمدند از کمران فوج فوج  
دل ز تنهایی به جان آمد، خدا را همدمی  
زره بر برش، یک به یک، بردرید

**\*یادآوری:** واژه‌آرایی همان آرایه تکرار است.

**\*نکته:** توجه داشته باشید که آرایه تکرار را با نقش تکرار اشتباه نگیریم. در مثال زیر «دست» فقط آرایه تکرار دارد.  
ز دست رفته نه تنها منم در این سودا  
چه دست‌ها که ز دست تو بر خداوند است  
متمم  
نهاد  
متمم

**\*نکته:** هر «نقش تکرار»، آرایه تکرار هم دارد، ولی برعکس آن صادق نیست. یعنی هر «آرایه تکراری»، نقش تکرار ندارد.

۲۳- در تمام گزینه‌های زیر، به جز گزینه ..... آرایه «واژه‌آرایی یا تکرار» وجود دارد.

- (۱) روی جانان طلبی، آینه را قابل باش  
 (۲) از جرعه‌ی تو زمین، دُرّ و لعل یافت  
 (۳) شاه گفتش ای سرافکنده به عشق  
 (۴) خوش است خلوت اگر یار، یار من باشد
- ور نه هرگز گل و نسرين ندمد ز آهن و روی  
 بیچاره ما که پیش تو از خاک کمتریم  
 چون تواند بود کس زنده به عشق  
 نه من بسوزم و او شمع انجمن باشد

۲۴- در کدام بیت، در بیش از یک واژه، «واژه‌آرایی» دیده می‌شود؟

- (۱) تا دم از شام سر زلف تو هر جا زنند  
 (۲) بردوخته‌ام دیده چو باز از همه عالم  
 (۳) چه شود گر من و تو چند قدح باده خوریم  
 (۴) چه دوزخی چه بهشتی چه آدمی چه پری
- با صبا گفت و شنیدم سحری نیست که نیست  
 تا دیده من بر رخ زیبای تو باز است  
 باده از خون رزان است نه از خون شما  
 به مذهب همه کفر طریقت است امساک

\*\*\*

### سجع

یکسانی دو واژه در وزن یا حرف روی یا هر دو. (حرف روی؛ حرف پایانی و اصلی یک کلمه است بدون الحاقیات. مثلاً روی در «دستم»، «ت» و در «بهاران»، «ر» و در «پرورده‌ام»، «د» می‌باشد).

با توجه به تعریف فوق سه نوع سجع وجود دارد: مطرف، متوازن، متوازی.

۱- سجع مطرف: هرگاه پایان دو کلمه یکسان و وزن آن‌ها متفاوت باشد.

به نام آن خدایی که نام او راحت روح است و پیغام او در وقت صباح، مومنان را صبح است.

پادشاهی او راست زبیده، خدایی او راست درخورنده.

هر نفسی که فرو می‌رود مُمدّ حیات است و چون برمی‌آید مفرّح ذات.

۲- سجع متوازن: هرگاه وزن عروضی یا وزن هجایی دو کلمه یکسان و پایان آن‌ها متفاوت باشد.

پشت و پناه سپاه من بود، در دیده‌ی دشمنان خار و بر روی دوستان خال.

فلان را کرم بی‌شمار است و هنر بی‌حساب. دارای عزمی است متین و طبعی کریم.

\*نکته: در سجع متوازن منظور از هم‌وزنی، وزن عروضی و هجایی است نه وزن عربی. در وزن عروضی دو کلمه «سینا و عادل»

هم‌وزن هستند و سجع می‌سازند، در حالیکه هم‌وزن عربی نیستند و «عادل» فقط با کلماتی هم‌وزن می‌باشد که بر وزن

«فاعل» باشند، مثل: ناصر، نادر و... .

مسلم است کلماتی که هم‌وزن عربی هستند، نسبت به کلماتی که فقط هم‌وزن عروضی هستند، سجع زیبایی دارند و هم‌وزنی

عربی از هم‌وزنی عروضی آهنگین‌تر است.

۳- سجع متوازی: هرگاه دو کلمه هم در حروف پایانی و هم در وزن یکسان باشند. در واقع سجع متوازی، جمع دو سجع مطرف

و متوازن است.

منت خدای را عزوجلّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

بزرگان گفته‌اند: دولت، نه به کوشیدن است؛ چاره کم جوشیدن است.

جوآنمرد که بخورد و بدهد، به از عابد که روزه دارد و بنهد.

\*توجه: باید کلمات را با تلفظ اصلی و گذشته‌شان بخوانیم تا به سجع موجود در آن دست بیابیم. مثلاً در متن زیر تلفظ

«نخورد»، «نخورد» می‌باشد.

«فی‌الجملة نماند از معاصی منکری که نکرد و مُسکری که نَخورد.»

**\*نکته بسیار مهم:** معمولاً هر کدام از دو رکن و پایه سجع در پایان یک جمله می‌آید. لذا برای ایجاد سجع وجود ۲ جمله الزامی است. مثلاً در عبارت «کمال و جمال او را نهایت نیست»، دو واژه «کمال و جمال» سجع ندارند. زیرا در یک جمله آمده‌اند.

**\*توجه:** سجع، بیشتر در نثر به کار می‌رود اما در شعر نیز کاربرد دارد و معمولاً در وسط و پایان مصراع‌ها و می‌آید.  
در رفتن جان از بدن، گویند هر نوعی سخن  
من مانده‌ام مهجور از او، دیوانه و رنجور از او  
من خود به چشم خویشتم، دیدم که جانم می‌رود  
گویی که نیشی دور از او، در استخوانم می‌رود

۲۵- در همه گزینه‌ها، به جز گزینه ..... سجع به کار رفته است.

- (۱) از اندوه بیرون نیابید، که آماج تیر بلائید.
- (۲) با آنان بستیزید، که رستگاری‌تان در آن است.
- (۳) چه جای ملامت است، که در دیده‌ی من شایسته‌ی کرامت است.
- (۴) جرعه‌ی آندوه به کامم می‌ریزید و کار را به هم درمی‌آمیزید.

۲۶- در کدام عبارت «سجع» به کار رفته است؟

- (۱) دل او در پرده‌های گمراهی نهان و حق از او روی گردان.
- (۲) بی‌خویشتن نشسته بود، خواجه‌وار و پای به گرد کرده.
- (۳) خون در روی مالیدم تا در چشم شما سرخ‌روی باشم.
- (۴) اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.

۲۷- در کدام گزینه نوع سجع متفاوت است؟

- (۱) تلخ را چه سود اگر آب خوش در جوار است و خار را چه حاصل از آن که بوی گل در کنار است؟
- (۲) مست باش و مخروش، گرم باش و مجوش، شکسته باش و خاموش.
- (۳) الهی، اگر کاسنی تلخ است، از بوستان است و اگر عبدالله مجرم است، از دوستان است.
- (۴) الهی، این چه داغی است که سوختن مرهم اوست و این چه باغی است که افروختن شبنم اوست؟

۲۸- در کدام بیت، همه آرایه‌های «واج‌آرایی، واژه‌آرایی و سجع» مشهود است؟

- (۱) گفتم بگریم تا ابل، چون خر فروماند به گل
  - (۲) شب تا سحر، می‌نغنوم، و اندر کسی می‌نشوم
  - (۳) با چشم پُر نیرنگ او، حافظ مکن آهنگ او
  - (۴) زان نور همه عالم، هر شیوه همی‌نالم
- وین نیز نتوانم که دل، با کاروانم می‌رود  
وین ره نه قاصد می‌روم، کز کف عنانم می‌رود  
کان طره‌ی شیرنگ او، بسیار طرّاری کند  
تا بشنود احوالم، ای دوست مخسب امشب

\*\*\*

### جناس

جناس به معنی هم‌جنسی است و این هم‌جنسی در لفظ است نه در معنا. جناس یعنی دو کلمه‌ای که یا از یک جنس هستند مثل «دید و دیده» یا آن‌قدر شبیه به هم هستند که فکر می‌کنیم از یک جنس هستند، مانند «یاد و یار». جناس در واقع همسان بودن دو کلمه است که فقط در یک صامت یا مصوت اختلاف دارند. حتی گاه دو کلمه در تلفظ یکسانند و فقط معنای متفاوتی دارند.

جناس در نگاه کلی دو دسته است. ۱: جناس همسان (تام) ۲: جناس غیرهمسان (ناقص)

۱- جناس همسان (تام): جناسی است که دو کلمه در خوانش و نوشتار دقیقاً یکسانند و فقط در معنا تفاوت دارند.  
عشق شوری در نهاد ما نهاد جان ما در بوت‌هی سودا نهاد

نهاد: ۱- ضمیر و درون و باطن ۲- قرار داد (فعل)

بیا و برگ سفر ساز و زاده برگیر که عاقبت برود، هر که او ز مادر زاد  
زاد: ۱- توشه و آذوقه ۲- به دنیا آمد (فعل)  
دیوان حافظی تو و دیوانه‌ی تو من اما پری، به دیدن دیوان نیامدی

دیوان: ۱- کتاب شعر، مجموعه شعر ۲- دیوها

۲- جناس غیر همسان (ناقص): این جناس خود سه نوع است: الف) جناس ناقص اختلافی ب) جناس ناقص حرکتی ج) جناس ناقص افزایشی

الف) جناس ناقص اختلافی: جناسی است که دو کلمه فقط در یک حرف با هم اختلاف دارند. (این حرف متفاوت می‌تواند در ابتدا، وسط یا آخر باشد!)

بزد نیزه‌ی او به دو نیم کرد  
نشست از بر اسپ و برخاست گرد  
چوک ز شاخ درخت، خویشان آویخته  
زاغ سیه بر دو بال، غالیه آمیخته  
به یاد یار و دیار آن چنان بگریم زار  
که از جهان ره و رسم سفر براندازم

ب) جناس ناقص حرکتی: جناسی است که دو کلمه فقط در یک حرکت یا مصوت کوتاه اختلاف داشته باشند.  
ای مهر تو در دل‌ها، وی مهر تو بر لب‌ها  
وی شور تو در سرها، وی سیر تو در جان‌ها  
باید به مزگان رفت گرد از طور سینین  
باید به سینیه رفت زین جا تا فلسطین

ج) جناس ناقص افزایشی: جناسی است که یک واژه نسبت به دیگری فقط یک حرف اضافه‌تر دارد. (این یک حرف می‌تواند در ابتدا، وسط یا آخر باشد)

به یاد یار و دیار آن چنان بگریم زار  
سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند  
کار دلم به جان رسد، کارد به استخوان رسد  
که از جهان ره و رسم سفر براندازم  
همدم گل نمی‌شود، یاد سمن نمی‌کند  
نالہ کنم بگویدم، دم مزن و بیان مکن

\*نکته: در کنکور عمومی نوع جناس‌ها مهم نیست مگر این که نوع آن را خواسته باشند. مثلاً گفته باشند در کدام گزینه جناس تام وجود دارد. که باید دقیقاً جناس تام را پیدا کنیم. اما اگر گفته بودند جناس، هر کدام را می‌توانیم لحاظ کنیم.

\*نکته: جناس تام را با آرایه‌ی تکرار اشتباه نگیریم. دو کلمه که معنا و تلفظ و نوشتار یکسان دارند، فقط آرایه‌ی تکرار دارند و جناس ندارند اما اگر معنا متفاوت و تلفظ و نوشتار یکسان بود، جناس تام داریم و تکرار نداریم.

## اشتقاق

به کارگیری کلماتی که از یک ریشه باشند یا تصوّر شود از یک ریشه‌اند.

گر تیغ برکشد که محبان همی‌زنم      اول کسی که لاف محبت زند منم

ای دلیل دل سرگشته، خدا را مددی      که غریب ار نبرد ره، به دلالت برود

بسوی تاختند و بسوی توختند      بسوی ساختند و بسوی سوختند

«تاختند» با «توختند» و «ساختند» با «سوختند» از یک ریشه نیستند ولی تصوّر می‌شود از یک ریشه‌اند. این‌ها «شبه اشتقاق» هستند که با تخفیف «اشتقاق» خوانده می‌شوند.

**اشتقاق، مشابه جناس است با این تفاوت که اختلاف حروف می‌تواند بیش از یک حرف باشد.** مثلاً «عاشق و معشوق» چون بیش از یک حرف اختلاف دارند جناس نیستند ولی چون از یک ریشه هستند، اشتقاق دارند. در بسیاری از موارد، دو کلمه که اشتقاق دارند، جناس هم دارند. مانند «عشق و عاشق» که هم جناس دارند و هم اشتقاق. و در بعضی موارد مانند «عاشق و معشوق» دو کلمه فقط اشتقاق دارند و جناس ندارند. ( واضح است که بسیاری جناس‌ها هم اشتقاق ندارند.)

**\*نکته:** جناس و اشتقاق، بین دو کلمه متفاوت شبیه به هم ایجاد می‌شود. لذا اگر یک کلمه با «ی نکره، علامت جمع، ضمیر و ...» تکرار شده باشد، جناس نمی‌سازد و آرایه تکرار می‌شود. در بیت زیر دو کلمه مشخص شده آرایه تکرار دارند و جناس ندارند. زیرا در هر دو مورد، با یک واژه روبه‌رو هستیم که اوی «ی» نکره گرفته است.

چون بسوی ابلیس آدم‌روی هست      پس به هر دستی نشاید داد دست

### ۲۹- در کدام بیت جناس هست؟

- ۱) زمان خوش‌دلی دریاب و در یاب
- ۲) یک ساعت از آن لب میگون شکیب نیست
- ۳) راه دریا گیر اگر لؤلؤی عمانت هواست
- ۴) آیدم زلف تو در خواب و پریشانم از این

که دائم در صدف گوهر نباشد  
سرمسست را شکیب کجا باشد از شراب  
دست دربان بوس اگر تشریف سلطان بایدت  
که بود شور و بلا دیدن ثعبان در خواب

### ۳۰- در کدام بیت آرایه «جناس همسان» به کار رفته است؟

- ۱) بار غمت می‌کشم وز همه عالم خوشم
- ۲) روزگاری است که سودازده روی توأم
- ۳) سعدی از پرده عشاق چه خوش می‌گوید
- ۴) مرا که با تو سخن گویم و سخن شنوم

گر نکنند التفات یا نکنند احترام  
خوابگه نیست مگر خاک سر کوی توأم  
تُرک من پرده برانداز که هندوی توأم  
نه گوش فهم بماند نه هوش استفهام

### ۳۱- در کدام گزینه «جناس همسان» وجود ندارد؟

- ۱) حال چوگان چون نمی‌دانی که چیست
- ۲) به بوی زلف تو دادم دل شکسته به باد
- ۳) برو ای ترک که ترک تو ستمگر کردم
- ۴) نی حریف هر که از یاری برید

ای نصیحت‌گو، به ترک گوی، گوی  
بیا که جان عزیزم فدای بوی تو باد  
حیف از آن عمر که در پای تو من سر کردم  
پرده‌هایش پرده‌های ما درید

۳۲- در چند تا از ابیات زیر آرایه جناس به وضوح دیده می‌شود؟

- |                                      |                                    |
|--------------------------------------|------------------------------------|
| الف) سخن به دانش گویند پایگه گیرد    | و گر نه طوطی و شارک چو آدمی گویاست |
| ب) ای دیر به دست‌آمده بس زود برفتی   | آتیش زدی اندر من و چون دود برفتی   |
| ج) درخت‌های بارور چون اشتران باربر   | همی ز پشت یکدگر کشیده صف قطارها    |
| د) باغبان، چند کند پیش من آزادی سرو؟ | سرو آزاد غلام بت چلاک من است       |
| ۱) چهار تا                           | ۲) سه تا                           |
|                                      | ۳) دو تا                           |
|                                      | ۴) یکی                             |

۳۳- در همه گزینه‌ها به جز گزینه ..... هر دو آرایه «جناس همسان و تضاد» به کار رفته است؟

- |                                   |                                   |
|-----------------------------------|-----------------------------------|
| ۱) غریب نیست اگر شد ز خویش بیگانه | هر آن غریب که گشته است آشنای شما  |
| ۲) اگر سرم برود در سر وفای شما    | ز سر برون نرود هرگزم هوای شما     |
| ۳) ز قلب، این کیمیای دل مکن سلب   | که هست آن کیمیاهای دگر قلب        |
| ۴) مرا به علت بیگانگی ز خویش مران | که دوستان وفادار بهتر از خویش‌اند |

۳۴- در کدام گزینه دو جناس «همسان» وجود دارد؟

- |  |                                  |
|--|----------------------------------|
| ۱) بیامد چنان تالاب هیرمند               | همه دل پر از باد و لب پر ز پند   |
| ۲) مهر خوبان دل و دین از همه بی پروا برد | رخ شطرنج نبرد آنچه رخ زیبا برد   |
| ۳) به بوی زلف تو دادم دل شکسته به باد    | بیا که جان عزیزم فدای بوی تو باد |
| ۴) روزی که جمال دلبرم دیده شود           | از فرق سرم تا به قدم دیده شود    |

۳۵- واژه «پرده» در همه گزینه‌ها آرایه جناس می‌سازد به جز گزینه .....

- |                                       |                                    |
|---------------------------------------|------------------------------------|
| ۱) پرده مطربیم از دست برون خواهد بُرد | آه اگر زانکه درین پرده نباشد بام   |
| ۲) اگر از پرده برون شد دل من عیب مکن  | شکر ایزد که نه در پرده پندار بماند |
| ۳) ای رود پرده ساز که راه دلیم زنی    | بردار پرده از رخ و ساز رباب کن     |
| ۴) پرده بر چشم جهان‌بین مپسند         | هر چه پرده است ازو دیده بیند       |

\*\*\*

## بدیع معنوی

### حُسن تعلیل

حُسن تعلیل به معنای زیبایی عَلت و آوردن دلیلی غیر واقعی و ادبی است. و آن هنگامی است که شاعر یا نویسنده برای یک موضوع، دلیلی غیرمنطقی و خیال‌انگیز بیاورد.

به این داستان تخیلی توجه کنید: سعدی در محفلی از زیبارویان تعریف می‌کرده و حُسن آن‌ها را می‌گفته و بنا به دلایلی از معشوقش تعریف نکرده. بعد از آن، معشوق سعدی از سعدی، گله و شکایت کرده است که چرا وقتی از خوبرویان تعریف می‌کرده، از او چیزی نگفته است؟ سعدی هم متوجه شده گاف بزرگی داده است، لذا با بیت زیر قضیه را ماست‌مالی و توجیه کرده است!

نه خلاف عهد کردم که حدیث جز تو گفتم همه بر سر زبانند و تو در میان جانی

بیت فوق حُسن تعلیل دارد. زیرا دلیل واقعی آن چیزی نیست که شاعر گفته است.

شاعر در بیت زیر عَلت باریدن باران را، بدعهدی روزگار می‌داند.

رسم بدعهدی ایام چو دید ابر بهار گریه‌اش بر سمن و سنبل و نسرين آمد

\*نکته: با توجه به این که حُسن تعلیل، معمولاً با آوردن عَلت همراه است، بهتر است حروف تعلیل و سبب و عَلت را بشناسیم. معمولاً ابیاتی که این حروف را داشته باشند، حُسن تعلیل نیز دارند. «که، از، ز، از آن، زان، تا، چون و ...» اگر به معنای «به این دلیل که، زیرا که، چون که، به خاطر این که ...» باشند، معمولاً حسن تعلیل می‌سازند. واژگان «عَلت»، «سبب» و «دلیل» نیز همین‌طورند و اگر در بیتی بیابند، به احتمال زیاد حُسن تعلیل خواهند ساخت.

پسته دهان‌بسته زان بود که ندارد خوبی و شیرینی دهان که تو داری

پسته «به این دلیل» دهان‌بسته است که مانند تو خوب و شیرین‌زبان نیست.

از آن مرد دانا دهان دوخته است که بیند که شمع از زبان سوخته است

مرد دانا «به این سبب» ساکت است و دهانش را بسته است که می‌بیند شمع، به سبب بازشدن دهانش و سوختن زبانش (فتیله‌اش) می‌سوزد.

در هر طرف ز خیل حوادث کمین‌گهی است زان رو عنان‌گسسته دواند سوارِ عمر

در اطراف انسان حوادث بسیاری در کمین است، «به این دلیل» است که عمر زود می‌گذرد.

گل از شوق تو خندان در بهار است از آنش رنگ‌های بی‌شمار است

این همه رنگ‌های متفاوت گل‌ها «به سبب» شوق دیدار توست.

عجب نیست بر خاک اگر گل شکفت که چندین گل‌اندام درخاک خفت

«به این دلیل که» انسان‌های گل‌اندام در خاک دفن شده‌اند، از خاک گل می‌روید.



بنهفته به ابر چهر دلبند

تا چشم بشر نبیندت روی

«به خاطر این‌که» چشم بشر، رویت را نبیند، چهره‌ات را در ابرها فرو برده‌ای.

\*توجه: گاه حسن تعلیل پاسخ خیال‌انگیز به یک سؤال است. (سؤال و تعجب)

به زیر خاک می‌جویند ایام جوانی را  
گفت حافظ گله‌ای از دل شیدا می‌کرد

چرا خم گشته می‌گردند پیران جهان‌دیده؟!  
گفتم این سلسله زلف بُتان از پی چیست؟

خواست هر صبح به پای تو نثاری بکند  
ترسد که ظلمی را زند، در حق مظلومی رقم

هیچ دانی ز چه دامان فلک پُرگهر است؟  
دانی چرا در سیر خود بر خویش می‌لرزد قلم؟

\*توجه: حسن تعلیل گاه در ۲ بیت موقوف المعانی شکل می‌گیرد.

تا باز نوجوان شوم و نو کنم گناه  
من موی از مصیبت پیری کنم سیاه

من موی خویش را نه از آن می‌کنم سیاه  
چون جامه‌ها به وقت مصیبت سیاه کنند

دانی ز چه رو کند همی نوحه‌گری؟  
از عمر شبی گذشت و تو بی‌خبری

هنگام سپیده‌دم خروس سحری  
یعنی که نمودند در آینه صبح

چند بیت دیگر:

زلف تو گرفت رنگ ماتم  
پس زاهدان برای چه خلوت گزیده‌اند؟!  
حاصل بی‌حاصلی نبود به جز شرمندگی

تا چشم تو ریخت خون عشاق  
گر شاهدان نه دینی و دین می‌برند و عقل  
بید مجنون در تمام عمر سر بالا نکرد

\*توجه: حُسن تعلیل به معنای زیبا بودن علت است. پس هر علتی نمی‌تواند حُسن تعلیل باشد. مثلاً در بیت زیر علت کاری بیان شده، ولی چون علت زیبا و ادبی نیست و دلیل آورده شده منطقی است، حُسن تعلیل ندارد.

هدیه‌ها می‌داد هر درویش را

تا بیابد نطق مرغ خویش را

\*توجه: حروف «که، از، چون و ...» ممکن است معنای تعلیل نداشته باشند.

۳۶- در کدام گزینه شاعر از آرایه «حُسن تعلیل» سود نبرده است؟

۱) خورشید سوی مشرق از آن راه گم نکرد  
۲) از چه شد شوق‌القدر؟ دانی ز شوق روی او  
۳) ماهم این هفته برون رفت و به چشم سالی است  
۴) دامن همت به دست آور در این گلشن که سرو

کمز روی هم‌چو ماه تو هر روز نور یافت  
سینه را مه چاک زد، در وقت پیراهن‌دری  
حال هجران تو ندانی که چه مشکل حالی است  
طی راه عالم بالابا به یک پا می‌کند

۳۷- در کدام گزینه «حُسن تعلیل» وجود ندارد؟

۱) ز کعبه داغ سباهی چرا نمی‌افتد  
۲) بر ما بسی کمان ملامت کشیده‌اند  
۳) مرا چو صبح به دست دعا نگه دارید  
۴) در وداع شب همانا خون گریست

اگر نه سوخته‌ی عشق لاله‌روبان است  
تا کار خود ز ابروی جانان گشاده‌ایم  
که روشن است جهان از نفس کشیدن من  
روی خون‌آلود زان بنمود صبح

۳۸- در همه‌ی ابیات آرایه «حُسن تعلیل» وجود دارد به جز گزینه‌ی ...

- (۱) سرو از آن پای گرفته است به یک جای مقیم
- (۲) شاه و گدا به دیده‌ی دریادلان یکی است
- (۳) از دلم افتاده اخگرش به گریبان
- (۴) به یک کرشمه که در کار آسمان کردی

۳۹- در کدام گزینه «حُسن تعلیل» به کار نرفته است؟

- (۱) دانی چرا چون ابر شد در عشق چشم عاشقان
- (۲) خط مشکین زان نوشته بر رخس کلک قضا
- (۳) کس در جهان ندارد، یک بنده هم‌چو حافظ
- (۴) اختران نـسور مـهـر در دزدنـد

۴۰- در همه بیت‌ها به جز گزینه ..... «حُسن تعلیل» به کار رفته است.

- (۱) هزار پیـرهن از شوق می‌کند پاره
- (۲) به پیش دست سخی تو از خجالت و شرم
- (۳) نظر برداشت شبـنم در هوای آفتاب از گُل
- (۴) سایه‌ سرو سهی گر بر زمینی کج فتد

\*\*\*

### حس آمیزی

همان‌طور که از نام آن برمی‌آید آمیختن دو حس از حواس پنجگانه (بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی، لامسه) با یکدیگر را حس آمیزی می‌گویند.

با باد بوده همره، بوی تو در سحرگه  
گل‌ها شنیده بویت، خود را به باد داده

مسلم است که رایحه مربوط به حس بویایی است، ولی شاعر می‌گوید: گل‌ها بوی تو را شنیده‌اند و...

گر چه جز تلخی ایام ندید  
هر چه خواهی سخنش شیرین است

در بیت فوق دو حس آمیزی وجود دارد: تلخی را دیدن و سخن‌های شیرین.

گر تو شیرین شکرلب به شکر خنده در آیی  
به شکر خنده‌ی شیرین دل خلقی بربایی

خنده یا قابل دیدن است یا شنیدن صدای آن، اما بیت فوق به طعم آن اشاره دارد.

### نمونه‌های دیگر:

چنان بر صورت شیرین این دیوانه مفتونم  
به ترانه‌های شیرین، به بهانه‌های رنگین  
جان از سکوت سرد شب دلگیر می‌شد  
که در خاطر نمی‌گنجد خیال ملک پرویزم  
بکشید سوی خانه، مه خوب خوش‌لقا را  
دل در رکاب آرزوها پیر می‌شد

\*توجه: حس آمیزی‌ای که یکی از حس‌ها، لامسه (خشک، سرد، زبر، سفت، لطیف و ...) باشد. دیرپاتر و دیرفهم‌تر است.  
با من به سلام خشک، ای دوست زبان ترکن  
تا از مژه هر ساعت، لعل ترت افشانم

**\*نکته:** توجه داشته باشید، آمدن کلماتی مانند: دیدن، شنیدن، بوییدن، نگاه کردن و انواع رنگ یا مزه و ... که مربوط به حواس پنجگانه می‌باشند، لزوماً حس‌آمیزی نمی‌سازند. بلکه **آمیختگی دو حس ناهمگون را حس‌آمیزی می‌گوییم**. مثلاً صفتی ناهمگون برای موصوف (جیغ بنفش) یا مضاف‌الیهی نامتعارف (گرمای سخن). در دو بیت زیر باوجود آمدن واژه‌هایی مانند «بینم و بشنوم»، ابیات فاقد حس‌آمیزی هستند.

تا رفتنش بی‌بینم و گفتنش بشنوم  
می‌داشت پدر به سوی او گوش

از پای تا به سر همه سمع و بصر شدم  
این قصه شنید و گشت خاموش

**\*توجه:** توجه داشته باشید در ترکیباتی مانند: «**رنگ عشق، اندیشه‌ی نرم، بوی محبت، تنهایی تلخ، شیرین‌منش**» و مواردی از این دست، در واقع ۲ حس با هم ترکیب نشده‌اند، ولی با توجه به اینکه یک حس، در جایگاه نامناسب آمده است، این گونه ترکیب‌ها را نیز حس‌آمیزی گرفته‌اند. در این ترکیبات یکی از دو واژه اصلاً مربوط به هیچ یک از حواس پنجگانه نیست و قاعدتاً دو حس ترکیب نشده‌اند بلکه **یک حس، با یک واژه انتزاعی و ذهنی ترکیب شده است**.

توجه: نوع دیگری از حس‌آمیزی زمانی است که به جای حس از واژه‌ای استفاده می‌شود که حس دارد: **نمک نگاه، قند وصال**

#### ۴۱- در کدام بیت آرایه «حس‌آمیزی» به کار نرفته است؟

- ۱) از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر
- ۲) تا تو را آن بو کشد سوی جنان
- ۳) از این شعر تر شیرین، ز شاهنشاه عجب دارم
- ۴) آن بلبلم که چون کشم از دل صفیر گرم

یادگاری که در این گنبد دوار بمان  
بوی گل باشد دلیل گل‌بُنان  
که سر تا پای حافظ را، چرا از زر نمی‌گیرد  
بوی محبت از نفسم می‌توان شنید

#### ۴۲- کدام بیت «حس‌آمیزی» دارد؟

- ۱) خاک در سلطان را، افسر کن و بر سر نه
- ۲) بر سوزن مژگانم، صد رشته گهر دارم
- ۳) معلوم من از عالم، جانی است، چه فرمایی
- ۴) رخ شاه کاووس پر شرم دید

تا سر به کلاه‌داری، بر افسرت افشانم  
در دامن تو ریزم، یا در برت افشانم  
بر خنجر تو پاشم، یا بر سرت افشانم  
سخن گفتنش با پسر نرم دید

#### ۴۳- کدام بیت «حس‌آمیزی» دارد؟

- ۱) ز رنگ‌آمیزی دوران مشو غافل ز من بشنو
- ۲) مرا در نهانی یکی دشمن است
- ۳) گر دهد باد صبا مژده‌ی وصلت خواجه
- ۴) می‌خورم زهر غمت را به حلاوت دل شاد

می‌رنگین به جام انداز و عارض ارغوانی کن  
که بر بخردان این سخن روشن است  
مشنو کان همه چون در نگری باد هواست  
ماتمی را که بود سود ندیده است کسی

#### ۴۴- کدام بیت «حس‌آمیزی» دارد؟

- ۱) اختران را شب وصل است و نثار است و نثار
- ۲) شمس تبریز در آن صبح که تو درتابی
- ۳) مشتتری اسب دوانید سوی پیر زحل
- ۴) زهره در خویش ننگجد ز نواهای لطیف

چون سوی چرخ عروسی است ز ماه ده و چار  
روز روشن شود از روی چو ماهت شب تار  
که جوانی تو ز سر گیر و بر او مژده بیار  
همچو بلبلم که شود مست ز گل فصل بهار

### پارادوکس (متناقض نما، تناقض)

پارادوکس ضد و نقیض گویی است. یعنی عبارت به گونه‌ای باشد که قسمتی از کلام، متناقض و ضدّ قسمت دیگری از کلام باشد. یا دو ویژگی متضاد، در یک مفهوم جمع شود.

چشم دل باز کن که جان بینی

آن چه نادیدنی است، آن بینی

در مصراع دوم «آن بینی» متناقض «آن چه نادیدنی است» می‌باشد.

متناقض نما به دو صورت می‌آید: ۱- پارادوکس در جمله ۲- پارادوکس در ترکیب

### ۱- پارادوکس در جمله: ۱- یک جمله‌ای ۲- دو جمله‌ای

#### الف) یک جمله‌ای

هر گاه قسمتی از یک جمله، قسمت دیگر را نقض کند یا ضدّ قسمت دیگر باشد.

از خلاف آمد عادت بطلب کام که من

کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم

اینکه شاعر از زلف پریشان معشوق، طلب جمعیت خاطر و آسودگی می‌کند، پارادوکس دارد.

به پاس یک دل ابری دو چشم بارانی

پر است خلوتم از یک حضور نورانی

#### ب) دو جمله‌ای

ز کوی یار می‌آید نسیم باد نوروژی

از این باد ار مدد خواهی، چراغ دل برافروزی

باد معمولاً و قاعدتاً چراغ را خاموش می‌کند. حال آن که حافظ می‌گوید: اگر از این باد کمک بگیری، چراغ را روشن تر می‌کنی.

کسی که وسعت او در جهان نمی‌گنجد

به خانه‌ی دل من آمده است مهمانی

کسی که وسعت او در جهان نمی‌گنجد، چگونه در خانه‌ای جای می‌گیرد؟

### ۲- پارادوکس ترکیب

پارادوکس اکثراً به صورت ترکیب وصفی «تب سرد» یا ترکیب اضافی «صدای سکوت» در شعر و نثر به کار می‌رود و آن آوردن دو کلمه متضاد به صورت «ترکیب اضافه شده» است.

حاصل ذوق و هنر، خون جگر بود مرا

این هم از بی‌هنری‌های هنر بود مرا

گوش مروتی کو کز ما نظر نپوشد؟

دست غریب یعنی فریاد بی‌صدایم

چنین نقل دارم ز مردان راه

فقیران مُنعم، گدایان شاه

پارادوکس گاه جمع کردن دو ویژگی متضاد در یک چیز است.

به یاد کاگل پرتاب و زلف پُر چینش

دل من است که هم جمع و هم پریشان است

با من آمیزش او الفت موج است و کنار

دم به دم با من و پیوسته گریزان از من

مثال عشق پیدایی و پنهان

ندیدم همچو تو پیدا نهانی

\*توجه: آوردن دو کلمه متضاد زمانی پارادوکس می‌باشد که به هم اضافه شده باشند و به صورت «..... + یا ی + .....» آمده باشند، و گر نه آوردن دو کلمه‌ی متضاد به صورت «..... + و + .....» یا جدا از هم، آرایه تضاد می‌سازد.

روزها کار من این است و همه شب سخنم

که چرا غافل از احوال دل خویشتم

این چه نادیده خریدار تو باشد، زهرا

روز و شب در غم تو، ناله که عباس کند

## چند مثال دیگر برای پارادوکس

گر تو خواهی تا شوی مرد ای پسر  
دعوی هستی در این میدان دلیل نیستی است  
ز بندگی شما صد هزارم آزادی است  
هیچ درمان نیست چون درد ای پسر  
هر که فانی می‌شود موجود می‌دانیم ما  
که سلطنت کند آن کاو بود گدای شما

**\*نکته:** در پارادوکس ترکیب، ممکن است بین دو کلمه متضاد، کلمه‌ی دیگری آمده باشد. در بیت زیر پارادوکس «رونق کسادی» است.

ما هیچ‌متاعان خجل از قدر رواجیم  
در کشور ما رونق بازار کسادی است

**\*نکته:** پارادوکس ممکن است در یک واژه مرکب باشد. مانند: خراب‌آباد، عریان‌پوش

## ۴۵- در کدام بیت آرایه «متناقض‌نما» دیده نمی‌شود؟

- (۱) این قصهٔ عجب شنو از بخت واژگون
- (۲) پرده بردار که بیگانه خود این روی نبیند
- (۳) ز خود هر چند بگریزم همان در بند خود باشم
- (۴) آتش سردی که بگذارد درون سنگ را

سر ملوک جهان، جمله بر زمین من است  
که از مشاهده‌اش مجمعی پریشان است  
دل من است که هم جمع و هم پریشان است  
هنوز صورت او زیر پرده پنهان است  
که درد یار پری‌چهره عین درمان است  
که خاک می‌کده خوشتر ز آب حیوان است

## ۴۶- در کدام ابیات، آرایه «متناقض‌نما» به کار رفته است؟

(الف) از آن زمان که زمین‌بوس آستان توأم  
(ب) میان جمع، پریشان شاهی شده‌ام  
(ج) به یاد کاکل پرتاب و زلف پرچینش  
(د) مهی که راز من از پرده آشکارا کرد  
(ه) عجب مدار که در عین درد خاموشم  
(و) مگر به یاد لب‌ت باده می‌دهد ساقی

- (۱) الف - ب - د      (۲) الف - ج - ه      (۳) ب - د - ج      (۴) ه - ج - و

## ۴۷- در همهٔ گزینه‌ها، به جز گزینهٔ ..... آرایهٔ متناقض‌نما (پارادوکس) به کار رفته است.

- (۱) آزاد بنده‌ای که بُود در رکاب تو
- (۲) خوبان پارسی‌گو بخشندگان عمرند
- (۳) با سر زلف پراکنده بیا در مجمع
- (۴) من و زهر تو که هم زهری و هم تریاکی

## ۴۸- در همهٔ ابیات، به جز بیت ..... آرایهٔ «متناقض‌نما» مشهود است.

- (۱) فغان که داد ز دست ستمگری است مرا
- (۲) سفر دراز نباشد به پای طالب دوست
- (۳) هزار سختی اگر بر من آید آسان است
- (۴) به هر غمی که رسد از تو خاطر من شاد است

۴۹- در همه ابیات زیر آرایه «پارادوکس» به چشم می‌خورد به جز گزینه.....

- (۱) جمعیت خاطر ندهد دست، کسی را  
 (۲) همه اسباب پریشانی ما جمع آمد  
 (۳) گویایی سکوت و بی‌تایی درنگ  
 (۴) گروهی سر به سر گویای خاموش
- کاشفتگی از زلف پریشان تو دارد  
 تا ز مجموعه آن زلف پریشان شده‌ایم  
 غمگین بی‌قراری‌ام و بی‌قرار هیچ  
 ولی چون بحر در بر کرده در جوش

۵۰- در کدام گزینه تناقض وجود ندارد؟

- (۱) از تزلزل بیش محکم شد بنای غفلتم  
 (۲) سیر سودای تو در سینه بماندی پنهان  
 (۳) من نشاطی را نمی‌جویم به جز اندوه عشق  
 (۴) با مشربی ز ملک سلیمان وسیع‌تر
- رعشه پیروی مرا آگاه نتوانست کرد  
 چشم تردامن اگر فاش نکردی رازم  
 من بهشتی را نمی‌خواهم به غیر از کوی دوست  
 در چشم تنگ مور به سر می‌بریم ما

\*\*\*

### تضاد

آوردن دو واژه متضاد در یک بیت یا یک عبارت را تضاد می‌گویند.

- ز روی دوست، دل دشمنان چه دریابد  
 نه شاخ خشک گردد روز سرما  
 خانه‌ی دل ما را از گرم عمارت کن  
 به عمری یک نفس با ما چو بنشینند، برخیزند  
 این که گاهی می‌زدم بر آب و آتش خویش را
- چراغ مرده کجا شمع آفتاب کجا  
 نه برگش زرد گردد روز گرما  
 پیش از آن که این خانه رو نهد به ویرانی  
 نهال شوق در خاطر چو برخیزند، بشانند  
 روشنی در کار مردم بود مقصودم چو شمع

\*توجه: آرایه تضاد ممکن است در یک فعل و حالت منفی آن رخ دهد.

از وجودم قدری نام و نشان هست که هست  
 ورنه از ضعف در آن جا اثری نیست که نیست

\*توجه: مهم‌ترین نکته در تضاد این است که نباید تضاد را با پارادوکس اشتباه بگیریم. هرگاه دو کلمه‌ی متضاد به هم اضافه شوند، آن پارادوکس است و تضاد نیست. (رجوع شود به آرایه پارادوکس)

خوبان پارسی‌گوی، بخشندگان عمرند  
 ساقی بده بشارت، زندان پارسا را

دو واژه رند و پارسا متضاد یکدیگرند اما در بیت فوق از دو گروه رندها و پارسایان سخن به میان نیامده، بلکه به یک گروه «زندان پارسا» اشاره شده است و از آنجایی که جمع این دو با هم ممکن نیست، سخن به نوعی تناقض دارد و آن را متناقض‌نما یا پارادوکس می‌گوئیم.

دولت فقر خدایا به من ارزانی دار  
 کاین کرامت سبب حشمت و تمکین من است

دولت به معنی سعادت و خوشبختی و فقر به معنی بدبختی است. اگر این دو جدا از هم بیایند، بیت یا عبارت، تضاد دارد، اما جمع آن‌ها با هم پارادوکس می‌شود.

\*توجه: تضاد بین دو واژه ممکن است محسوس و آشکار نباشد.

صورت زیبای ظاهر هیچ نیست  
 ای برادر سیرت زیبا بیار

\*توجه: در مراعات نظیری که دو واژه، متضاد هم باشند، آن‌ها را «تضاد» می‌گیریم نه «مراعات نظیر». (مانند «سفید و سیاه» که در اصل مراعات نظیر هستند، چون زیر مجموعه یک چیز، یعنی «رنگ» هستند).

## ۵۱- آرایه تضاد، در کدام بیت بیشتر است؟

- (۱) شده بر بدی دست دیوان دراز  
 (۲) نهان گشت آیین فرزندگان  
 (۳) بدان بی‌بها ناسزاوار پوست  
 (۴) هنر خوار شد، جادویی ارجمند

## ۵۲- در کدام گزینه آرایه تضاد بیش‌تر است؟

- (۱) باغبان گر پنج روزی صحبت گل بیدش  
 (۲) پشمینه‌پوش تندخو، از عشق نشنیده است بو  
 (۳) در این حضرت، چو مشتاقان نیاز آرند، ناز آرند  
 (۴) ناموس عشق و رونق عشاق می‌برند

\*\*\*

## ایهام

هرگاه شاعر یا نویسنده یک واژه و یا عبارت را به گونه‌ای به کار ببرد که دو یا چند معنای قابل قبول از آن برداشت شود. توجه شود که در ایهام باید هر دو معنی قابل قبول باشند و هیچ کدام از دو معنی لطمه‌ای به معنای شعر وارد نکند.

عهد کردی که گشتی فرصت خود را روزی **فرصت** ار یافتی، آن **عهد** فراموش نکن

**عهد:** ۱- **پیمان** (اگر فرصت یافتی آن پیمان را فراموش نکن) ۲- **روزگار** (اگر فرصت یافتی آن روزگار را فراموش نکن)  
**\*توجه:** فرصت در این بیت تخلص شاعر است. و خودش ایهام دارد. ۱- اگر **فرصت** (زمان) یافتی ۲- اگر **فرصت** (شاعر) را یافتی  
 اگر دو چشم تو مست **مُدام** خواهد بود **خروش** و مستی ما بر دوام خواهد بود

**مدام:** ۱- **پیوسته** (اگر دو چشم تو، پیوسته مست خواهد بود...) ۲- **شراب** (اگر دو چشم تو، مست شراب خواهد بود...)  
 بر **بوی** سر زلف تو چون عود بر آتش **می‌سوزم** و **می‌سازم** و باد است به دستم

**بوی:** ۱- **رایحه** (با رایحه‌ی سر زلف تو... می‌سوزم) ۲- **امید** (بر امید سر زلف تو... می‌سوزم)  
 ز **گریه** مردم چشمم نشسته بر خون است **ببین** که در طلبت حال **مردمان** چون است؟

**مردمان:** ۱- **مردم** (ببین حال مردم برای رسیدن به تو چگونه است؟) ۲- **مردمک‌ها** (ببین حال مردمک‌هایم برای رسیدن به تو چگونه است؟)

همچو چنگم سر تسلیم و ارادت در پیش **تو به هر ضرب** که خواهی بزن و بنوازم

**ضرب:** ۱- **ضربه** ۲- **ساز**

ای **دمت عیسی**، دم از دوری **مزن** **من غلام** آن که **دوراندیش** نیست

**دوراندیش:** ۱- **آگاه و آینده‌نگر** ۲- **کسی که به دوری می‌اندیشد**

**\*توجه:** گاه ایهام بسیار هنرمندانه است و یک کلمه بیش از دو معنا می‌دهد.

امشب صدای تیشه از بیستون نیامد **گویی** به **خواب شیرین** فرهاد رفته باشد

**خواب شیرین:** ۱- **خوابی خوش** ۲- **خواب شیرین را دیدن** (نام معشوقه‌اش) ۳- **خواب شیرین کنایه از مرگ!**

**\*توجه:** گاه یک کلمه بسیار ساده می‌تواند ایهام داشته باشد.

**نگران** با من استاده سحر/ صبح می‌خواهد از من / کز مبارک دم او / آورم این قوم به جان‌باخته را / بلکه خبر...

**نگران:** ۱- ناراحت ۲- نگاه‌کنان

مرغ دل باز هوادار کمان ابروی است ای کبوتر **نگران** باش که شاهین آمد

چون جام شفق موج زند خون به دل من با این همه دور از تو مرا چهره زردی است

۱- دور از وجود تو، در فراق تو ۲- دور از جان تو

### ایهام تناسب

هرگاه شاعر واژه‌ای را به گونه‌ای به کار ببرد که یک معنای آن قابل قبول و معنای دیگر آن با کلمه یا کلماتی در بیت فقط ارتباط و تناسب معنایی داشته باشد.

گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد؟ اکسیر عشق بر **مسلم** افتاد و **زر** شدم

**روی:** ۱- چهره ۲- فلز روی

مسلم است که منظور فقط معنای اول (چهره) است و معنای دوم فقط با کلماتی مثل مس و زر تناسب معنایی دارد.

چون شبم اوفتاده بدم پیش آفتاب **مهرم** به جان رسید و به عیوق برشدم

**مهر** دو معنا دارد: ۱- عشق ۲- خورشید. از این دو معنا فقط معنای اول در شعر قابل قبول است: «عشق من را به بلندی رساند» قابل قبول و «خورشید من را به بلندی رساند» غیرقابل قبول. اما معنای دوم با کلماتی مانند آفتاب و عیوق تناسب معنایی دارد. این گونه ایهام را ایهام تناسب می‌گوییم.

روی خوبت آیتی از لطف بر ما کشف کرد ز آن زمان جز لطف و خوبی نیست در تفسیر ما

**آیت:** ۱- نشانه ۲- آیه (جزئی از قرآن). مسلم است که فقط معنای اول آن به کار شعر می‌آید و معنای دوم آن با واژه تفسیر فقط تناسب معنایی دارد.

چرا ملامت خواجه کنی که چون فرهاد به پای دوست درافکند **جان شیرین** را؟

**جان شیرین** می‌تواند دو معنا داشته باشد: ۱- **جان ارزشمند** ۲- **جان شیرین معشوقه فرهاد**. مسلم است که فرهاد جان معشوقه‌اش را به پای کسی نمی‌افکند و در این بیت جان شیرین به معنی «جان عزیز و گرانبدر» است. اما شیرین در این معنی نام شیرین، با خود فرهاد تناسب دارد. لذا این ایهام را «ایهام تناسب» می‌گویند.

چنان سایه گسترده بر عالمی که **زالی** نیندیشد از رستمی

**زال:** ۱- پیر و ناتوان ۲- پدر رستم

آن چنان امنیتی در جهان به وجود آورد که هیچ شخص ناتوانی از هیچ کس - حتی رستم - نترسد.

**\*نکته:** در دریافت آرایه ایهام، اصلی‌ترین تبخّر، دانستن معنی کلمات است. وقتی به معنی کلمات زیر دقت کنید، متوجه می‌شوید چرا نمی‌توانستید تست‌های ایهام را درست جواب بدهید. چون بسیاری از این معانی را نمی‌دانید.

و جالب اینجاست که همه‌ی این واژگان، به صورت ایهام، در کنکور آمده‌اند. پس این واژگان را به خاطر بسپارید.



## واژگانی که قابلیت ایهام دارند. ( این واژگان جناس تام نیز می‌سازند)

واژه	معانی	واژه	معانی
روان	جاری، روح و جان	قانون	اساس و قاعده، نام نوعی ساز
رود	رودخانه، ابزار موسیقی، فرزند	راه	طریق و راه، اصطلاح موسیقی
روی	چهره، بالا، فلز روی	پروانه	حشره پروانه، جواز و اجازه
زال	پیر و ناتوان، پدر رستم	گوشه	گنج، اصطلاح موسیقی
سو	سمت و جهت، نور و روشنایی و بینایی	تار	تاریک، رشته مو، نام ساز
سرگرم	مشغول، مست	آب	مابع نوشیدنی، رونق و آبرو
چنگ	چنگ دست، نام وسیله موسیقی	آهنگ	قصد و نیت انجام کاری، نغمه و صدا
پرده	حجاب و پرده، پرده موسیقی، پرده گوش	باد	جریان هوا، فعل دعایی «باشد»
شور	طعم شور، اصطلاح موسیقی، هیجان	آهو	نام حیوانی، غزال، عیب و نقص
عین	چشم، مثل و مانند	بالا	جهت بالا، قد و قامت
قلب	عضو بدن، قسمتی از لشکر و سپاه، تقلبی	بهشت	جنت، رها کرد (فعل ماضی از مصدر هشتن)
گور	قبر، گورخر	مخفی	پوشیده و پنهان، تخلص شاعر «زیب‌النساء»
کنار	آغوش، ساحل	مردم	مردم و انسان‌ها، مردمک‌ها
لاله	نام گل، نام چراغ	منال	مال و اموال دنیوی، ناله نکن؛ فعل امر
مالک دینار	صاحب ثروت، نام شخصیتی	صبر	شکیبایی، گیاهی تلخ
مهر	عشق، خورشید	مات	مبهوت شدن، باختن در شطرنج
نهاد	سرشت و ضمیر و باطن انسان، قرار دادن. فعل ماضی از نهادن	شکر	ماده شیرین و خوراکی، نام زنی در داستان خسرو و شیرین
دستان	مکر و فریب، پدر رستم	خطر	خطرناک، ارزشمند
دم	نفس، خون، لحظه	بی‌وزن	کم‌وزن، کم ارزش، بدون وزن شعری
داد	عدل و داد، فعل ماضی از دادن	آهنگ	نغمه، قصد (آهنگ چیزی کردن)
مجنون	نام شخصیت قیس بن بنی عامر، دیوانه	راح	شادمانی، شراب
مدام	شراب، پیوسته	کام	آرزو، دهان
شهریار	پادشاه، تخلص شاعر؛ محمد حسین بهجت تبریزی	باب	رایج، در، قسمت و بخش، مانند باب‌های بوستان و گلستان
هزار	عدد هزار، لبل و هزار دستان	آیت	آیه، نشانه
عود	چوبی خوش‌بود، نام‌سازی	شام	شب، وعده غذایی، کشور سوریه
مشتري	خریدار، سیاره مشتری	عزیز	دوست‌داشتنی، معادل وزیر در مصر باستان
خلیل	دوست، حضرت ابراهیم	رخ	چهره، مهره شطرنج
قلم	ابزار نوشتن، شکسته (مانند پای قلم شده)	باز	پرنده شکاری و شاهین، دوباره، باز
چین	چین و چروک و شکن، کشور چین	حلّاج	پنبه زن، منصور حلّاج

**\*توجه:** ایهام از مهمترین آرایه‌های کنکوری است و بدون شک از سوالات اصلی کنکور است. در اهمیت ایهام، همین نکته را بگویم که در ادبیات تخصصی رشته انسانی سال ۹۸، از ۸ سوال آرایه، ۲ سوال فقط ایهام بود و در ۴ سوال دیگر هم، ایهام در گزینه‌ها وجود داشت! با بررسی و تحلیلی که از سوالات سال‌های قبل داشتم، کل واژگان ایهام‌دار را استخراج کرده و با هر دو یا سه معنی برایتان آورده‌ام. در هر سوالی که آرایه ایهام مطرح شده بود؛ ابتدا باید ببینید این واژه‌ها را می‌بینید یا خیر؟ به احتمال زیاد ایهام مد نظر از همین واژه‌ها باشد. ولی باید توجه داشته باشید؛ ممکن است طراح تله‌ی کنکوری گذاشته باشد.

یعنی این واژگان را بیاورد، ولی ایهام نداشته باشند و در یک معنا به کار رفته باشند. (توجه داشته باشید که گفتیم: این واژگان می‌توانند ایهام بسازند و نگفتیم که قطعاً ایهام می‌سازند.)

\***یادآوری:** اگر کلمات ایهام‌ساز، در بیت یا عبارتی به کار رفتند، معنی آن‌ها را بررسی می‌کنیم. اگر دو معنا داشت و هر دو معنا از شعر برداشت شد «ایهام» داریم. ولی اگر یک معنا برداشت شد و معنای دیگر فقط با کلمه یا کلماتی در بیت یا عبارت، تناسب معنایی داشت «ایهام تناسب» می‌شود. و اگر فقط یک معنا برداشت شد و معنای دیگر کلمه، نه به کار معنی شعر آمد و نه با کلمه‌ای تناسب داشت، در این صورت؛ نه ایهام داریم و نه ایهام تناسب.

۵۳- در همه ابیات به استثنای بیت..... «ایهام تناسب» وجود دارد.

- ۱) طایر دولت اگر باز گذاری بکند
- ۲) آنچه سعی است من اندر طلبت بنمایم
- ۳) روزی نگر طوطی جانم سوی لب
- ۴) دل چه خورده است عجب دوش که من مخمورم

۵۴- کدام بیت «ایهام» دارد؟

- ۱) کیست حافظ تا نوشد باده بی آواز رود
- ۲) غم مخور سلمان به غم خوردن که چرخ از خوان خویش
- ۳) اسرار عشقت از در گفت و شنید نیست
- ۴) درگذشت از ستر من آب ولی گر دهم

۵۵- در کدام یک از ابیات زیر «ایهام» به کار رفته است؟

- ۱) در مشک و عود و عنبر و امثال طیبات
- ۲) مدام از پریشانی روزگار
- ۳) از آن زمان که بر این آستان نهادم روی
- ۴) آواز چنگ مطرب خوش‌گوی، گو مباح

۵۶- کدام بیت ایهام دارد؟

- ۱) خطر بادیه عشق تو بیش از پیش است
- ۲) عیب بلبل نتوان کردن اگر فصل بهار
- ۳) خاک ره بر من شرف دارد اگر مست و خراب
- ۴) تا کی از سیم و زرت کیسه تهی خواهد بود؟

۵۷- در کدام گزینه آرایه «ایهام» وجود دارد؟

- ۱) اشکم افتاد از نظر زان رو فرورفت او به خاک
- ۲) ندارم خواب من، از آستانت بو که خواب آید
- ۳) تا عهد تو درستم، عهد همه بشکستم
- ۴) در حریم وصل، اشک شور من شیرین نشد

۵۸- در همه ابیات آرایه «ایهام» به کار رفته است: به جز گزینه .....

- ۱) بلبلی برگ گلی خوش‌رنگ در منقار داشت
- ۲) آتش مهر تو را حافظ عجب در سر گرفت
- ۳) گر زنی بر صف دل، خنجر مژگان چه کشی؟
- ۴) به هیچ دور نخواهند یافت هشیارش

\*\*\*

### اسلوب معادله

اسلوب معادله، آرایه‌ای است که شاعر برای تأکید و زیبایی‌آفرینی، مفهوم یک مصراع را با حالتی تشبیهی، در مصراع دیگر بیان می‌کند. در اسلوب معادله دو مصراع از نظر معنایی و مفهومی کامل و مستقل می‌باشند ولی آنچنان شباهتی بین آن دو است که می‌توان بین دو مصراع علامت مساوی (=) قرار داد یا جای دو مصراع را عوض کرد یا بین آن‌ها لفظ «همان‌طور که» قرار داد.

دود اگر بالا نشیند کسر شأن **شعله** نیست      جای **چشم ابرو** نگیرد گر چه او بالاتر است

دود اگر چه بالاتر از آتش می‌ایستد اما از آتش ارزشمندتر نیست. «همان‌طور که» ابرو از چشم بالاتر قرار دارد ولی از چشم بالارزش‌تر نیست.

**بی‌کمالی‌های انسان** از **سخن** پیدا شود      **پسته‌ی بی‌مغز** چون **لب واکند** رسوا شود

بی‌کمالی و کم‌ارزش بودن انسان‌ها از طرز سخن گفتن آن‌ها مشخص می‌شود «همان‌طور که» بی‌مغزی و پوچ‌بودن پسته با بازشدن دهان آن معلوم می‌شود.

**عیب پاکان** زود بر مردم هویدا می‌شود      **موی اندر شیر** خالص زود پیدا می‌شود

عیب و کار زشت انسان‌های خوب، خیلی زود برای دیگران مشخص می‌شود «همان‌طور که» مو، در شیر بسیار زود پیدا می‌شود.

**\*توجه:** مصراع دوم در اسلوب معادله، قابل فهم‌تر و محسوس‌تر است. در واقع شاعر بر مبنای تشبیه، مصراع دوم را می‌آورد که مصراع اول بهتر فهمیده شود.

**حُسن بیان** مجوی ز ما دلشکستگان      از کاسه‌ی شکسته نخیزد صدا، دُرست

شاعر در مصراع اول مفهومی ذهنی را بیان می‌کند و می‌گوید از مایی که دلشکسته‌ایم، زیبایی گفتار انتظار نداشته باش. این موضوع و مفهوم به راحتی قابل درک و فهم نیست، لذا شاعر **مثالی عینی** می‌آورد تا مفهوم و منظور خود را برساند و می‌گوید: همان‌طور که کاسه و چینی و شیشه‌ای که ترک داشته باشد، صدای ضربه‌ای که به آن می‌خورد را به خوبی انعکاس نمی‌دهد.

**\*توجه:** اسلوب معادله بر پایه‌ی تشبیه مرکب است. لذا در هر مصراع حداقل دو واژه وجود دارد که با دو واژه در مصراع دیگر تشابه و تناسب داشته باشد.

عشق چون آید **برد هوش دل** فرزانه را      **دزد دانا** می‌کشد اول **چراغ خانه** را

**حریص** را **نکنند** نعمت دو عالم **سیر**      همیشه **آتش** سوزنده **اشتها** دارد  
صائب **مجو کدورت** خاطر ز عارفان      غیر از **صفای وقت**، در آینه‌خانه نیست  
**ریشه نخل** کهن‌سال از جوان افزون‌تر است      بیشتر **دلبستگی** باشد به دنیا پیر را  
**مرا** کیفیت **چشم** تو کافی است      ریاضت **کش** به **بادامی** بسازد  
**روشن‌دلان** خوش‌آمد **شاهان** نگفته‌اند      آینه **عیب‌پوش** **سکندر** نمی‌شود

**\*نکته:** در اسلوب معادله شاعر یک حکم کلی صادر می‌کند و ما می‌توانیم بگوییم «درست است یا غلط است و یا بگوییم چطور و چرا» و در مصراع دوم شاعر بر پایه‌ی تشبیه، دلیلی تأکیدی یا تمثیلی می‌آورد تا آن را قبول کنیم یا مطلب برای ما جا بیفتد.

اشک ندامت است سیه‌کار را فزون (چرا؟) در تیرگی زیاده بُود ریزش سحاب  
 ز سخت‌گیری دوران چه باک عارف را؟ (چرا؟) ز قحطسال، هما بینوا نخواهد شد  
 شراب گُرد گُدورت نبرد از دل ما (برای چه) چو دانه سوخته باشد چه از سحاب آید؟  
 قطع امید کرده نخواهد نعیم دهر (چرا؟) شاخ بریده را نظری بر بهار نیست  
 آدمی پیر چو شد حرص جوان می‌گردد (چرا؟) خواب در وقت سحرگاه گران می‌گردد  
 صورت نسبت در دل ما کینه‌ی کسی (چطور؟) آینه هر چه دید فراموش می‌کند

**سوال:** آیا بیت زیر اسلوب معادله دارد؟

می‌کند با کاهلان این نکته تلقین آسیا بی تردّد دامن روزی نمی‌آید به دست

جواب: خیر. زیرا مصراع دوم مستقل نیست و صریحاً به مصراع اول اشاره دارد. مثلاً اگر مصراع دوم اینگونه بود، اسلوب معادله داشت: «آسیا خون می‌خورد تا گندمی حاصل کند»

۵۹- در کدام بیت «اسلوب معادله» به کار نرفته است.

(۱) ز طبع خسته‌ی من عذر خامشی می‌پذیر  
 (۲) هر که دل پیش دلببری دارد  
 (۳) نخواهد آتش از همسایه هر کس جوهری دارد  
 (۴) اقبال خصم هر چه فزون‌تر شود نکوست

سخن گره نگشاید چو طبع بسته بود  
 ریش در دست دیگ‌ری دارد  
 چنار از سینه خود می‌کند ایجاد آتش را  
 فواره چون بلند شود سرنگون شود

۶۰- در کدام بیت آرایه «اسلوب معادله» به کار نرفته است؟

(۱) ز سخت‌گیری دوران چه باک عارف را  
 (۲) دلی که نیست خراشی در او، زمین‌گیر است  
 (۳) چه شد که از همه جا بوی درد می‌آید  
 (۴) در نگیرد صحبت زاهد به صافی مشربان

ز قحطسال هما بینوا نخواهد شد  
 زری که سکه ندارد روان نمی‌باشد  
 ز هر که می‌شنوم آه سرد می‌آید  
 زشت در یک دیدن از آینه روگردان شود

۶۱- در چند بیت از ابیات زیر آرایه اسلوب معادله وجود دارد؟

(الف) سعدی از سرزنش غیر نترسد هیئات  
 (ب) به زندان قفس مرغ دلم چون شاد می‌گردد  
 (ج) گر ز مردم به تو آزار رسد باکی نیست  
 (د) جان می‌دهم نهفته که دل پی نمی‌برد  
 (ه) ساده‌لوحان زود می‌گیرند رنگ همنشین  
 (و) بعد از این در عوض اشک، دل آید بیرون

غرقه در نیل چه اندیشه کند باران را  
 مگر روزی که از این بند غم آزاد می‌گردد  
 جهد کن کز تو به مردم نرسد آزاری  
 خون می‌خورم چنان که لبم تر نمی‌شود  
 صحبت طوطی سخنور می‌کند آینه را  
 آب چون کم شود از چشمه گل آید بیرون

(۴) پنج

(۳) چهار

(۲) سه

(۱) دو

\*\*\*

## تلمیح

تلمیح در لغت به معنای «به‌گوشه‌ی چشم نگرستن» است و در اصطلاح ادبی اشاره‌کردن به آیات، احادیث، داستان‌های عاشقانه و تاریخی، مَثَل و... است.

خواندم افسانه‌ی شیرین و به خوابش کردم  
سلیمان با چنان حشمت، نظرها بود با مورش  
وز لوح سینه نقشت، هرگز نگشت زایل  
متحیرم چه نامم شه ملک «لافتی» را؟  
طلب چشمه‌ی حیوان نکند، چون نکند؟

غرق خون بود و نمی‌مرد ز حسرت فرهاد  
نظرکردن به درویشان مُنافی بزرگی نیست  
از آب دیده صد ره، طوفان نوح دیدم  
نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت  
طالب لعل توأم کان که به ظلمات افتاد

اصل تلمیح اشاره‌کردن است اما گاه ترجمه کامل را می‌آورند.

چنین گفت پیغمبر راست‌گوی / ز گهواره تا گور دانش بجوی

**\*توجه:** انتظار نداشته باشیم همه‌ی تلمیحات اشاره به لیلی و مجنون و مانند آن باشند و زود به دست آیند. بعضی از تلمیحات مربوط به داستان‌های اصیل ایرانی یا بعضی داستان‌ها و تفاسیر قرآنی هستند و ممکن است به راحتی قابل تشخیص نباشد. مانند «مهر و وفا» در بیت اول از ابیات زیر که اسم عاشق و معشوقی در ادب فارسی بوده‌اند. یا بیت دوم به ماجرای حضرت موسی و مناجات‌کردن با خدا در کنار کوه طور اشاره دارد و بیت سوم هم به آیه‌ای از قرآن که معروف به «آیه امانت» است، اشاره دارد که ممکن است شما آن را نشنیده باشید. باید کم‌کم با تلمیحات آشنا بشوید و اطلاعات ادبی و تلمیحی خود را بالا ببرید، چرا که تلمیحات کنکور در همین سطح است و از این راحت‌تر نیست!

سر و زر و دل و جانم فدای آن یاری / که حق صحبت مهر و وفا نگه دارد  
عشق کو؟ تا گرم سازد این دل رنجور را؟ / در حریم سینه افروزد چراغ طور را؟  
آدمی گر خون بگرید از گران‌باری رواست / کآنچه نتوانست بردن آسمان، بر دوش اوست

۶۲- در همهٔ ابیات به جز بیت ..... آرایهٔ تلمیح به کار رفته است.

(۱) خورشید و مه مرا نتواند ز راه بُرد  
(۲) شد سحر ساحران ز عصای کلیم، محو  
(۳) عشق است مصر اعظم، عقل است روستایش  
(۴) مَبْنَد آزار موری نقش در دل

۶۳- در همهٔ ابیات به استثنای بیت ..... آرایهٔ تلمیح به کار رفته است؟

(۱) آیینه سکندر، جام می است بنگر  
(۲) گفت آن یار کز او گشت سر دار بلند  
(۳) از مه او مه شکافت، دیدن او بر نتافت  
(۴) نصیحت تو به جایی نمی‌رسد زاهد

**توجه:** القاب مربوط به پیامبران را سعی کنید بدانید: خلیل (ابراهیم)، کلیم (موسی)، مسیحا (عیسی) و ...



## تضمین

آوردن بخش کاملی از آیه، حدیث و یا مصراع، بیت یا قسمتی از شعر و نثر شاعر یا نویسنده‌ی دیگر در اثر خود را تضمین می‌گویند. معمولاً و قاعدتاً عبارت تضمین‌شده را باید داخل گیومه « » بیاورند. قسمت آخر شعر زیر، از مولاناست که دکتر شفیع کدکنی در شعر خود آورده است.

بیداری زمان را با من بخوان به فریاد

ور مرد خواب و خفتی،

«رو سر بنه به بالین، تنها مرا رها کن»

مصراع اول بیت زیر نیز از سعدی است که دکتر شفیعی کدکنی در شعر خود آورده است.  
 «سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی»  
 تو خود آفتاب خود باش و طلسم کار بشکن

گاه شاعر یا نویسنده پیش از آوردن بیت یا متن تضمینی، به نام شاعر یا نویسنده اشاره می‌کند. مانند تضمین بیت دوم از شعر حافظ که شهریار در بیت اول به اسم حافظ (لسان الغیب) اشاره کرده است.

چه زخم چو نای هر دم، ز نوای شوق او دم  
 «همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی»  
 که «لسان غیب» خوش‌تر، بنوازد این نوا را  
 به پیام آشنایی، بنوازد آشنا را»

حافظ و سعدی نیز پیش از تضمین از شعرهای کمال‌الدین عبدالرزاق کاشانی و فردوسی به اسم آن‌ها اشاره کرده‌اند.  
 گر باورت نمی‌شود از بنده این حدیث  
 «گر برکنم دل از تو و بردارم از تو مهر»  
 چنین گفت «فردوسی» پاک‌زاد  
 «میازار موری که دانه‌کش است»  
 از گفته‌ی «کمال» دلیلی بی‌اورم  
 آن مهر بر که افکنم آن دل کجا برم؟  
 - که رحمت بر آن تربت پاک باد -  
 که جان دارد و جان شیرین خوش است»

\*توجه: تضمین در نثر نیز نمونه‌های بسیار دارد. در داستان «خسرو» در کتاب دهم، بسیار از این آرایه استفاده شده است.  
 با صدایی که به قول معروف، از ته چاه درمی‌آمد، با زهرخندی گفت: داد زن: «من گوش استماع ندارم، لیکن تقول».  
 همه می‌شناختند و می‌ستودند و تکریمش می‌کردند. ولی چه سود که «حسودان تنگ‌نظر و عنودان بدگهر» وی را به می و معشوق و لهو و لعب کشیدند. ... این شکست او را به منجلاب فساد کشید «فی‌الجملة نماند از معاصی منکری که نکرد و مُسکری که نخورد». تریاکی و شیرهای شد و کارش به ولگردی کشید.  
 \*توجه: آوردن کلّ آیه یا حدیث «تضمین» می‌باشد و «تلمیح» نیست.

بهر این فرمود رحمان ای پسر  
 «کلّ یوم هُوَ فی شأن» ای پسر

درویش بی‌معرفت نیارآمد تا فقرش به کفر انجامد؛ «کاد الفقرُ أن یكونَ کفراً»

\*توجه: آمدن یک اصطلاح یا اسم عربی مانند «عزّ و جلّ»، «اولی الالباب» یا «عمّ نواله» و ... تضمین نمی‌سازد.

۶۴- در همه گزینه‌ها به جز گزینه ..... آرایه تضمین به کار رفته است.

- |  |  |
|--|--|
| (۱) ایوب با چندین بلا، کاندرا بلا شد مبتلا | پیوسته این بودش دعا: الصبرُ و مفتاحُ الفرج |
| (۲) این مه که چون منیژه سر چاه می‌نشست     | گریبان به تازیانه‌ی افراسیاب رفت           |
| (۳) حافظ از جور تو حاشا که بگرداند روی     | من از آن روز که در بند توأم آزادم          |
| (۴) در محیط طوفان‌زا ماهرانه در جنگ است    | ناخدای استبداد با خدای آزادی               |

۶۵- در کدام بیت‌ها آرایه تضمین به کار رفته است؟

- |                                       |                                    |
|---------------------------------------|------------------------------------|
| (الف) سرگشته در کشاکش طوفان روزگار    | گم کرده همچو آدم و حوا بهشت خویش   |
| (ب) چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت | شیوه جنّات تجری تحتها الانهار داشت |
| (ج) خیز تا خاطر بدان ترک سمرقندی دهیم | کز نسیمش بوی جوی مولیان آید همی    |
| (د) در سلسله‌ی زلف سراسیمه لیلی       | حال دل مجنون پراکنده ما چیست؟      |

(۴) الف ، د

(۳) ب ، ج

(۲) ج ، د

(۱) الف ، ب

## اغراق

اغراق، مبالغه یا غلو آرایه‌ای است مبنی بر **بزرگ‌نمایی**. و آن وقتی است که شاعر یا نویسنده در بیان موضوعی به طور غیر باوری بزرگ‌نمایی کند. اغراق و مبالغه و غلو در اصل تفاوت‌هایی دارند که در سطح کنکور حائز اهمیت نیست و یکی گرفته می‌شوند.

زمین شش شد و آسمان گشت هشت  
اگر بشنود نام افراسیاب  
به جوش آمده خاک، بر کوه و سنگ  
بود سهمگین جنگ شیر و پلنگ  
تو گفستی که هرگز ز مادر نژاد  
هوا را به شمشیر گریان کنی

ز سُم ستوران در آن پهن دشت  
شود کوه آهن چو دریای آب  
نماند ایچ با روی خورشید رنگ  
فلک باخت از سهم آن جنگ رنگ  
کشانی هم اندر زمان جان بداد  
به تنها یکی گور بریان کنی

**\*نکته:** اغراق معمولاً در آثار حماسی دیده می‌شود، اما باید دقت داشت که آثار غنایی و عاشقانه و هر نوع ادبی دیگر نیز می‌تواند اغراق داشته باشد.

که از جهان ره و رسم سفر براندازم  
که کوه بست کمر پیشن برداری ما  
خاک کویت را به خون هر شب منقش می‌کند  
کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران  
چشم من می‌شکند پنجره را تا برود  
تا بر شتر نبندد محمل به روز باران  
از نازکی آزار رساند بسدنش را  
میان ما و رسیدن هزار فرسنگ است

به یاد یار و دیار آن چنان بگیریم زار  
به زیر تیغ فشردیم پای خود چندان  
دیده‌ی تردانم تا می‌زند نقشی بر آب  
بگذار تا بگیریم، چون ابر در بهاران  
دیده از دور دو دریای مجاور با هم  
با ساربان بگوئید، احوال آب چشمم  
گر برگ گل سرخ کنی پیرهنش را  
دلیم گرفته از این روزها دلم تنگ است

**\*نکته:** آمدن اعدادی مانند صد، هزار، هزاران و... معمولاً اغراق می‌سازد. اما ممکن است تله‌ی کنکوری باشد.

هزاران کوه غم بر دل از آن موی کمر دارد  
دمیدند گفستی شب آمد به روز  
سر عمرو صد گام از تن پرید

اگر از سینه‌ی مور ضعیفی پرده برداری  
بیامد دو صد مرد آتش‌فروز  
دم تیغ بر گردنش چون رسید

**\*توجه:** یکی از ویژگی‌های آثار حماسی «خرق عادت» است که اغراق نمونه‌ای از آن است. لذا در بیشتر آثار حماسی اغراق دیده می‌شود. به گونه‌ای که در تمام ابیات پیوسته زیر اغراق دیده می‌شود.

ز بهرام و کیوان، همی برگذشت  
خروشان دل خاک در زیر نعل  
به جوش آمده خاک بر کوه و سنگ  
همی بر خروشید بر سان کوس  
همی گرد رزم اندر آمد به ابر

خروش سواران و اسپان ز دشت  
همه تیغ و ساعد ز خون بود لعل  
نماند ایچ با روی خورشید، رنگ  
دلیری کجا نام او اشکبوس  
بشد تیز رهام با خود و گبر



## ۶۶- آرایه «اغراق» در کدام بیت واضح است؟

- (۱) بیا و جام عقارم بده که تا بودم نه با عقار تعلق گرفته‌ام نه ضیاع (عقار و ضیاع: املاک)  
 (۲) چگونه از خط حکم تو سر بگردانم که من مطیعم و حکم تو پیش بنده مطاع (مطاع: اطاعت شده)  
 (۳) شدی و بی تو به هر شارعی که بگذشتم ز دود سینه هوا بر سرم ببست شرع (شرع: سایه‌بان)  
 (۴) مرا از آنچه که گیرد حرامی از پس و پیش چو ترک خویش گرفتم چه غم خورم ز متاع (متاع: کالا)

## ۶۷- در کدام بیت آرایه «اغراق» به کار نرفته است؟

- (۱) خورشید و ماه، آینه‌دار جمال توست هر روز و شب گرفته چو خدمتگر، آینه  
 (۲) اگر تو سرو خرامان ز پای ننشینی چه فتنه‌ها که بخیزد میان اهل نشست  
 (۳) یکدم از ما روی عالم سوز اگر سازی نهان آتش افتد در درون چرخ، ز آه و دود من  
 (۴) منم آن کوه غم و درد که سیلاب سرشک هر دم از دامن من تا به کمر می‌آید

## ۶۸- در همه ابیات زیر، به غیر از بیت ..... ، آرایه اغراق به کار رفته است.

- (۱) که گفتت برو دست رستم ببند؟ نبندد مرا دست چرخ بلند  
 (۲) چو رامین گه گهی بنواختی چنگ ز شادی بر سر آب آمدی سنگ  
 (۳) خم آورد بالای سرو سهی نهان از او دور شد دانش و فرهی  
 (۴) صدهزاران این چنین اشباح بین فترقشان هفتاد ساله راه بین

\*\*\*

## لف و نشر

«لف» به معنی بستن و «نشر» به معنای باز کردن است. و آن وقتی است که شاعر یا نویسنده در یک پاره کلام، دو یا چند مورد و در ادامه دو یا چند مورد دیگر بیاورد که با موارد پاره اول در ارتباط باشند. تهران و بغداد، پایتخت‌های ایران و عراق هستند. پاره اول: تهران و بغداد همان‌طور که می‌دانیم تهران با ایران و بغداد با عراق در ارتباط است.

## لف و نشر دو نوع است:

- ۱- لِف و نشر مرتب: موارد پاره دوم به ترتیب به موارد پاره اول مرتبط هستند.  
 ۲- لِف و نشر مشوش: موارد پاره «دوم» به ترتیب به موارد پاره اول مرتبط نیستند.  
 هر چند جیب و جام من از مال و می تهی است ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت

حد همین است سخندانی و زیبایی را	بر حدیث من و حُسن تو نیفزاید کس
۱ ۲	۱ ۲
از پای تا به سر، همه سمع و بصر شدم	تا رفتنش بی‌بیم و گفتنش بش‌نوم
۱ ۲	۱ ۲



افـرـوختن و سـوختن و جامه‌دریدن  
۲ ۱ ۳

پـروانه ز من شـمـع ز من گـل ز من آموخت  
۱ ۲ ۳

این عیار مهر و کینِ مرد و نامرد است  
۱ ۲ ۱ ۲

\* لف و نشر مرتب هنری تر است.

دو بیت زیر که منسوب به فردوسی است، از بهترین و هنرمندانه‌ترین نمونه‌های لف و نشر است.

بـه روز نـبرد آن یـل ارجمـند

بـه شـمشیر و خـنجر بـه گـرز و کـمند  
۱ ۲ ۳ ۴

بـرید و درید و شکست و بست  
۱ ۲ ۳ ۴

یـلان را سـر و سـینه و پـا و دـست  
۱ ۲ ۳ ۴

با شمشیر سر یلان را برید.  
با خنجر سینه یلان را درید.  
با گرز پای یلان را شکست.  
با کمند دست یلان را بست.

در روز نبرد، آن یل ارجمند

نمونه‌های دیگر:

کـه را بـیش بـیرون شـود کـار نـغز

چـو فرزند و زن باشدم خون و مغز  
۱ ۲ ۱ ۲

اگر چند بی‌دست و پایند و زور  
۱ ۲

مهیا کن روزی مار و مور  
۱ ۲

می‌توان دانست برّ و بحر بی‌آرام اوست  
خاصه وقتی که شود رهزن هوشیاری چند  
شود حُسن گُلوسوز تو چون در انجمن پیدا  
کوه دردی که دل از عشق تو تنها برداشت

بگریسد به دریا و به مرغزار  
تو عشق بین که مرا میر بحر و بر دارد  
گلبِ برگ تری، سرو سَهی، سنبل سیراب  
عطابخش و صبارخش و سماقد و سخاگستر

۶۹- در کدام بیت آرایه «لف و نشر» دیده می‌شود؟

- (۱) از سر سرگشته گرداب و رقص گرد باد
- (۲) مست هوشیار ندیده‌است کسی جز چشمت
- (۳) کشد سر در گریبان خموشی، شمع از خجلت
- (۴) سایه‌اش خونی چندین کمر کوهکن است

۷۰- در کدام بیت آرایه «لف و نشر» به کار نرفته است؟

- (۱) همی مرغ و ماهی بر ایشان به زار
- (۲) مراسم خانه بیابان و دل ز خون دریا
- (۳) در باغ شد از قد و رخ و زلف تو بی‌آب
- (۴) عدوبند و ظفر بند و هنرجوی و هنرپیشه

### مراعات نظیر

آوردن دو یا چند واژه که با یکدیگر تناسب و رابطه‌ای غیر از تضاد داشته باشند. مراعات نظیر اگر در دو واژه باشد معمولاً آن را تناسب می‌گویند، اما در کنکور تناسب و مراعات نظیر را یکسان در نظر می‌گیرند.

برآید که ما <b>خاک</b> باشیم و <b>خشت</b>	بسی <b>تیر</b> و <b>دی</b> ماه و اردیبهشت
ز <b>بهرام</b> و <b>کیوان</b> همی برگذشت	خروش سواران و اسپان ز دشت
این <b>گرگی شبان</b> شما نیز بگذرد	ای تو <b>رمه</b> سپرده به <b>چوپان</b> گرگ‌طبع
ای <b>روضه</b> مجسم <b>گودال</b> قتلگاه	یک <b>کربلا</b> شکوه به چشم نهفته است

**\*توجه:** مراعات نظیر و تناسب واژگان ممکن است کمی غیرمحسوس باشد. توجه به آرایه تناسب، گاه منجر به کشف، آرایه ایهام تناسب می‌شود.

<b>اشعارات</b> پنهانی چشم تو	<b>شفا</b> می‌دهد آشکارا به دل
ای <b>مسلم</b> شرف به کجا می‌کنی نگاه؟	از دور دست می‌رسد آیا کدام <b>پیک</b> ؟

در دو بیت قبل «شفا» و «اشعارات» با یکدیگر ارتباط و مراعات نظیر دارند، زیرا نام دو اثر از ابن سینا می‌باشند و «پیک» نیز با «مسلم» ارتباط دارد، زیرا مسلم بن عقیل، پیک و فرستاده امام حسین (ع) به کربلا بود.

**\*توجه:** آرایه تناسب را نباید با تناسب واژگان در دستور، اشتباه بگیریم. چرا که به طور مثال دو واژه «بدن و دست» از نظر دستوری با یکدیگر تضمین دارند و تناسب ندارند اما از نظر ادبی آن‌ها را تناسب (مراعات نظیر) می‌گیریم. یا «رنگ و بنفش» از نظر دستوری تضمین دارند ولی از نظر ادبی آرایه تناسب دارند. در بیت زیر نیز دو واژه چشم و سر از نظر دستوری تناسب ندارند ولی از نظر ادبی آرایه تناسب دارند.

دید پیمبر نه به چشمی دگر	بلکه بدین <b>چشم</b> <b>سر</b> این چشم سر
--------------------------	---

**\*توجه:** در بیتی که تلمیح وجود دارد، اکثراً تناسب هم وجود دارد، زیرا معمولاً کلمات مربوط به یک داستان، با یکدیگر تناسب هم دارند.

غرق <b>خون</b> بود و نمی‌مرد ز حسرت <b>فرهاد</b>	خواندم <b>افسانه</b> <b>شیرین</b> و به خوابش کردم
--	---

۷۱- در کدام گزینه آرایه «مراعات نظیر» محسوس‌تر است؟

- |                              |                                 |
|------------------------------|---------------------------------|
| (۱) مرا مادرم نام مرگ تو کرد | (۲) پیاده ندیدی که جنگ آورد     |
| (۳) سزد گر بداري سرش در کنار | (۴) به شهر تو شیر و نهنگ و پلنگ |
- زمانه مرا پتک ترگ تو کرد  
سر سرکشان زیر سنگ آورد؟  
زمانی برآسایمی از کارزار  
سوار اندر آیند هر سه به جنگ؟

۷۲- در کدام بیت نمی‌توان آرایه «مراعات نظیر» یافت؟

- |                                       |  |
|---------------------------------------|--|
| (۱) ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد | (۲) بیستون کندن فرهاد نه کاری است شگفت |
| (۳) از طلا گشتن پشیمان گشته‌ایم       | (۴) برداشته دل ز کار او بخت            |
- چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد  
شور شیرین به سر هر که فتد کوهکن است  
مرحمت فرموده ما مس کنید  
درماند پدر به کار او سخت

۷۳- کدام گزینه، بیت‌ها را به ترتیب داشتن آرایه‌های «تلمیح، تضمین و مراعات نظیر» مرتب می‌کند؟

- الف) پیرهن‌چاک برون آمده بودی امروز  
ب) تیغ عریان تو را دید و ورق برگرداند  
ج) داشت تا گوهر من در دل این دریا، جان  
د) صائب این آن غزل حافظ شیراز که گفت:
- ۱) الف - د - ج  
۲) د - الف - ج  
۳) الف - د - ب  
۴) ب - ج - الف

\*\*\*

### مَثَل (یا تمثیل یا ارسال المثل)

آوردن ضرب‌المثل یا گفتن جمله‌ای حکیمانه که بعدها به ضرب‌المثل تبدیل شده باشد. مَثَل، بر تاثیرگذاری کلام می‌افزاید و زینت‌بخش و مایه‌ی آرایش کلام است.

چنین است رسم سرای درشت  
گنه کرد در بلخ آهنگری  
از طلاگشتن پشیمان گشته‌ایم  
زی تیر نگه کرد و پر خویش در او دید

گهی پشت به زین و گهی زین به پشت  
به شوشتر زدند گردن مسگری  
مرحمت فرموده ما مس کنی  
گفتا ز که نالیم که از ماست که بر ماست

**\*توجه:** ضرب‌المثل‌ها هنر و شاهکار سخنورانند. در میان سخنوران فارسی، **سعدی**، بیش از دیگران در این زمینه به خلق و ابداع پرداخته است. به گونه‌ای که قریب به چهارصد جمله و مصراع و بیت از بوستان و گلستان به صورت ضرب‌المثل در آمده و زینت‌بخش کلام سخنوران دیگر شده است.

هر که دست از جان بشوید، هر چه در دل دارد بگوید.  
هر چه نپاید، دل‌بستگی را نشاید.

تو قدر آب چه دانی که در کنار فراتی

**\*توجه:** برای شناختن مَثَل‌ها نیازی نیست آن‌ها را حفظ کنیم، چون تعداد آن‌ها بسیار زیاد است. توجه به معنا، بهترین راه شناخت مَثَل است. شناخت مَثَل‌ها در **قرابت معنایی** نیز بسیار مهم هستند.

**\*توجه:** اسلوب معادله و مَثَل نیز از این جهت که زیرساخت تشبیهی دارند، شبیه هستند ولی تفاوت آن‌ها در این است که **اولاً مَثَل‌ها** بسیار معروف‌تر از اسلوب معادله‌ها هستند. (در واقع اسلوب معادله‌ای که بسیار معروف شود به مَثَل تبدیل می‌شود). ثانیاً اسلوب معادله لزوماً در شعر می‌آید و حتماً دو مصراع است ولی «مَثَل» در نثر هم می‌آید و می‌تواند یک جمله یا یک مصراع باشد.

\*\*\*

### تَخْلُص

آمدن نام شاعر در بیت آخر یا یکی مانده به آخر را تَخْلُص می‌گویند.

حافظ به خود نپوشد، این خرقه می‌آلود  
سعدی، به روزگاران، مه‌ری نشسته بر دل

ای شیخ پاک‌دامن، معذور دار ما را  
بیرون نمی‌توان کرد، الا به روزگاران

بعضی از تَخْلُص‌ها آشکار نیستند و به نام اصلی شاعر اشاره ندارند. «خُمُش» در بیت زیر تَخْلُص مولاناست.

راز نهان دار و خُمُش، ور خُمُشی تلخ بود  
آنچه جگرسوزه بُود، باز جگرسازه شود

## یادآوری

\***توجه:** جناس تام و ایهام، از این جهت که دو معنا دارند شبیه هستند اما در جناس تام، دو واژه یکسان در دو معنی آمده ولی در ایهام، یک واژه در دو معنی آمده است.

\***توجه:** پیش از آن که وارد تست زنی شوید به این نکته توجه داشته باشید، در سوالاتی که چند آرایه در آن مطرح شده است، ابتدا سراغ آرایه‌های آسان‌تر و زودیاب‌تر یا آرایه‌هایی که در آن مسلط‌تر هستید، بروید.

\***توجه:** وجود یک آرایه، نفی کننده آرایه دیگر نیست! مثلاً ممکن است همان واژه‌ای که جناس دارد، ایهام هم داشته باشد. پس رد گزینه در این مبحث خیلی کاربرد ندارد، مگر اینکه کاملاً مطمئن شده باشید.

\***توجه:** در تست‌هایی که چینش چند آرایه را به ترتیب می‌خواهند، به این نکته توجه داشته باشید که ممکن است یک بیت، دو مورد از آرایه‌های مطرح شده را داشته باشد! یا یک آرایه در دو بیت دیده شود، در هر بیت آرایه‌ای را لحاظ کنید که در ابیات دیگر وجود نداشته باشد.

\***توجه:** در تست زنی آرایه، رد گزینه بسیار کارساز است و بیشتر از رد گزینه استفاده کنید.

## تست جامع

- ۷۴- در تمام گزینه‌ها هر دو آرایه‌ی «حس آمیزی و جناس» وجود دارد به جز گزینه‌ی..... (تجربی ۹۹)
- (الف) جام شراب مرهم دل‌های خسته است  
(ب) گره‌گشای دل تنگ نغمه‌ چنگ است  
(ج) ای صبای بی مروت برق تازی واگذار  
(د) پیش ما دشنام جانان از شکر شیرین‌تر است
- خورشید مومیایی ماه شکسته است (تشبیه، اسلوب معادله)  
سهیل سیب زنخدان شراب گلرنگ است (جناس، تشبیه)  
روح بیمار زلیخا هم‌ره پیراهن است (تلمیح، ایهام)  
روح تلخ بحر از آب گهر شیرین‌تر است (ایهام‌تناسب، حس آمیزی)

(۴) ب، د

(۳) ب، ج

(۲) الف، د

(۱) الف، ب

- ۷۵- در کدام بیت «ایهام، تناسب، تشبیه و استعاره» وجود دارد؟ (تجربی ۹۹)
- (۱) از راه نظر مرغ دل‌م گشت هواگیر  
(۲) غنیمتی شمر ای شمع، وصل پروانه  
(۳) مرغ دل باز هوادار کمان ابرویی است  
(۴) کسی به وصل تو چون شمع یافت پروانه
- ای دیده نگه کن که به دام که درافتاد  
که این معامله تا صبحدم نخواهد ماند  
ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد  
که زیر تیغ تو هر دم سری دگر دارد

- ۷۶ - آرایه‌های ادبی بیت زیر، در کدام گزینه درست آمده است؟ (تجربی ۹۹)
- «به روز تیره ما صبح، شکر خنده‌ها دارد  
نمی‌داند که این شادی دم دیگر نمی‌ماند»

(۲) تشخیص، تشبیه، حس آمیزی، ایهام  
(۴) تشبیه، حس آمیزی، پارادوکس، استعاره

(۱) مجاز، استعاره، تضاد، تشخیص  
(۳) پارادوکس، ایهام تناسب، مجاز، حس آمیزی

- ۷۷ - آرایه‌های مقابل همه‌ی ابیات «کاملاً» درست است؛ به جز ... (تجربی ۹۹)
- (۱) چه سان مژگان خونین گریه ما را نگه دارد  
(۲) پهلوی به حیات ابدی می‌زند آن زلف  
(۳) عزیز قدردانی نیست در مصر سخن‌سنجی  
(۴) اگر چه تخم طمع زردرویی آرد بار
- کجا مرجان به زور پنجه دریا را نگه دارد؟ (اسلوب معادله، ایهام)  
این است سوادى که به اصل است مطابق (ایهام تناسب، کنایه)  
ندارد و نه جنسی غیر یوسف کاروان ما (ایهام، استعاره)  
زکات رنگ به گلشن دهد گدای قدح (مجاز، تشبیه)

- ۷۸ - تعداد تشبیهات کدام بیت بیشتر است؟ (ریاضی ۹۹)
- (۱) واله و شیداست دائم همچو بلبل در قفس  
(۲) بمال بر لب خونخوار حرص، خاک فناع  
(۳) چون سنگ سرمه، خاکش پیرایه نظرهاست  
(۴) به هر شورش مده چون موج از کف دامن دریا
- طوطی طبعم ز عشق شکر و بادام دوست  
و گر نه تشنگی افزاست آب شور تمنا  
چشمی که یک نظر دید آن چشم سرمه‌سا را  
که باشد عقد گوهر خوشه‌ای از خرمن دریا

- ۷۹ - در کدام بیت همه آرایه‌های «تشبیه، استعاره، جناس» به کار رفته است؟ (ریاضی ۹۹)
- (۱) حافظ در این کمنند سر سرکشان بسی است  
(۲) در چنین زلفش ای دل مسکین چگونه‌ای؟  
(۳) صحن سرای دیده بشستم، ولی چه سود؟  
(۴) چون پیاله، دلم از توبه که کردم، بشکست
- سودای کج مپز، که نباشد مجال تو  
کاشفته گفت باد صبا شرح حال تو  
کاین گوشه، نیست در خور خیل خیال تو  
همچو لاله، جگرم بی می و خم‌خانه بسوخت

۸۰ - آرایه های مقابل ابیات در همه گزینه ها تماماً درست است؛ به جز: (ریاضی ۹۹)

- (۱) نازنین تر می شوی هر روز از روز دگر ناز چندانی که می ریزد ز سر تا پای تو (حسن تعلیل، واج آرایه)
- (۲) باغبان همچو نسیم ز در خویش مران کآب گلزار تو از اشک چو گلنار من است (ایهام، کنایه)
- (۳) در غبار خاطر مجنون حصارى گشته است دیده آهو ز شرم نرگس شهلاى تو (استعاره، تشبیه)
- (۴) پرده های دیده اش پیراهن یوسف شود هر که یک شب را به روز آورد در سودای تو (تلمیح، ایهام تناسب)

۸۱ - آرایه های «تشبیه، استعاره، حس آمیزی و ایهام تناسب» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟ (ریاضی ۹۹)

- (الف) چون شبنم است بستر و بالین من ز گل  
(ب) ناله نی راست صد تنگ شکر در آستین  
(ج) چرا از دست می رفتم چرا بیمار می بودم؟  
(د) کجا تاب نگاه گرم دارد سایه پروردی
- (۱) ب، الف، د، ج (۲) ب، د، ج، الف (۳) ج، الف، ب، د (۴) ج، الف، د، ب

۸۲ - آرایه های «تشبیه، مجاز، حسن تعلیل و ایهام» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟ (انسانی ۹۹)

- (الف) به قامت خوش خوبان نگاه می کردم  
(ب) اگر جمال تو با عاشقان کرشمه نکرد  
(ج) دو اسبه پیک نظر می دوانم از چپ و راست  
(د) به غمزه گر نربودی دل همه عالم
- لباس حسن تو دیدم به قد هر یک راست  
ز بهر چه شر و آشوب از جهان برخاست  
به جستجوی نگاری که نور دیده ماست  
ز عشق تو دل جمله جهان چرا شیدا است

۸۳ - آرایه های مقابل همه ابیات تماماً درست است؛ به جز: (انسانی ۹۹)

- (۱) راستی را بنده شمشاد بالای توام  
(۲) دیدی که غمت به خون من می کوشد  
(۳) مهر رخسار تو در جان من شوریده دل  
(۴) گر زان که نرنجیده ای از ما به خطایی
- ور نه من آزادم از هر سرو بستانی که هست (استعاره، ایهام)  
تو نیز به کشتنم میان درستی (مجاز، کنایه)  
همچو ماه چارده در کنج ویران تافته است (تشبیه، ایهام)  
چین درخم ابروی تو ای ترک ختا چیست؟ (حسن تعلیل، جناس)

۸۴ - آرایه های بیت زیر، کدام اند؟ (انسانی ۹۹)

«ز مهر روی او عمری است تا دم می زنی «سلمان» به مهرش صادقی چون صبح از آن مشهور آفاقی»

- (۱) ایهام، استعاره، حس آمیزی، کنایه  
(۲) ایهام، تشبیه، ایهام تناسب، مجاز  
(۳) حسن تعلیل، ایهام، ایهام تناسب، حس آمیزی  
(۴) حسن تعلیل، استعاره، ایهام تناسب، جناس ناقص

۸۵ - در بیت زیر، «چند ایهام تناسب و چند جناس» وجود دارد؟ (انسانی ۹۹)

«می ساختم چو بریط و می سوختم چو عود زیرا که چاره دل من سوز و ساز بود»

- (۱) دو - دو (۲) سه - سه (۳) یک - دو (۴) دو - سه

۸۶ - در کدام گزینه ترتیب ابیات با در نظر گرفتن آرایه‌های: «تناقض، اغراق، مجاز، لف و نشر و ایهام» درست است؟ (انسانی خارج ۹۹)

- (الف) ما را ز خیال تو چه پروای شراب است  
 (ب) پرتو روی چوماه تو در آن زلف سیاه  
 (ج) تا نینداری که سلمان را نظر بر شاهد است  
 (د) چنان کاندر پریشانی سرافرازی کند زلفش  
 (ه) سیل سرشکم را کجا مژگان تواند بست ره
- خم گو سر خود گیر که خم‌خانه خراب است  
 راستی را چه شب تیره و خوش مهتابی است  
 مست جام عشق را با شاهد رعنا چه کار  
 توانایی چشم ساحرش در ناتوانی بود  
 با خار و خس کی می‌توان بستن ره سیلاب را

(۱) الف، ج، ب، ه د (۲) الف، ه ج، ب، د (۳) د، ه ج، الف، ب (۴) د، ه ج، ب، الف

(انسانی خارج ۹۹)

گر ببیند بلبل آن رخسار شب‌نم خیز را  
 خسروی باید که داند قدر این شب‌دیز را  
 پاک کن از خار و خس این بحر گوهر خیز را  
 عشق می‌گیرد به خون کوهکن پرویز

۸۷ - در همه ابیات، هر دو آرایه تشبیه و استعاره وجود دارد؛ به جز:

- (۱) دفتر گل را به آب چشم خواهد پاک شست  
 (۲) هر خسی قیمت نداند نال شب خیز را  
 (۳) خامشی دریا و گفت‌وگو خس و خاشاک اوست  
 (۴) شوکت شاهی سبک سنگ است در میزان عدل

(انسانی خارج ۹۹)

۸۸ - آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟  
 «روشن‌ت گردد اگر خال و خطش را بینی که چرا روز فراق و شب هجران تار است»

- (۱) تشبیه، تضاد، مجاز، استعاره  
 (۲) حسن تعلیل، استعاره، ایهام، پارادوکس  
 (۳) استعاره، لف و نشر، مجاز، تضاد  
 (۴) تشبیه، لف و نشر، ایهام تناسب، پارادوکس

(انسانی خارج ۹۹)

گر کسی گوش دهد قصه شیرین دارم  
 مرا صبح وصال او نمی‌گردد شبی روزی  
 که برآورده بسی شور ز هر شیدایی  
 کو نظربازی که سیر صبح و شام من کند

۸۹ - در کدام بیت، آرایه «لف و نشر و ایهام» به چشم می‌خورد؟

- (۱) گرچه کامم ز لب نوش تو تلخ است اما  
 (۲) ز سودای رخ و زلفش غمی دارم شبانروزی  
 (۳) لب شیرین تو گویا به حدیث آمد باز  
 (۴) با خیال روی و مویش غرق نور و ظلمت

(هنر ۹۹)

۹۰ - آرایه‌های «استعاره، حسن تعلیل، پارادوکس، کنایه و تضاد» به ترتیب در کدام ابیات آمده است؟

که تو غافل کنی از گاه جدا دانه خویش  
 چون فلک در بی‌قراری دیده‌ام آرام خویش  
 شب‌نم عزیز باغ شد از چشم پاک خویش  
 صبح ناگردیده می‌افتم به فکر شام خویش  
 هرگز نکرد یاد اسیران خاک خویش

(الف) عمر چون باد به تعجیل از آن می‌گذرد  
 (ب) بر نمی‌آیم به تسکین دل خود کام خویش  
 (ج) عاشق چرا امید نبندد به عشق پاک  
 (د) حرص بر من دردهای نسیه را کرده است نقد  
 (ه) آن زلف همچو دام که عمرش دراز باد

(۱) الف، ج، د، ه ب (۲) الف، د، ب، ه ج (۳) ج، الف، ب، ه د (۴) ج، ب، د، ه الف

(هنر ۹۹)

۹۱ - بیشترین مجاز در کدام بیت، یافت می‌شود؟

چون تو در آمدی، پی کاری دگر گرفت  
 که ما دو عاشق زاریم و کار ما زاری است  
 کاسه هر کس که می‌بینم ازین صهبا پر است  
 از غیرت صبا نفسش در دهان گرفت

(۱) هر سروقد که بر مه و خور حسن می‌فروخت  
 (۲) بنال بلبل اگر با منت سر یاری است  
 (۳) یک سر بی‌کبر در نمرود زار خاک نیست  
 (۴) می‌خواست گل که دم زند از رنگ و بوی دوست

۹۲ - آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

(هنر ۹۹)

«ز بند حرص بر آهو چه تازی نفس را چون سگ به صحرای قناعت رو که بی‌آهوست آن صحرا»

(۱) تشبیه، ایهام تناسب، استعاره، تضاد (۲) تشبیه، مجاز، کنایه، پارادوکس

(۳) استعاره، ایهام تناسب، مجاز، تضاد (۴) استعاره، پارادوکس، ایهام تناسب، مراعات نظیر

۹۳ - آرایه‌های همهٔ ابیات در مقابل آنها درست است؛ به جز:

(هنر ۹۹)

- (۱) گرت سودای آن باشد کزین سودا برون آیی  
 (۲) به بزمگاه چمن دوش، مسرت بگذشتم  
 (۳) چون دل شب می‌زنم صائب بر آهنگ فغان  
 (۴) ببر زین خاکدان زهار با خود سرمهٔ بینش

۹۴ - ترتیب ابیات زیر، با توجه به آرایه‌های «حسن تعلیل، ایهام، اغراق، مجاز و استعاره» کدام است؟ (زبان ۹۹)

- (الف) بر آنم که ابر گرینده از این پس پیش اشک من  
 (ب) آهن سرد چه کویم که دم آتشیم  
 (ج) در داستان نیاید اسرار عشق‌بازان  
 (د) ز کوه بیستون فرهاد از آن بیرون نمی‌آید  
 (ه) ماه نو چون ز لب بام بدیدم گفتم

(۱) الف، ج، ب، د، ه (۲) الف، ج، د، ب، ه (۳) د، ب، الف، ه، ج (۴) د، ج، الف، ب، ه

۹۵ - در کدام بیت، تعداد تشبیه با دیگر ابیات تفاوت دارد؟

(زبان ۹۹)

- (۱) خال تو تا دانه و زلفین تو شد دام  
 (۲) گل بستان خرد لفظ دلارای من است  
 (۳) تیر بلای او را جز دل هدف نشاید  
 (۴) آن بناگوش دل افروز است یا مه یا چراغ

۹۶ - آرایه‌های ادبی بیت زیر، تماماً در کدام گزینه درست است؟

(زبان ۹۹)

«در آن تنگ دهن زان عقد دندان حیرتی دارم که چون در نقطهٔ موهوم این سی پاره پنهان شده»

(۱) ایهام، اغراق، استعاره، کنایه (۲) پارادوکس، تشبیه، کنایه، مجاز

(۳) اغراق، استعاره، تشبیه، واج‌آرایی (۴) حسن تعلیل، واج‌آرایی، استعاره، مجاز

(زبان ۹۹)

- (۱) خسرو ایران نمود گوش به گفتار من (حسن آمیزی، ایهام)  
 (۲) جز مایهٔ قصور نگرده نماز من (جناس، حسن تعلیل)  
 (۳) هر شب آراسته در پرده نگار عجبی (جناس، واج‌آرایی)  
 (۴) راستی سرو کجا قامت موزون دارد (ایهام تناسب، تشبیه)



۹۸ - کدام دو واژه در بیت زیر «ایهام» دارند؟

«از نواهای مخالفه می‌کشند آزار خلق

(۱) نوا، ساز (۲) آهنگ، نوا

گوشمالی نیست حاجت ساز سیر آهنگ را»

(۳) نوا، مخالف (۴) ساز، آهنگ

(عمومی خارج ۹۹)

۹۹ - آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه درست آمده است؟

«می‌کند خنده خونین به ته پوست نهان

(۱) تناقض، اغراق، مجاز، استعاره

(۳) اغراق، تشخیص، تشبیه، ایهام تناسب

پسته از بس خجل از غنچه خندان تو شد»

(۲) کنایه، استعاره، تشخیص، حسن تعلیل

(۴) استعاره، جناس، مجاز، حسن تعلیل

(عمومی خارج ۹۹)

۱۰۰ - آرایه «تشبیه» در کدام بیت بیشتر یافت می‌شود؟

(۱) سرسبز گشت باغ رخت از بهار خط

(۲) روی تو در آینه جان عکس بینداخت

(۳) میوه عیش بسی چیده‌م از آن نخل مراد

(۴) حلقه دام نجات است خم طره دوست

یعنی فزود مهر دلم از نگاه تو

تا تخته تن پاک بگشت از همه رنگم

کی دهد باغ محبت ثمری بهتر از این

وای بر حالت مرغی که در این دام نبود

(عمومی خارج ۹۹)

۱۰۱ - آرایه‌های مقابل همه ابیات تماماً درست است؛ به جز:

(۱) اگر سنجی به میزان وفاکوه غم مارا

(۲) بهار عمر خواه ای دل، وگر نه این چمن هر سال

(۳) در آن دل از هلاک عشق‌بازان غم کجا ماند؟

(۴) مسلسل چون شود امواج، می‌باشد ز هم کشتی

تو را در پله انصاف، سنگ کم کجا ماند؟ (اغراق، جناس)

چو نسرين صدگل آرد بار و چین لیل هزار آرد (ایهام تناسب، استعاره)

گره در خاطر خورشید از شبم کجا ماند؟ (واج‌آرایی، استعاره)

به حال خویش دل در زلف خم در خم کجا ماند؟ (اسلوب معادله، ایهام)

(عمومی خارج ۹۹)

۱۰۲ - کدام بیت فاقد تشبیه و دارای «مجاز و ایهام» است؟

(۱) خواهم ز پس پرده تقوا به درافتم

(۲) چون بلب‌دل سوخته را بال شکستند

(۳) نه طره‌ات غم شب‌های تار من دارد

(۴) من آن نی‌ام که کند یار اجتناب از من

چندی به زبان همه کس چون خبر افتم

برطرف چمن باز به پرواز نیاید

نه چشم مست تو فکر خمار من دارد

همیشه صحبت آتش به شمع درگیرد

(اختصاصی ۹۹)

۱۰۳ - آرایه‌های بیت زیر کدام اند؟

«ز باغ حسن خود برخوردار که من در سایه سروت

(۱) تشبیه، جناس، ایهام، کنایه

(۳) تشبیه، استعاره، جناس، مجاز

جهانی را ز باغ عشق برخوردار می‌بینم»

(۲) استعاره، مجاز، کنایه، ایهام

(۴) کنایه، ایهام، مجاز، واج‌آرایی

(اختصاصی ۹۹)

۱۰۴ - آرایه‌های بیت زیر کدام اند؟

«تو داری طاق ابرویی که جفتش نیست در عالم

(۱) تشبیه، تضاد، ایهام، جناس تام

(۳) پارادوکس، جناس ناقص، کنایه، اغراق

تویی آن کسی که در عالم به جفت ابروان طاقی»

(۲) تشبیه، مجاز، ایهام تناسب، تضاد

(۴) استعاره، ایهام، اغراق، پارادوکس

(اختصاصی ۹۹)

## ۱۰۵ - کدام بیت فاقد مجاز است؟

(اختصاصی ۹۹)

تا محشر از این شادی برخیزم و بنشینم  
ولیکن از بر من جان به ناتوانی برد  
کان که در دست تو افتاد ز سر نندیشد  
جان دادن در پای تو دشوار نباشد

(۱) گر بر سر خاک من بنشینی و برخیزی  
(۲) به غمزه نرگس مستت بریخت خون دلم  
(۳) سر اگر در سر کار تو کنم دوری نیست  
(۴) سهل است به خون من اگر دست بر آری

## ۱۰۶ - در همه ابیات آرایه‌های تشبیه، استعاره و جناس وجود دارد؛ به جز:

(اختصاصی ۹۹)

تا عنان دل شیدا بشد از چنگ مرا  
در آبگون ساغر فکن آن آب آتش رنگ را  
وین جامه نیلی ز من بستان و در ده جام را  
تا ز آیینۀ خاطر ببرد زنگ مرا

(۱) نشد از گوش دلم زمزمه نغمه چنگ  
(۲) مگذار مطرب را دمی کز چنگ بنهد چنگ را  
(۳) ای تُرک آتش رخ بیار آن آب آتش فام را  
(۴) ای رخت آینه جان، می چون زنگ بیار

## ۱۰۷ - آرایه مقابل همه ابیات کاملاً درست است؛ به جز:

(اختصاصی ۹۹)

که بی این نیل از چشم خریداران خطر داری (مجاز، تلمیح)  
بال و پر کند چون مور ماند بیش تر (استعاره، اسلوب معادله)  
پنبه چون حلّاج از مستی ز مینا برم دار (ایهام، استعاره)  
تا پشت کند محنت و غم روی به می کن (تضاد، حسن تعلیل)

(۱) مشو در هم رخت گر شد کبود از سیلی اخوان  
(۲) حرص در هنگام پیروی از غلاف آید برون  
(۳) حرف حق گفتن به خون خویش فتوی دادن است  
(۴) تا روی کند عیش و طرب پشت به خُم ده

## ۱۰۸ - آرایه‌های «اغراق، تشبیه، حس آمیزی، حسن تعلیل، کنایه» به ترتیب، در کدام گزینه آمده است؟

(اختصاصی ۹۹)

که بر خار و خس ما هر کفی ساحل تواند شد  
شیرین ز شکر خند تو چون کنج دهن شد  
از تازگی خط تو تقویم کهن شد  
هر وحشی که با من دیوانه رام شد  
داغ جگر لاله ستان ناف ختن شد

(الف) تو کز سنگین رکابی لنگری، سامان کشتی کن  
(ب) کامت شکرین باد که هر رخنه‌ای از دل  
(ج) ریحان که رخ گلشن ازو تازه و تر بود  
(د) شد شوق من به الفت لیلی یکی هزار  
(ه) بوی خوش آهوی تو بر دشت گذر کرد

## ۱۰۹ - استعاره مکنیه در کدام بیت، تشخیص نیست؟

(اختصاصی خارج ۹۹)

در دامگه عشقش بشکست پر و بالم  
از سر زلف و رخت لیل و نهاری بوده است  
خامه خون می‌گرید و خط خاک بر سر می‌کند  
باز می‌گوید به مردم ماجرای چشم من

(۱) در شامگه هجرتش بگداخت تن و جانم  
(۲) پیش از آن دم که زند خط شب از عارض روز  
(۳) در فراقش می نویسم نامه‌ای از دست من  
(۴) گرچه چشمم بسته است اما سر شکم می رود

## ۱۱۰ - آرایه های بیت زیر کدام اند؟

(اختصاصی خارج ۹۹)

یوسف خود را به سیم قلب سودا کرد و رفت»

«هر که دل از دست داد و عشوه دنیا خرید

(۲) استعاره، تشبیه، ایهام، تناسب

(۱) استعاره، کنایه، حسن تعلیل، ایهام

(۴) تشبیه، حسن تعلیل، مجاز، ایهام تناسب

(۳) تشبیه، کنایه، مجاز، اسلوب معادله

## ۱۱۱ - کدام بیت، فاقد استعاره و دارای «تشبیه و جناس» است؟

(اختصاصی خارج ۹۹)

باغ، پر گلچهر گشت و کاخ، پر اورنگ بود  
مقیم بر در لیلی مقام خواهد بود  
شادی از جان من غم زده بگریخته است  
زاغی که بر کنارۀ باغی نشسته است

(۱) آن زمان کان ماه رخشان خور آیین رخ نمود  
(۲) چه غم ز حرب و حرب عرب چو مجنون را  
(۳) تا زدی در دل من خیمه به اقبال غمت  
(۴) دانی که بر عذار تو خال سیاه چیست؟

## (اختصاصی خارج ۹۹)

یا ز رخسار تو گویم که به جایی ماند  
که عمر اگرچه عزیز است هم نمی‌ماند  
شرط است بدین سر که به چوگان تو باشد  
بر دل من مزین ای جان که تویی در دل من

## (اختصاصی خارج ۹۹)

گل‌ها شنیده بوی خود را به باد داده (حس‌آمیزی، تشخیص)  
نقل مجلس همه بادام و شکر بود مرا (لف و نشر، تشبیه)  
چرا که جایگه گنج، کنج ویران است (اسلوب معادله، جناس)  
گرچه بی روی تو ما را سر بازار نبود (مجاز، کنایه)

## (اختصاصی خارج ۹۹)

«ما به خون خود دهان تیشه شیرین می‌کنیم تلخ نشیند عبث معشوق شیرین کار ما»

(۱) تشخیص، مجاز، تضاد، جناس  
(۲) استعاره، حس‌آمیزی، ایهام، کنایه  
(۳) جناس، استعاره، ایهام، تشخیص  
(۴) حس‌آمیزی، مجاز، پارادوکس، ایهام

## ۱۱۵ - آرایه‌های «جناس تام، لف و نشر، تشبیه، ایهام تناسب» به ترتیب، در کدام ابیات یافت می‌شود؟ (اختصاصی خارج ۹۹)

(الف) در لحظه‌ای به کوی تو ناگاه بگذرم  
(ب) وز روی آن که رونق خوبان ز روی توست  
(ج) ایمان و کفر همه رخسار و زلف توست  
(د) بر بوی آن که بوی تو دارد نسیم گل

(۱) ب، د، الف، ج (۲) ب، ج، الف، د (۳) د، ج، ب، الف (۴) د، ب، ج، الف

## (تجربی ۹۸)

بشنو این بیت خوش از خسرو جاویدلقا  
هم خسته‌ت کمانیم هم بسته‌ت کمنیدیم  
تو خانه‌فروزنده و من خانه به دوشم  
گاهی از خنده شیرین منشی فرهادم

## ۱۱۶ - تعداد تشبیهات کدام بیت، بیشتر است؟

(۱) ای بهشتی‌رخ طوبی قد خورشید لقا  
(۲) از طاق ابروانت وز تار گیسوانت  
(۳) تو مهر درخشنده و من ذره محتاج  
(۴) گاهی از جلوه شیرین روشی مجنونم

## (تجربی ۹۸)

که پرده بر دل خونین به بوی او بدریدم»

## ۱۱۷ - آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

«چو غنچه بر سرم از کوی او گذشت نسیمی

(۱) تشبیه، مجاز، تلمیح، تضاد  
(۲) ایهام، تشبیه، جناس، کنایه  
(۳) کنایه، تشبیه، حس‌آمیزی، مجاز  
(۴) مجاز، ایهام، مراعات نظیر، حس‌آمیزی

## (تجربی ۹۸)

## ۱۱۸ - آرایه‌های مقابل همه ابیات تماماً درست است؛ به جز:

(۱) لاله، دل در دم جان بخش سحر می‌بندد  
(۲) از آن دلبستگی دارد دل ما با سر زلفش  
(۳) به روز حشر چو بوی تو بشنود خواجه  
(۴) چنان کاندر پریشانی سرافرازی کند زلفش  
غنچه جان پیشکش باد صبا می‌آرد  
که هراتری زگیسویش رگی با جان مادارد  
ز خاک مست برون افتد و کفن بدرد  
توانایی چشم ساحرش در ناتوانی بود  
(استعاره، اسلوب معادله)  
(حسن تعلیل، مراعات نظیر)  
(حس‌آمیزی، مجاز)  
(تناقض، استعاره)

- ۱۱۹- ترتیب آرایه‌های «جناس، تشخیص، مجاز، تضاد» در کدام ابیات است؟ (تجربی ۹۸)
- الف) پیش رفتار تو پا برنگرفت از خجلت  
ب) ای نسیم کوی معشوق این چه باد خرم است  
ج) پی دیدن خرامش سر کوچه‌ها ستادم  
د) چگونه از خط حکم تو سر بگردانم

(۱) الف، ب، د، ج (۲) ب، الف، ج، د (۳) ب، الف، د، ج (۴) د، ب، ج، الف

- ۱۲۰- در کدام تشبیه وجه شبه ذکر نشده است؟ (ریاضی ۹۸)
- (۱) چون مار زخم خورده دل افتد به پیچ و تاب  
(۲) چون رخ من شده است رنگ زمین  
(۳) جهان چون نی هزاران ناله دارد  
(۴) در وفای عشق تو مشهور خوبانم چو شمع

- ۱۲۱- آرایه‌های بیت زیر، کدام است؟ (ریاضی ۹۸)
- «جای خنده است سخن گفتن شیرین پیشت  
که آب شیرین چو بخندی برود از شکر»

(۱) استعاره، مجاز، کنایه، تلمیح  
(۲) تشبیه، ایهام، مجاز، حسن تعلیل  
(۳) استعاره، ایهام تناسب، تلمیح، تناقض  
(۴) تشبیه، ایهام، استعاره، ایهام تناسب

- ۱۲۲- بیت زیر «فاقد» کدام آرایه‌های ادبی است؟ (ریاضی ۹۸)
- «شود از مهر خموشی دل خامش گویا  
جوش می در جگر خم ز سر بسته بود»

(۱) ایهام، حس آمیزی (۲) استعاره، تناقض (۳) تشبیه، مراعات نظیر (۴) مجاز، اسلوب معادله

- ۱۲۳- ترتیب آرایه‌های «استعاره، تشبیه، پارادوکس و حسن تعلیل» در ابیات زیر کدام است؟ (ریاضی ۹۸)
- الف) دلم به پیش تو می‌خواست جان فرستادن  
ب) ز میوه گر چه در این بوستان سبکباریم  
ج) مگر ای زلف ز حال دلم آگه شده‌ای  
د) خواهم اندر پایش افتادن چو گوی

(۱) الف، ب، د، ج (۲) الف، د، ب، ج (۳) ج، د، ب، الف (۴) د، ب، الف، ج

- ۱۲۴- در کدام بیت، هر دو تشبیه گسترده و فشرده وجود دارد؟ (انسانی ۹۸)
- (۱) هر که از مهر تو چون ذره شود سرگردان  
(۲) من که با زلف چو چوگان تو گویی نزنم  
(۳) چند چون مرغ کنی سوی گلستان پرواز  
(۴) تو که یک ذره نداری خبر از آتش مهر

- ۱۲۵- آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟ (انسانی ۹۸)
- «آب آتش می‌برد خورشید شبپوش شما  
می‌رود آب حیات از چشمه نوش شما»

(۱) استعاره، تشخیص، تلمیح، تضاد  
(۲) مجاز، جناس تام، تضاد، تلمیح  
(۳) ایهام، استعاره، جناس تام، پارادوکس  
(۴) مجاز، ایهام، تشخیص، پارادوکس

۱۲۶- هر دو آرایه مقابل کدام بیت، درست است؟

(انسانی ۹۸)

- (۱) پیمانۀ حیاتم پر شد فغان که نتوان  
(۲) برخیز تا به پای شود روز رستخیز  
(۳) شد چمن انجمن از بوی خوشش پنداری  
(۴) اسباب پریشانی جمع است برای من
- پیمان از او گرفتن پیوند از او بریدن (حسن تعلیل - جناس)  
وانگه بین شهید غمت در چه حالت است (تلمیح - ایهام)  
که سمن در بغل و گل به گریبان دارد (جناس - حس آمیزی)  
جمعیت اگر خواهی زان طره پریشان باش (پارادوکس - مجاز)

۱۲۷- آرایه‌های «اسلوب معادله، تلمیح، تشبیه، حس آمیزی» به ترتیب، در کدام ابیات یافت می‌شود؟

(انسانی ۹۸)

- (الف) وصل، هجران است اگر دل‌ها ز یکدیگر جداست  
(ب) آبی که زندگانی جاوید می‌دهد  
(ج) نیست پروا عاشقان را از نگاه تلخ یار  
(د) از تهی‌مغزی است امید گشاد از ماه عید
- هجر باشد وصل اگر دل‌ها به هم پیوسته است  
دارد اگر وجود، شراب شبانه است  
دود خشک شمع ریحان تر پروانه است  
ناخن تنها برای پشت سر خاریدن است

(۱) ج، ب، الف، د (۲) ج، ب، د، الف (۳) د، ب، الف، ج (۴) د، ج، ب، الف

۱۲۸- کدام بیت، دارای «تلمیح، تضمین و حسن تعلیل» است؟

(هنر ۹۸)

- (۱) نیازی نیست با شعرم تخلص خواجه خود فرمود  
(۲) شهر ری خالی شد از مهر و محبت خواجه گفت  
(۳) نگین ملک سلیمان چراغ عرش خداست  
(۴) لاله چون تاج فریدون بدرخشد کز کوه
- که چرخ، این سکه دولت به نام شهریاران زد  
مهربانی کی سرآمد شهریاران را چه شد  
گرش نه حلقه برانگشت اهرمن باشد  
پس رچم کواوه نوروز پدیدار آمد

۱۲۹- آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

(هنر ۹۸)

- «ساز هستی غیر آهنگ عدم چیزی نداشت»  
(۱) استعاره، مجاز، ایهام، تضاد، حسن تعلیل  
(۲) تشبیه، مجاز، پارادوکس، کنایه، حسن تعلیل  
(۳) تشبیه، تضاد، ایهام، پارادوکس، حس آمیزی  
(۴) استعاره، اغراق، ایهام تناسب، جناس، حس آمیزی
- هر نوایی را که وادیدم خموشی می‌سرود»

۱۳۰- آرایه‌های مقابل همه ابیات تماماً درست است، به جز:

(هنر ۹۸)

- (۱) این عالم پرشور که آرام ندارد  
(۲) از نرگس بیمار بود تازگی حُسن  
(۳) در دل فکند شور جزا گریه تلخش  
(۴) مجنون چه کند مست نگرده، که در این دشت
- از دامن صحرای تو یک موج سراب است (تشبیه، مجاز)  
معموری آفاق ز دل‌های خراب است (تناقض، استعاره)  
از آتش رخسار تو هر دل که کباب است (حس آمیزی، ایهام تناسب)  
هر موج سرابی که بود موج شراب است (تلمیح، جناس)

۱۳۱- ترتیب ابیات به لحاظ داشتن آرایه‌های «مجاز، تشبیه، استعاره، ایهام تناسب و تلمیح» در کدام گزینه درست است؟

(هنر ۹۸)

- (الف) می‌زند حلقه زلف تو در غارت جان  
(ب) گر بدین شیوه کند چشم تو مردم را مست  
(ج) جان صوفی نشد از جام کدورت صافی  
(د) می به هشیار ده ای ساقی مجلس که مرا  
(ه) خوردم از دست تو جامی که جهان جرعه اوست
- نتوان با سر زلف تو به جانی در بست  
نتوان گفت که در دور تو هشیاری هست  
تا نشد در تن خم‌خانه چو دُردی به نشست  
نشئه‌ای هست هنوز از می باقی الست  
هر که زین دست خورد می برود زود ز دست

(۱) ج، الف، د، ب، ه (۲) ج، ب، ه، الف، د (۳) ه، الف، ب، د، ج (۴) ه، ج، الف، ب، د

۱۳۲- آرایه‌های بیتِ زیر، کدام‌اند؟

(زبان ۹۸)

«شکرت شور جهانی و جهانی مشتاق

عالمی تشنه و عالم همه پر آب زلال»

(۱) استعاره، ایهام، تضاد، مراعات نظیر

(۲) ایهام، مجاز، مراعات نظیر، تشبیه

(۳) تشبیه، ایهام تناسب، جناس تام، تضاد

(۴) استعاره، ایهام تناسب، مجاز، اغراق

۱۳۳- آرایه‌های بیتِ زیر کدامند؟

(زبان ۹۸)

«بی‌برگی ما برگ نشاط است چمن را

شیرازه گلزار بود خار و خس ما»

(۱) تشبیه، استعاره، پارادوکس، مجاز

(۲) استعاره، پارادوکس، مجاز، حسن تعلیل

(۳) تشبیه، تضاد، کنایه، اسلوب معادله

(۴) استعاره، حسن تعلیل، اسلوب معادله، مجاز

۱۳۴- آرایه‌های مقابل کدام بیت، «هر دو» درست است؟

(زبان ۹۸)

(۱) بر آستان یارم برد آسمان غبارم

بالا گرفت کارم در منتهای پستی (پارادوکس، مجاز)

(۲) سکندروار در ظلمت بسی لب‌تشنه گردیدم

که جام باده شد سرچشمه آب بقای من (تلمیح، استعاره)

(۳) آن لب رنگین سخن بی‌خواست گویا می‌شود

غنچه چون افتاد بازیگوش خود وا می‌شود (حسن آمیزی، تشخیص)

(۴) چون به چهره بفشانی، چین زلف مشک‌افشان

کس به هیچ نستاند، بار نافه چین را (جناس تام، حسن تعلیل)

۱۳۵- ترتیب ابیات به لحاظ داشتن آرایه‌های: «مجاز، حسن تعلیل، حسن آمیزی، استعاره و ایهام»، کدام است؟

(زبان ۹۸)

(الف) چو چشمه خضر ار شعر من روان افزاست

عجب مدار که آن عین آب حیوان است

(ب) گل امید من آن روز رنگ می‌گیرد

که بشنوم ز لب لعل یار بوی شراب

(ج) مردم دریا نیندیشد ز طوفان زان سبب

مردم چشمم فرو برده است دایم سر در آب

(د) سر پابوس تو دارم من و هیهات کجا

نه چنان پایه چنین بی‌سروپایی برسد

(ه) فشاند سنبل و چون گل ز غنچه رخ بنمود

کشید قامت و چون سرو در چمن بنشست

(۱) ب، ج، الف، ه، د

(۲) ب، د، ه، ج، الف

(۳) د، ج، ب، ه، الف

(۴) د، ه، ب، الف، ج

۱۳۶- همهٔ واژه‌ها در بیتِ زیر آرایهٔ ایهام یا ایهام تناسب دارند؛ به جز:

(انسانی تخصصی ۹۸)

«خسرو آن است که چون ملک وصال دریافت

لعل شیرین تو را دید و شکر گرد آورد»

(۱) خسرو

(۲) شیرین

(۳) شکر

(۴) وصال

۱۳۷- آرایه‌های بیتِ زیر، کدام است؟

(انسانی تخصصی ۹۸)

«زنده به بوی توأم بوی ز من وا مگیر

تشنهٔ روی توأم باز مدار از من آب»

(۱) کنایه، تشبیه، ایهام تناسب، مجاز

(۲) استعاره، تشبیه، کنایه، جناس همسان

(۳) کنایه، تشبیه، ایهام، جناس ناهمسان

(۴) استعاره، ایهام تناسب، مجاز، جناس همسان

۱۳۸- در همهٔ ابیات، آرایهٔ «تشبیه و استعاره» یافت می‌شود؛ به جز:

(انسانی تخصصی ۹۸)

(۱) پرده بردار ای قمر پنهان مکن تنگ شکر

تا بر سیمین تو احوال ما زرین کند

(۲) مشک و عنبر گر ز مشک زلف یارم بو کند

بوی خود را واهلد در حال و زلفش بو کند

(۳) تنگ شکر شود همه کام و دهان من

چون دل خیال آن بت شیرین دهان کند

(۴) چنگ را در عشق او از بهر آن آموختم

کس نداند حالت من نالهٔ من او کند

۱۳۹- کدام بیت، فاقد «ایهام» است؟

(انسانی تخصصی ۹۸)

که هیچ فایده نبود اگر هزار بگویند  
سرب بر کنار نسترن و ارغوان نهاد  
چنین در دام غم تا کی به بوی دانه بنشیند  
بنواز باری نوبتی چون می‌زنی عشاق را

(۱) چه سود نرگس سرمست را نصیحت بلبل  
(۲) در تابیم از دو سنبل هندوت کز چه روی  
(۳) دلی کز خرمن شادی نشد یک دانه‌اش حاصل  
(۴) در پرده از ناراستی راه مخالف می‌زنی

۱۴۰- در کدام بیت تشبیه، استعاره و مجاز «همگی» وجود دارد؟

(انسانی تخصصی ۹۸)

غنچه از شاخ به صد آه و فغان برخیزد  
من از عشق، مجنون صحرا نشینم  
یک عمر از این تمنا خون در جگر توان زد  
برخیز پی جلوه که برداریم از خاک

(۱) گر بدین پسته خندان به چمن بنشین  
(۲) تو در حسن، لیلای خرگه نشینی  
(۳) گر بوسه‌ای توان زد یاقوت آن دو لب را  
(۴) خاک سر راهت شدم ای لعبت چالاک

(انسانی تخصصی ۹۸)

۱۴۱- آرایه‌های مقابل همه ابیات «کاملاً» درست است؛ به جز گزینه‌ی ...

(۱) گر چه در مصر فراموشی مقید مانده‌ایم  
(۲) حسرت برم از خسرو و فرهاد که در عشق  
(۳) نظر لطف ز مهر و مه کم‌کاسه مجوی  
(۴) معنی رنگین به نازکدل رساند خویش را

می‌رسد چون جامه یوسف به کنعان بوی ما (تلمیح، ایهام)  
نه زر به ترازویم و نه زور به بازو (لف و نشر، واج‌آرایی)  
خواب آسودگی از چشم نگهبان مطلب (ایهام تناسب، اسلوب معادله)  
باده گلگون ندارد بهتر از مینا نقاب (تشبیه، حس‌آمیزی)

(انسانی تخصصی ۹۸)

۱۴۲- آرایه‌های «مجاز، ایهام، حسن تعلیل و استعاره» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

(الف) به خون از نعمت الوان قناعت کن که مشک تر  
(ب) زمین قابل اگر بهر فکر می‌طلبی  
(ج) غنچه دلگیر ما را برگ شگرخند نیست  
(د) تا دور از آن لب شکرین همچو نی شدیم

به خون خوردن شد از ناف غزالان ختن پیدا  
ز پیش مصرع ما بیشتر شود پیدا  
ای نسیم عافیت، شبگیر کن از کوی ما  
ترجیع‌بند ناله بود بندبند ما

(۱) ب، الف، ج، د (۲) ب، د، الف، ج (۳) ج، الف، د، ب (۴) ج، د، ب، الف

(انسانی تخصصی ۹۸)

۱۴۳- ترتیب آرایه‌های «استعاره، حس‌آمیزی، حسن تعلیل، ایهام و لف و نشر» در کدام ابیات است؟

(الف) کاش در پرده شب و روز بپوشی رویت  
(ب) ابر از آن پیدا شود کز رشک خورشید رخت  
(ج) مگر ز چشم تو دم زد به گلستان نرگس  
(د) همه فدای تو کردند جان شیرین را  
(ه) تنگ شکر تلخکام از خنده شیرین او

تا نازد فلک سقله به خورشید و مهش  
آستین بر رخ نهد با دامن تر آفتاب  
که از خم‌سحر حالتی دژم دارد  
چه شاهدی تو که بهتر ز جان شیرینی  
گلبن تر سرخ‌روی از گریه رنگین من

(۱) ب، د، ه، ج، الف (۲) ب، ه، الف، د، ج (۳) ج، د، الف، ب، ه (۴) ج، ه، ب، د، الف

(تالیفی ۹۸)

۱۴۴- ترتیب ابیات زیر، بر مبنای داشتن آرایه‌های «حسن تعلیل - تضاد - استعاره - تناقض» در کدام گزینه آمده است؟

(الف) دل چو از پیر خرد نقل معانی می‌کرد  
(ب) سازگاری چرخ را با من نبود از راه لطف  
(ج) خاک بغداد به مرگ خلفا می‌گرید  
(د) من که دارم در گدایی گنج سلطانی به دست

عشق می‌گفت به شرح آن چه بر او مشکل بود  
چند روزی بهر ویرانی مرا آباد داشت  
ور نه این شط‌روان چیست که در بغداد است؟  
کی طمع در گردش گردون‌دون‌پرور کنم؟

(۱) ب - د - ج - الف (۲) ج - د - الف - ب  
(۳) د - ب - الف - ج (۴) ج - د - الف - ب



۱۴۵- در کدام بیت همه‌ی آرایه‌های «تشبیه، کنایه، استعاره، حسن تعلیل» وجود دارد؟ (تالیفی ۹۸)

- (۱) تا کی می صبح و شکرخواب بامداد  
 (۲) دی در گذار بود و نظر سوی ما نکرد  
 (۳) اندیشه از محیط فنا نیست هر که را  
 (۴) در هر طرف ز خیل حوادث کمین‌گهی است
- هشیار گرد، همان که گذشت اختیار عمر  
 بیچاره دل که هیچ ندید از گذار عمر  
 بر نقطه دهان تو باشد مدار عمر  
 زان رو عنان گسسته دواند سوار عمر

۱۴۶- در بیت زیر کدام آرایه‌ها دیده می‌شوند؟  
 «گر چو چنگم در برآیی زلف در دامن، کشان از مژه یک دامن لعل روان خواهم فشاند» (تالیفی ۹۸)

- (۱) تشبیه، استعاره، تناسب، اغراق  
 (۳) مجاز، ایهام، تناسب، کنایه  
 (۲) کنایه، تشبیه، ایهام، مجاز  
 (۴) ایهام، تشبیه، استعاره، مجاز

۱۴۷- در تمام گزینه‌ها هر دو آرایه‌ی «حسن آمیزی و جناس» وجود دارد به جز گزینه‌ی... (تالیفی ۹۸)

- (۱) ز طبع خسته‌ی من عذر خامشی می‌پذیر  
 (۲) ما گر چه مرد تلخ شنیدن نه‌ایم لیک  
 (۳) چه شد که از همه جا بوی درد می‌آید  
 (۴) هر خسی از رنگ گفتاری بدین ره کی رسد
- سخن گره نگشاید چو طبع بسته بود  
 تلخی که از زبان تو آید شنیدنی است  
 ز هر که می‌شنوم آه سرد می‌آید  
 درد باید پرده‌سوز و مرد باید گام‌زن

۱۴۷- اگر ابیات زیر را با توجه به آرایه‌های «تناقض - کنایه - جناس - اغراق - واج‌آرایی» مرتب کنیم، کدام گزینه این ترتیب و توالی را به درستی نشان می‌دهد؟ (تالیفی ۹۸)

- (الف) بیا که قصر امل سخت سست‌بنیاد است  
 (ب) نشسته خیل غمش در دل شکسته‌ی من  
 (ج) سفر دراز نباشد به پای طالب دوست  
 (د) کسی را که آمد زمانش به سر  
 (ه) تا ابد از دو جهان بی‌خبر افتد مدهوش
- بیار باده که بنیاد عمر بر باد است  
 درست شد همه کاری از این شکست مرا  
 که خار دشت محبت گل است و ریحان است  
 ز مردی به گفتار جوید هنر  
 هر که یک جرعه می از ساغر ما نوش کند

- (۱) الف - د - ه - ب - ج  
 (۳) الف - ه - ب - د - ج  
 (۲) ج - د - ب - ه - الف  
 (۴) ج - ه - ب - د - الف

۱۴۹- آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه تماماً درست آمده است؟  
 «محرورم اگر شدم ز سر کوی او چه شد از گلشن زمانه که بوی وفا شنید» (تالیفی ۹۸)

- (۱) تشبیه، حسن آمیزی، تناسب، مجاز  
 (۳) اغراق، حسن آمیزی، استعاره، حسن تعلیل  
 (۲) تناسب، استعاره، ایهام، حسن تعلیل  
 (۴) مجاز، اغراق، ایهام، تشبیه

۱۵۰- در کدام گزینه «کنایه، تشخیص، تشبیه، حسن آمیزی» وجود دارد؟ (تالیفی ۹۸)

- (۱) ز آن لب که مژده‌ی نفسش آب زندگی است  
 (۲) ای گل که موج خنده‌ات از سر گذشته است  
 (۳) تا نباید گشتمم گرد در کس چون کلید  
 (۴) دل در طلب خنده‌ی شیرین تو خون شد
- دشنام تلخ هم به دعاگو نمی‌رسد  
 آماده باش گریه‌ی تلخ گلاب را  
 بر در دل ز آرزو قفل شکیبایی زد  
 جان در طمع لعل شکرخای تو افتاد



۱۵۱- در کدام گزینه، هر ۳ آرایه‌ی مقابل آن، به درستی نوشته نشده است؟ (تالیفی ۹۸)

- (۱) به تیه حرص چون آهو، چه تازی نفس همچون سگ  
 به صحرای قناعت شو که بی آهوست آن صحرا (تشبیه، ایهام، تناسب)
- (۲) برف پیروی می‌نشیند بر سرم  
 همچنان طبعم جوانی می‌کند (تشخیص - استعاره - تضاد)
- (۳) عجب نیست از گل که خندد به سروی  
 که در این چمن پای در گل نشیند (جنس - تشخیص - مراد نظیر)
- (۴) مگوی آن سخن کاندرو سود نیست  
 کز آن آتشت بهره جز دود نیست (جناس - استعاره - تشبیه)

۱۵۲- کدام گزینه ابیات زیر را به لحاظ داشتن آرایه‌های «استعاره - تشبیه - اسلوب معادله - تلمیح» به ترتیب نشان می‌دهد؟

(تالیفی ۹۸)

- (الف) دل چو شد غافل ز حق فرمان‌پذیر تن بود  
 (ب) تا ابد بوی محبت به مشامش نرسد  
 (ج) نگاه دار گرت چوق عقیق آبی هست  
 (د) چه ناله‌ها که رسید از دلم به خرمن ماه
- (۱) الف - ب - د - ج  
 (۲) الف - ب - د - ج  
 (۳) ب - د - الف - ج  
 (۴) د - ب - الف - ج

۱۵۳- در کدام گزینه هر دو آرایه‌ی مقابل آن به درستی نیامده است؟ (تالیفی ۹۸)

- (۱) سرشک من که ز طوفان نوح دست برد  
 ز لوح سینه نیارست نقش مهر تو شست (کنایه - تشبیه)
- (۲) بگذار تا به داغ رهایی شود کباب  
 صیدی که همچو تاب نیچد بر آن کمند (تناسب - تشبیه)
- (۳) چون سایه دویدیم به سر در عقبش لیک  
 در سایه آن سرو خرامان نرسیدیم (کنایه - استعاره)
- (۴) گر خون من و جمله‌ی عالم تو بریزی  
 اقرار بیاریم که جرم از طرف ماست (مجاز - کنایه)

۱۵۴- آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه به درستی آمده است؟ (تالیفی ۹۸)

«گسسته باد که در دست نیست جز بادم»

«عنان باد نخواهم ز دست داد کنون»

- (۱) جناس تام - استعاره - کنایه - واج‌آرایی  
 (۲) جناس ناقص - واج‌آرایی - تشبیه - تکرار  
 (۳) کنایه - واج‌آرایی - مجاز - تشبیه  
 (۴) جناس ناقص - تشبیه - کنایه - مجاز

۱۵۵- در کدام گزینه هر دو آرایه‌ی مقابل بیت به درستی آمده است؟ (تالیفی ۹۸)

- (۱) خبر از درد ندارند طبیبان زنه‌ار  
 چاره زان جوی که کرده است چنین بیمار (مرعات نظیر - ایهام)
- (۲) سوی ما از یار ما با آن که می‌آید خبر  
 ما در این ره خویشان را بی‌خبر افکنده‌ایم (استعاره - مجاز)
- (۳) ما شعله‌ی شوق تو به صد حیل‌ه نشان‌دیم  
 دامن مزین این آتش پوشیده‌ی ما را (تشبیه - کنایه)
- (۴) صبح است ساقیا قدحی پر شراب کن  
 دور فلک درنگ ندارد شتاب کن (تضاد - پارادوکس)

- ۱۵۶- ابیات زیر، به لحاظ داشتن آرایه‌های «حسن تعلیل - ایهام - حس آمیزی - مجاز» در کدام گزینه به درستی آمده است؟ (تالیفی ۹۸)
- الف) شاید که به خون بر سر خاکم بنویسند  
ب) از آن دندان ز پیران گردش افلاک می‌گیرد  
ج) در این ماتم‌سرا تا یک نفس چون صبح مهمانی  
د) ز سوز شوق دلم شد کباب، دور از یار
- این بود که با دوست به سر برد وفا را  
که از غفلت نیندازی به پیری لب‌گزیدن را  
به شگرخنده شیرین دار کام تلخ‌کامان را  
مدام خون جگر می‌خورم ز خون فراق

۱) ج - ب - الف - د      ۲) ج - د - ب - الف      ۳) ب - ج - الف - د      ۴) ب - د - ج - الف

(تالیفی ۹۸)

۱۵۷- در کدام گزینه هر دو آرایه‌ی مقابل آن به درستی آمده است؟

- ۱) آدمی گر خون بگرید از گرانباری رواست      کان چه نتوانست بردن آسمان، بر دوش اوست (کنایه - تلمیح)  
۲) باغبان گر پنج روزی صحبت گل بآیدش      بر جفای خار هجران صبر بلبل بآیدش (مراعات نظیر - حسن تعلیل)  
۳) ز کوی یار می‌آید نسیم باد نوروزی      از این باد ار مدد خواهی، چراغ دل برافروزی (پارادوکس - ایهام)  
۴) هر گلی نو که در جهان آید      ما به عشقش هزاردستانیم (استعاره - حس آمیزی)

(تالیفی ۹۸)

۱۵۸- آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

«خورشیدی و آن‌گه به شب آبی عجب این است      شب روز نماید چو تو دیدار نمایی»

- ۱) تضاد - تکرار - اغراق - حسن تعلیل      ۲) تضاد - اغراق - تشبیه - پارادوکس  
۳) تکرار - تشبیه - حسن تعلیل - ایهام      ۴) ایهام - تشبیه - تکرار - پارادوکس

(تالیفی ۹۸)

۱۵۹- در کدام بیت هر دو آرایه‌ی ایهام و حس آمیزی دیده می‌شود؟

- ۱) با لبی و صد هزاران خنده آمد گل به باغ  
۲) شیرینی گفتار تو افکنند در آفاق  
۳) هرگز نمیرد آن که دلش زنده شده به عشق  
۴) ز اضطراب دل و لکننت زبان پیداست
- از کریمی گوییا در گوشه‌ای بویی شنید  
شوری ز چه ز آن روی که شهد است و نمک هم  
ثبت است بر جریده عالم دوام ما  
که شمع هم دم مردن وصیتی دارد

۱۶۰- اگر ابیات زیر را بر پایه‌ی آرایه‌های «پارادوکس - تناسب - ایهام - استعاره» مرتب کنیم، کدام گزینه درست است؟ (تالیفی ۹۸)

- الف) ماه آمده به دیدن خورشید، صبح زود  
ب) لبریز زندگی است نفس‌های آخرت  
ج) شاهد نیاز نیست که در محضر آورند  
د) از دور دست می‌رسد آیا کدام پیک
- خورشید رفته است سر شب سراغ ماه  
آورده مرگ، گرم به آغوش تو پناه  
در دادگاه عشق، رگ گردنت گواه  
ای مُسلم شرف، به کجا می‌کنی نگاه؟

۱) ب - الف - د - ج      ۲) ب - د - الف - ج      ۳) الف - ب - د - ج      ۴) ج - الف - ب - د

(تالیفی ۹۸)

۱۶۱- آرایه‌های کدام گزینه، تماماً در بیت زیر دیده نمی‌شود؟

«دل در طلب خنده‌ی شیرین تو خون شد      جان در طمع لعل شکرخای تو افتاد»

- ۱) تشخیص - تناسب - حس آمیزی - کنایه      ۲) تشخیص - تناسب - سجع - استعاره  
۳) حس آمیزی - کنایه - سجع - ایهام      ۴) ایهام - استعاره - سجع - تناقض

(تالیفی ۹۸)

۱۶۲- در تمام گزینه‌ها هر دو آرایه‌ی مقابل بیت صحیح است به جز گزینه‌ی .....  
بیت: «باز من آمیزش او الفت موج است و کنار / اگر ملول شوی یا ملامتم گویی / آه از زنگ کدورت پاک سازد سینه را / گو شمع میارید در این جمع که امشب»

- ۱) با من آمیزش او الفت موج است و کنار      دم به دم با من و پیوسته گریزان از من (تناسب - تناقض)  
۲) اگر ملول شوی یا ملامتم گویی      اسیر عشق نیندیشد از ملال و ملام (جناس - استعاره)  
۳) آه از زنگ کدورت پاک سازد سینه را      می‌شود روشن ز خاکستر سواد آینه را (اسلوب معادله - مجاز)  
۴) گو شمع میارید در این جمع که امشب      در مجلس ما ماه رخ دوست تمام است (تشبیه - ایهام)

۱۶۳- در کدام گزینه همه‌ی آرایه‌های «کنایه - حسن تعلیل - تشبیه - مراعات نظیر» وجود دارد؟ (تالیفی ۹۸)

- (۱) بر طرب حمل مکن سرخی رویم که چو جام  
(۲) نخواستم که بگویم حدیث عشق و چه حاجت  
(۳) نقش من عاشقی و در خط و خال رخ توست  
(۴) چه حاجت است به اظهار عشق پیش تو ما را
- خون دل عکس برون می‌دهد از رخسارم  
که آب دیده‌ی سرخم بگفت و چهره‌ی زردم  
همه چون زلف تو آشفتن و شیدا گشتن  
که اشک گوید و رخسار زرد و رنگ پریده

۱۶۴- در کدام گزینه ترتیب قرار گرفتن ابیات بر مبنای آرایه‌های «استعاره - تشبیه - حسن تعلیل - اسلوب معادله» به درستی

آمده است؟ (تالیفی ۹۸)

- (الف) بی‌قراران هر نفس در عالمی جولان کنند  
(ب) مخور فریب جهان کاین نه کار هشیاراست  
(ج) بنیاد خاک بر سر آب است از این سبب  
(د) دوام پرورش اندر کنار مادر دهر
- هم‌چو بوی گل به یک‌جا آرمیدن مشکل است  
که این عجزه به هر روز با کسی یار است  
خالی نباشد از خللی یا تزلزلی  
طمع مکن که در او بوی مهربانی نیست

- (۱) ب - د - ج - الف (۲) د - ب - ج - الف (۳) ب - الف - د - ج (۴) الف - ب - د - ج

۱۶۵- آرایه‌های «کنایه - حسن تعلیل - استعاره - جناس» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟ (تالیفی ۹۸)

- (الف) ببردند و پوشید روشن برش  
(ب) شقایق بر یکی پای ایستاده  
(ج) تا چشم بشیر نبیندت روی  
(د) چو نم‌ود رخ، شاهد آرزو
- نهاد آن کلاه کی ای بر سرش  
چو بر شاخ زُمرد جام باده  
بنهفته به ابهر چهر دلبنند  
به هم حمله کردند باز از دو سو

- (۱) الف - ب - ج - د (۲) د - ب - ج - الف (۳) ج - الف - د - ب (۴) د - ج - ب - الف

۱۶۶- در کدام بیت دو کنایه و دو تشخیص وجود دارد؟ (تالیفی ۹۸)

- (۱) پرید از رخ کفر در هند رنگ  
(۲) دل من آب شد از غیرت اقبال حباب  
(۳) ز دست رفتم و بی‌دیدگان نمی‌دانند  
(۴) مهلت عمر کم و فرصت خدمت تنگ است
- تپیدند بت خانه‌ها در فرنگ  
که به یک چشم زدن غوطه به عثمان زد و رفت  
که زخم‌های نظر بر بصیر می‌آید  
مگر از خاک چو نی بسته میان برخیزم

۱۶۷- در کدام بیت اضافی تشبیهی نیامده است؟ (تالیفی ۹۸)

- (۱) ای مهربان‌تر از برگ در بوسه‌های باران  
(۲) آینه نگاهت، پیوند صبح و ساحل  
(۳) پیش از من و تو بسیار بودند و نقش بستند  
(۴) وین نغمه محبت، بعد از من و تو ماند
- بیداری ستاره در چشم جویباران  
لبخند گاه‌گاهت، صبح ستاره باران  
دیوار زندگی را زین‌گونه یادگاران  
تا در زمانه باقی است آواز باد و باران

۱۶۸- در مصراع اول بیت زیر کدام آرایه نیامده است؟ (تالیفی ۹۸)

- چو نم‌ود رخ شاهد آرزو
- به هم حمله کردند باز از دو سو

- (۱) تشبیه (۲) استعاره (۳) کنایه (۴) ایهام

۱۶۹- در کدام گزینه هر چهار آرایه‌ی «حس آمیزی - تشبیه - کنایه - تناسب» دیده می‌شود؟ (تالیفی ۹۸)

- (۱) آن بلبلم که چون کشم از دل صغیر گرم  
 (۲) چه شد که از همه جا بوی درد می‌آید  
 (۳) از جواب تلخ گوشم چون دهان مار شد  
 (۴) ما گرچه مرد تلخ شنیدن نه‌ایم لیک
- بوی محبت از نفسم می‌توان شنید  
 ز هر که می‌شنوم آه سرد می‌آید  
 من همان از ساده لوحی حلقه بر در می‌زنم  
 تلخی که از زبان تو آید شنیدنی است

۱۷۰- آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه به درستی آمده است؟ «دولت عشق بین که چون از سر فقر و افتخار گوشه‌ی تاج سلطنت می‌شکند گدای تو» (تالیفی ۹۸)

- (۱) تشبیه - ایهام - حسن تعلیل - تشخیص  
 (۲) کنایه - پارادوکس - حس آمیزی - اغراق  
 (۳) تشبیه - پارادوکس - کنایه - تناسب  
 (۴) تشخیص - ایهام - اغراق - تشبیه

۱۷۱- در کدام گزینه آرایه‌ای وجود دارد که در بیت زیر نیامده است؟  
 گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد  
 اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم (تالیفی ۹۸)

- (۱) جناس - کنایه - ایهام  
 (۲) تشبیه - استعاره - مراعات نظیر  
 (۳) حسن تعلیل - کنایه - پارادوکس  
 (۴) تشبیه - استعاره - ایهام

۱۷۲- آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟  
 ناله برآرد ز کوه از اثر زاری‌ام  
 تا تو کمر بسته‌ای از پی آزار من (تالیفی ۹۸)

- (۱) اغراق - تشخیص - کنایه  
 (۲) اغراق - تشبیه - کنایه  
 (۳) مجاز - تشبیه - تناسب  
 (۴) تناسب - تشخیص - مجاز

۱۷۳- در تمام گزینه‌ها، هر دو آرایه‌ی مقابل بیت به درستی آمده است به جز گزینه‌ی... (تالیفی ۹۸)

- (۱) زلف دلدار چو زَنار همی فرماید  
 برو ای شیخ که شد بر تن ما خرقة حرام (تشخیص - تشبیه)  
 (۲) درویش را که مُلک قناعت مسلم است  
 درویش نام دارد و سلطان عالم است (پارادوکس - تشبیه)  
 (۳) بهره صورت پرست از حسن معنی، حسرت است  
 تشنه‌ی دیدار گل راه، تشنه‌تر سازد گلاب (اسلوب معادله - واج آرایی)  
 (۴) این مقرر شد که هرگز نیست راحت در جهان  
 راحتی گر هست در ترک امیدِ راحت است (پارادوکس - تشخیص)

۱۷۴- به ترتیب در کدام ابیات آرایه‌های «مجاز - تشبیه - ایهام - کنایه» دیده می‌شود؟ (تالیفی ۹۸)

- (الف) چون شوم خاک، به خاکم گذری کن چو صبا  
 (ب) قومی هوای نعمت دنیا همی پزند  
 (ج) نه در این عالم دنیا که در آن عالم عقبی  
 (د) چنان به دام تو الفت گرفت مرغ دلم
- تا به بویت ز زمین رقص کنان برخیزم  
 قومی هوای عقبی و ما را هوای دوست  
 همچنان بر سر آنم که وفادار تو باشم  
 که یاد می‌نکند عهد آشیان ای دوست

- (۱) د - ج - ب - الف  
 (۲) ج - د - ب - الف  
 (۳) ج - د - الف - ب  
 (۴) د - ج - الف - ب

- ۱۷۵- در کدام گزینه‌ها «تشبیه و استعاره» هر دو وجود دارد؟  
 الف) چو بت پرست به صورت چنان شدی مشغول  
 ب) غلام همّت آنم که زیر چرخ کبود  
 ج) خیمه‌ی انس مزن بر در این کهنه رباط  
 د) دل در جهان مبند که این نونهال را
- (تالیفی ۹۸)
- ۱۷۶- آرایه‌های به کار رفته در بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟  
 «دارد اسارت تو به زینب اشارتی  
 از اشتیاق کیست که چشمت کشید راه؟»
- ۱) ب - ج  
 ۲) الف - ج  
 ۳) الف - د  
 ۴) ب - د
- (تالیفی ۹۸)
- ۱۷۷- هر دو قسمت مشخص شده در کدام گزینه تشبیه هستند؟  
 ۱) به تیه حرص چون آهو چه تازی نفس هم چون سگ  
 ۲) دل آزاد من از گرد تعلق هیهات  
 ۳) حریم گلشن کویت نشد نشیمن ما  
 ۴) برای گردن جان کم ز طوق لعنت نیست
- (تالیفی ۹۸)
- ۱۷۸- در کدام گزینه آرایه‌های استعاره، تناسب و تشبیه دیده می‌شود؟  
 ۱) گر بلند و پست نفروشد تمیز  
 ۲) میحث سود و زیان در خانه نیست  
 ۳) کاری از تدبیر نتوان پیش برد  
 ۴) دود نتوان بست بر دوش شرار
- (تالیفی ۹۸)
- ۱۷۹- در کدام بیت هم «مجاز»، داریم و هم «تشبیه»؟  
 ۱) گر دهم شرحش بسوزد نامه‌ام  
 ۲) همچو ابر از چشم گوهر بار خویش  
 ۳) بر که یار ب نرگس مستم فتاد؟  
 ۴) گر هزاران دام باشد هر قدم
- (تالیفی ۹۸)
- ۱۸۰- یکی از آرایه‌های مقابل کدام بیت نادرست است؟  
 ۱) ای کاش ناله‌های چو من بلبلی حزین  
 ۲) برخیز لاله، بند گلو بند خود بتاب  
 ۳) لب دوخت هر که را که بدو راز گفت دهر  
 ۴) راه عدم نرفت کس از رهروان خاک
- (تالیفی ۹۸)
- ۱۸۱- یکی از آرایه‌های مقابل کدام بیت، نادرست است؟  
 ۱) بلبل از فیض گل آموخت سخن ورنه نبود  
 ۲) چه شب است یا رب امشب که ستاره‌ای برآمد  
 ۳) پاسخ تلخ تو و خنده شیرین با هم  
 ۴) آب روان چو آینه گردیده است خشک
- (تالیفی ۹۸)
- این همه قول و غزل تعبیه در منقارش (حُسن تعلیل، تشخیص)  
 که دگر نه عشق خورشید و نه مهر ماه دارم (استعاره، ایهام تناسب)  
 نوش در نیش نهان گشته و نیش اندر نوش (حسن آمیزی، جناس تام)  
 از حیرت نظاره گل‌ها در این چمن (حُسن تعلیل، استعاره)

۱۸۲- آرایه‌های «ایهام، نغمه حروف، تشبیه، تضمین» همگی در کدام بیت یافت می‌شود؟ (تالیفی ۹۸)

- ۱) تو شور کوه‌کن آور نه قصه شیرین
- ۲) به بوی زلف تو در پیشگاه باد سحر
- ۳) به زیر زلف پرنسپس بامداد وصال
- ۴) به شهر عشق منم شهریار و چون حافظ

۱۸۳- آرایه‌های ذکرشده در کدام بیت نادرست است؟ (تالیفی ۹۸)

- ۱) به رحمت سر زلف تو واثقم ورنه
- ۲) به آن لب هر که بازد عشق از کشتن نیندیشد
- ۳) چون صدف هرکس که دندان بر سر دندان نهد
- ۴) یک دل آبادان نپندارم که ماند در جهان

۱۸۴- آرایه‌های بیت «ای مهربان تر از برگ، در بوسه‌های باران / بیداری ستاره، در چشم جویباران» در کدام گزینه آمده‌اند؟

(تالیفی ۹۸)

- ۱) تناسب، واج‌آرایی، تشخیص، اسلوب معادله
- ۲) استعاره، تناسب، کنایه، واج‌آرایی
- ۳) تشخیص، واج‌آرایی، تشبیه، جناس
- ۴) تناسب، تشخیص، ایهام، کنایه

(تالیفی ۹۸)

۱۸۵- آرایه‌های مقابل تمام ابیات درست آمده است؛ به جز:

- ۱) دانشی را لطف کن کز وی محبت سرزند
- ۲) سر شراب عشقش مست مدام داند
- ۳) سرو اگر چند بلند است ز اشجار چمن
- ۴) گر نه صائب داغدار از رفتن پروانه است

(تالیفی ۹۸)

۱۸۶- در همه ابیات به جز بیت ..... آرایه‌های «تشبیه و تشخیص و حسن تعلیل» مشهود است.

- ۱) گر بر زبان براند، جز ذکر دوست عاشق
- ۲) ز ناله‌ای که کند خامه می‌توان دانست
- ۳) هیچ دانی ز چه دامان فلک پُرگهر است
- ۴) ماه از اثر مِهَر رخت یافت نشانی

(تالیفی ۹۸)

۱۸۷- در همه ابیات به جز .....، «تشبیه و استعاره» وجود دارد.

- ۱) گر ببینی عاشقی در گریه، ای زاهد چو اشک
- ۲) بر سر خوان هوس عمری است مهمان خودیم
- ۳) طفلی است جان و مهد تن او را قرارگاه
- ۴) و یا به ابر گهر بار درفشان گفتن

(تالیفی ۹۸)

۱۸۸- در کدام بیت هر دو آرایه «ایهام تناسب و جناس» وجود دارد؟

- ۱) در زلف تو گویی که فکند، ای صنم چین
- ۲) رسم عشاق، وفا، خوی بتان، بدعهدی است
- ۳) سرو سیم‌اندام چون دعوی صیادی کند
- ۴) شیر و شکر به طفل مزاجان سبیل کن

۱۸۹- چنانچه بخواهیم ابیات زیر را به لحاظ داشتن آرایه‌های «مراعات نظیر، حس آمیزی، تشبیه و کنایه» مرتب کنیم، کدام

گزینه درست است؟ (تالیفی ۹۸)

الف) در بر من ره چو به پایان برد  
ب) چون بگشایم ز سر مو شکن  
ج) لیک چنان خیره و خاموش ماند  
د) راست به مانند یکی زلزله

از خجلی سر به گریبان برد  
ماه ببیند رخ خود را به من  
کز همه شیرین سخنی گوش ماند  
داده تنش بر تن ساحل یله

۱) ب - الف - د - ج    ۲) الف - ب - د - ج    ۳) ب - ج - د - الف    ۴) الف - د - ج - ب

۱۹۰- آرایه‌های «جناس تام» و «کنایه» را در همه ابیات زیر می‌توان یافت به جز بیت گزینده‌ی ..... (تالیفی ۹۸)

۱) بر سرم قاتل اگر بار دگر خواهد گذشت  
۲) نه من از پرده‌ی تقوی به در افتادم و بس  
۳) هزار عقده‌ چین را یک انقلاب گشود  
۴) خرم شده باغ از تو چون جنت

زندگی را با دم تیغش ز سر خواهم گرفت  
پدرم نیز بهشت ابد از دست، بهشت  
ولی به چین دو زلفت شکست شانه‌ی ما  
چون باغ تو نیست باغ در عالم

۱۹۱- در کدام گزینه، آرایه «حسن تعلیل» و «ایهام» به کار رفته است؟ (تالیفی ۹۸)

۱) تا چشم تو ریخت خون عشاق  
۲) چون جامه‌ها به وقت مصیبت سیه کنند  
۳) به صدق کوش که خورشید زاید از نفست  
۴) کس در جهان ندارد، یک بنده هم چو حافظ

زلف تو گرفت رنگ ماتم  
من موی از مصیبت پیری کنم سیاه  
که از دروغ سیه‌روی گشت صبح نخست  
زیرا که چون تو شاهی، کس در جهان ندارد

۱۹۲- ترتیب توالی ابیات زیر، از جهت داشتن آرایه‌های «حس آمیزی، حسن تعلیل و تناقض» کدام است؟ (تالیفی ۹۸)

الف) ابر از آن پیدا شود کز رشک خورشید رخت  
ب) برای رسیدن چه راهی بریدم  
ج) دل به دست آن نگار شوخ و سنگ افتاده است  
د) گر چه جز تلخی از ایام ندید

آستین بر رخ نهد با دامن تر، آفتاب  
در آغاز رفتن به پایان رسیدم  
طفل بازیگوش را آتش به چنگ افتاده است  
هر چه خواهی سخنش شیرین است

۱) الف - ج - د    ۲) د - الف - ج    ۳) د - ج - ب    ۴) د - الف - ب

۱۹۳- در کدام بیت «شیوه بلاغی» به کار رفته است؟ (تالیفی ۹۸)

۱) بس که جفا ز خار و گل دید دل رمیده‌ام  
۲) ای سرو حدیقه‌ی معانی  
۳) سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند؟  
۴) این که دل نام کرده‌ای به مجاز

همچو نسیم از این چمن پای برون کشیده‌ام  
جانی و لطیفه‌ی جهانگی  
همدم گل نمی‌شود یاد سمن نمی‌کنند  
رو به پیش سگان کوی، انداز

۱۹۴- در کدام بیت شیوه بلاغی به کار نرفته است؟ (تالیفی ۹۸)

۱) اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را  
۲) ساقیا برخیز و در ده جام را  
۳) دوش آگهی ز یار سفر کرده داد باد  
۴) حسن تو همیشه در فزون باد

به خال هندویش بخشم، سمرقند و بخارا را  
خاک، بر سر کن غم ایام را  
من نیز دل به باد دهم هرچه باد باد  
رویت همه‌ساله لاله‌گون باد



(تالیفی ۹۸)

خوردن خون دل خلق به دستان تا چند؟  
 صبر پیدا و جگر خوردن پنهان تا چند؟  
 تشنه باز آمدن از چشمه‌ی حیوان تا چند؟  
 تو ز ما فارغ و ما از تو پریشان تا چند؟

۱۹۵- در کدام بیت «ایهام و واج‌آرایی» به کار رفته است؟

(۱) رنگ دستت نه به حنّاست که خون دل ماست  
 (۲) بیم آن است دمادم که برآرم فریاد  
 (۳) خار در پای گل از دور به حسرت دیدن  
 (۴) آخر ای سنگدل سیم‌زنخندان تا چند

(تالیفی ۹۸)

۱۹۶- ترتیب قرار گرفتن ابیات به لحاظ داشتن آرایه‌های «جناس تام - حسن تعلیل - تشخیص - تشبیه» کدام است؟

الف) تا تماشای وصال خود کند  
 ب) جهان چاهی است بی بن بر سر راه  
 ج) نه هر درخت تحمل کند جفای خزان  
 د) بیا و برگ سفر ساز و زاد ره برگیر

نور خود در دیده بینا نهاد  
 نشاید مست خفتن بر سر چاه  
 غلام همت سرورم که این قدم دارد  
 که عاقبت برود هر که او ز مادر زاد

(۱) د - الف - ج - ب (۲) د - ج - الف - ب (۳) الف - ب - ج - د (۴) الف - ب - د - ج

(تالیفی ۹۸)

۱۹۷- در کدام بیت هر سه آرایه «استعاره - تشبیه - جناس» دیده می‌شود؟

(۱) هر که دودی نرسیده است بدو ز آتش عشق  
 (۲) صبر است مرا چاره‌ی هجران تو لیکن  
 (۳) مرد ثابت قدم آن است که از جا نرود  
 (۴) مرد حق را چون شناسد زاهد خود ناشناس

از تب و تاب جگر سوخته‌گانش چه خبر؟  
 چون صبر توان کرد که مقدر نمانده است  
 و چه سرگشته بود گرد زمین همچو فلک  
 چون رسد در دیگری هر کس که از خود بازماند؟

(تالیفی ۹۸)

۱۹۸- آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

«گر آن شیرین‌دهن لب را به شگرخنده بگشاید

(۱) کنایه، پارادوکس، حس‌آمیزی، استعاره  
 (۲) مجاز، استعاره، تناسب، پارادوکس  
 (۳) تلمیح، ایهام، مجاز، حس‌آمیزی  
 (۴) تناسب، تلمیح، ایهام، اسلوب معادله

(تالیفی ۹۸)

۱۹۹- در کدام بیت هر دو آرایه‌ی مقابل آن به درستی آمده است؟

(۱) حدیث عشق اگر گویی گناه است  
 (۲) لیبی خامش تر از گوش صدف آماده می‌باید  
 (۳) چشم چپ خویش‌تن برآرم  
 (۴) نه همین می‌رمد آن نو گل خندان از من

گناه اول ز حـوّا بـود و آدم (تشبیه - تلمیح)  
 طلبکار وصال دُرّ شـهوار معانی را (تشخیص - استعاره)  
 تا روی نبیندت به جز راست (ایهام - پارادوکس)  
 می‌کشد خار در این بادیه دامان از من (تکرار - استعاره)

(تالیفی ۹۸)

۲۰۰- در کدام گزینه هر دو آرایه کنایه و ایهام به کار رفته است؟

(۱) آتش از خانه‌ی همسایه‌ی درویش مخواه  
 (۲) مرا به هر چه کنی دل نخواهی آزدن  
 (۳) گرچه با دلق ملمّع (رنگارنگ) می‌گلگون عیب است  
 (۴) هنر بیار و زبان آوری مکن سعدی

کانتچه از روزن او می‌گذرد دود دل است  
 که هر چه دوست پسندد به جای دوست رواست  
 می‌کنم عیب کز او رنگ ریا می‌شویم  
 چه حاجت است که گوید، شکر که شیرینم



## پاسخنامه آرایه

۱	۱	۲	۳	۴
۲	۱	۲	۳	۴
۳	۱	۲	۳	۴
۴	۱	۲	۳	۴
۵	۱	۲	۳	۴
۶	۱	۲	۳	۴
۷	۱	۲	۳	۴
۸	۱	۲	۳	۴
۹	۱	۲	۳	۴
۱۰	۱	۲	۳	۴
۱۱	۱	۲	۳	۴
۱۲	۱	۲	۳	۴
۱۳	۱	۲	۳	۴
۱۴	۱	۲	۳	۴
۱۵	۱	۲	۳	۴
۱۶	۱	۲	۳	۴
۱۷	۱	۲	۳	۴
۱۸	۱	۲	۳	۴
۱۹	۱	۲	۳	۴
۲۰	۱	۲	۳	۴
۲۱	۱	۲	۳	۴
۲۲	۱	۲	۳	۴
۲۳	۱	۲	۳	۴
۲۴	۱	۲	۳	۴
۲۵	۱	۲	۳	۴
۲۶	۱	۲	۳	۴
۲۷	۱	۲	۳	۴
۲۸	۱	۲	۳	۴
۲۹	۱	۲	۳	۴
۳۰	۱	۲	۳	۴
۳۱	۱	۲	۳	۴
۳۲	۱	۲	۳	۴
۳۳	۱	۲	۳	۴
۳۴	۱	۲	۳	۴
۳۵	۱	۲	۳	۴
۳۶	۱	۲	۳	۴
۳۷	۱	۲	۳	۴
۳۸	۱	۲	۳	۴
۳۹	۱	۲	۳	۴
۴۰	۱	۲	۳	۴
۴۱	۱	۲	۳	۴
۴۲	۱	۲	۳	۴
۴۳	۱	۲	۳	۴
۴۴	۱	۲	۳	۴
۴۵	۱	۲	۳	۴
۴۶	۱	۲	۳	۴
۴۷	۱	۲	۳	۴
۴۸	۱	۲	۳	۴
۴۹	۱	۲	۳	۴
۵۰	۱	۲	۳	۴

۵۱	۱	۲	۳	۴
۵۲	۱	۲	۳	۴
۵۳	۱	۲	۳	۴
۵۴	۱	۲	۳	۴
۵۵	۱	۲	۳	۴
۵۶	۱	۲	۳	۴
۵۷	۱	۲	۳	۴
۵۸	۱	۲	۳	۴
۵۹	۱	۲	۳	۴
۶۰	۱	۲	۳	۴
۶۱	۱	۲	۳	۴
۶۲	۱	۲	۳	۴
۶۳	۱	۲	۳	۴
۶۴	۱	۲	۳	۴
۶۵	۱	۲	۳	۴
۶۶	۱	۲	۳	۴
۶۷	۱	۲	۳	۴
۶۸	۱	۲	۳	۴
۶۹	۱	۲	۳	۴
۷۰	۱	۲	۳	۴
۷۱	۱	۲	۳	۴
۷۲	۱	۲	۳	۴
۷۳	۱	۲	۳	۴
۷۴	۱	۲	۳	۴
۷۵	۱	۲	۳	۴
۷۶	۱	۲	۳	۴
۷۷	۱	۲	۳	۴
۷۸	۱	۲	۳	۴
۷۹	۱	۲	۳	۴
۸۰	۱	۲	۳	۴
۸۱	۱	۲	۳	۴
۸۲	۱	۲	۳	۴
۸۳	۱	۲	۳	۴
۸۴	۱	۲	۳	۴
۸۵	۱	۲	۳	۴
۸۶	۱	۲	۳	۴
۸۷	۱	۲	۳	۴
۸۸	۱	۲	۳	۴
۸۹	۱	۲	۳	۴
۹۰	۱	۲	۳	۴
۹۱	۱	۲	۳	۴
۹۲	۱	۲	۳	۴
۹۳	۱	۲	۳	۴
۹۴	۱	۲	۳	۴
۹۵	۱	۲	۳	۴
۹۶	۱	۲	۳	۴
۹۷	۱	۲	۳	۴
۹۸	۱	۲	۳	۴
۹۹	۱	۲	۳	۴
۱۰۰	۱	۲	۳	۴

۱۰۱	۱	۲	۳	۴
۱۰۲	۱	۲	۳	۴
۱۰۳	۱	۲	۳	۴
۱۰۴	۱	۲	۳	۴
۱۰۵	۱	۲	۳	۴
۱۰۶	۱	۲	۳	۴
۱۰۷	۱	۲	۳	۴
۱۰۸	۱	۲	۳	۴
۱۰۹	۱	۲	۳	۴
۱۱۰	۱	۲	۳	۴
۱۱۱	۱	۲	۳	۴
۱۱۲	۱	۲	۳	۴
۱۱۳	۱	۲	۳	۴
۱۱۴	۱	۲	۳	۴
۱۱۵	۱	۲	۳	۴
۱۱۶	۱	۲	۳	۴
۱۱۷	۱	۲	۳	۴
۱۱۸	۱	۲	۳	۴
۱۱۹	۱	۲	۳	۴
۱۲۰	۱	۲	۳	۴
۱۲۱	۱	۲	۳	۴
۱۲۲	۱	۲	۳	۴
۱۲۳	۱	۲	۳	۴
۱۲۴	۱	۲	۳	۴
۱۲۵	۱	۲	۳	۴
۱۲۶	۱	۲	۳	۴
۱۲۷	۱	۲	۳	۴
۱۲۸	۱	۲	۳	۴
۱۲۹	۱	۲	۳	۴
۱۳۰	۱	۲	۳	۴
۱۳۱	۱	۲	۳	۴
۱۳۲	۱	۲	۳	۴
۱۳۳	۱	۲	۳	۴
۱۳۴	۱	۲	۳	۴
۱۳۵	۱	۲	۳	۴
۱۳۶	۱	۲	۳	۴
۱۳۷	۱	۲	۳	۴
۱۳۸	۱	۲	۳	۴
۱۳۹	۱	۲	۳	۴
۱۴۰	۱	۲	۳	۴
۱۴۱	۱	۲	۳	۴
۱۴۲	۱	۲	۳	۴
۱۴۳	۱	۲	۳	۴
۱۴۴	۱	۲	۳	۴
۱۴۵	۱	۲	۳	۴
۱۴۶	۱	۲	۳	۴
۱۴۷	۱	۲	۳	۴
۱۴۸	۱	۲	۳	۴
۱۴۹	۱	۲	۳	۴
۱۵۰	۱	۲	۳	۴

۱۵۱	۱	۲	۳	۴
۱۵۲	۱	۲	۳	۴
۱۵۳	۱	۲	۳	۴
۱۵۴	۱	۲	۳	۴
۱۵۵	۱	۲	۳	۴
۱۵۶	۱	۲	۳	۴
۱۵۷	۱	۲	۳	۴
۱۵۸	۱	۲	۳	۴
۱۵۹	۱	۲	۳	۴
۱۶۰	۱	۲	۳	۴
۱۶۱	۱	۲	۳	۴
۱۶۲	۱	۲	۳	۴
۱۶۳	۱	۲	۳	۴
۱۶۴	۱	۲	۳	۴
۱۶۵	۱	۲	۳	۴
۱۶۶	۱	۲	۳	۴
۱۶۷	۱	۲	۳	۴
۱۶۸	۱	۲	۳	۴
۱۶۹	۱	۲	۳	۴
۱۷۰	۱	۲	۳	۴
۱۷۱	۱	۲	۳	۴
۱۷۲	۱	۲	۳	۴
۱۷۳	۱	۲	۳	۴
۱۷۴	۱	۲	۳	۴
۱۷۵	۱	۲	۳	۴
۱۷۶	۱	۲	۳	۴
۱۷۷	۱	۲	۳	۴
۱۷۸	۱	۲	۳	۴
۱۷۹	۱	۲	۳	۴
۱۸۰	۱	۲	۳	۴
۱۸۱	۱	۲	۳	۴
۱۸۲	۱	۲	۳	۴
۱۸۳	۱	۲	۳	۴
۱۸۴	۱	۲	۳	۴
۱۸۵	۱	۲	۳	۴
۱۸۶	۱	۲	۳	۴
۱۸۷	۱	۲	۳	۴
۱۸۸	۱	۲	۳	۴
۱۸۹	۱	۲	۳	۴
۱۹۰	۱	۲	۳	۴
۱۹۱	۱	۲	۳	۴
۱۹۲	۱	۲	۳	۴
۱۹۳	۱	۲	۳	۴
۱۹۴	۱	۲	۳	۴
۱۹۵	۱	۲	۳	۴
۱۹۶	۱	۲	۳	۴
۱۹۷	۱	۲	۳	۴
۱۹۸	۱	۲	۳	۴
۱۹۹	۱	۲	۳	۴
۲۰۰	۱	۲	۳	۴